

۷ کارنیل، بزرگترین شبکه موفقیت ایرانیان می باشد، که افرادی زیادی توانسته اند با آن به موفقیت برسند، فاطمه رتبه ۱۱ کنکور کارشناسی، محمد حسین رتبه ۶۸ کنکور کارشناسی، سپیده رتبه ۳ کنکور ارشد، مریم و همسرش راه اندازی تولیدی مانتو، امیر راه اندازی فروشگاه اینترنتی، کیوان پیوستن به تیم تراکتور سازی تبریز، میلاد پیوستن به تیم صبا، مهسا تحصیل در ایتالیا، و.... این موارد گوشه از افرادی بودند که با کارنیل به موفقیت رسیده اند، شما هم می توانید موفقیت خود را با کارنیل شروع کنید.

برای پیوستن به تیم کارنیلی های موفق روی لینک زیر کلیک کنید.

[www.karnil.com](http://www.karnil.com)

همچنین برای ورود به کانال تلگرام کارنیل روی لینک زیر کلیک کنید.

<https://telegram.me/karnil>



# ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از تلاش روزانه هیئت ایرانی  
جمهوری اسلامی ایران به قله ماکالو ۸۶۶۲ متر



**ماکالو هیولای سیاه**

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

# ماکالو

# هیولای سیاه

گزارشی از

صعود ارزنده هیأت اعزامی جمهوری اسلامی ایران

به قله ماکالو 8463 متر

نیال بهار 1380

تهیه، گردآوری و تنظیم:

رضا زارعی

تقدیم به همه آنان که با دعای خیرشان، همراهی مان کردند و در غمها و شادی‌های ما شریک بودند.

به دنبال بی‌نهایتیم در اوج که روحمان جز به پیوند خوردن با بی‌نهایت آرام نمی‌گیرد.

رهبر انقلاب در دیدار با فاتحان اورست:

«قهرمانان کوهنورد باید فتح اورست را سرآغازی برای انجام کارهای بزرگ‌تر و گسترش فعالیت‌های خود در زمینه کوهنوردی و نیز در عرصه‌های دیگر زندگی بدانند.»

سید محمد خاتمی رئیس‌جمهوری اسلامی ایران:

«آنچه شما کوهنوردان به نمایندگی از ملت بزرگ ایران انجام دادید برای جمهوری اسلامی ایران مایه افتخار و سرافرازی است.»





**ماکالو هیولای سیاه**

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

**فهرست مطالب**

مقدمه

پیشگفتار

ماهاکالا  
تاریخچه تلاشهای صورت گرفته بر روی  
ماکالو

بر فراز هیولای سیاه

فصل اول  
ماکالو سیاه بزرگ

فصل دوّم  
به سوی هیلاری کمپ

فصل سوّم  
کاروان آرزوها

فصل چهارم  
عبور از مرز رؤیاها

فصل پنجم  
برفراز هیولای سیاه

ماکالو در یک نگاه

گزارش پزشکی

گزارش تدارکات تغذیه و انرژی

تدارکات فنی

معرفی اعضای تیم ملی اعزامی به ماکالو

## مقدمه

کوه ماکالو همراه با قتل اورست و لوتسه در منطقه هیمالیای خومبو روالینگ قرار دارد. هیمالیای خومبو به وسیله رودخانه آرون از هیمالیای کانچن چونگا جدا گشته است، که از شمال به جنوب هیمالیا در جریان است و به وسیله رودخانه دود کسی که از یخچالهای هیمالیای خومبو سرچشمه می‌گیرد از هیمالیای روالینگ جدا می‌شود. این خط الرأس در طول مرز نپال و تبت از غرب به شرق و از قتل چوآیو، پوموری، قلّه اورست و سپس گردنه جنوبی اورست به سمت قلّه لوتسه امتداد مییابد و در نهایت به شرق و قلّه ماکالو کشیده شده است.

ماکالو با ارتفاع 8463 متر (27.765 پا) پس از قتل اورست، K 2، کانچن چونگا و لوتسه به عنوان پنجمین کوه مرتفع جهان شناخته می‌شود. این کوه با 05 و 87 طول و 53 و 27 عرض جغرافیایی در 14 مایلی شرق اورست واقع است.

بهترین زمان دستیابی به ماکالو قبل از فصل مونسن ماههای می و آوریل و پس از فصل مونسن در اواخر ماه سپتامبر و ماه اکتبر می‌باشد. راههای دستیابی به کمپ اصلی ماکالو از طریق دهکده داران بازار یا فرودگاه توملینگتار است.

کتاب حاضر گزارشی از تلاش اعضای تیم ملی کوهنوردی فاتح قلّه ماکالو در بهار 1380 می‌باشد.

در بخش نخست کتاب مقدمه‌های به قلم آقای صادق آقاجانی، رئیس فدراسیون کوهنوردی و سرپرست تیم فاتح قلّه ماکالو آمده است.

سپس به همت دوست عزیز، آقای دکتر ابوالفضل جوادی به معرفی قلّه ماکالو پرداخته شده، این بخش تحت عنوان ماهاکالا، ترجمه‌های از کتاب بر بام دنیا نوشته جان کلییر و ریچارد سیل می‌باشد، در ادامه مسیر راهپیمایی توملینگتار نزدیکترین فرودگاه به ماکالو تا کمپ اصلی شرح داده شده است. گرچه این بخش قدری طولانی شد ولی برای آشنایی بیشتر خوانندگان عزیز با زندگی مردم روستایی نپال و باربران و نیز آشنایی با مسیر راهپیمایی این بخش به طور کامل عرضه گردید و در پی آن گزارشی از تلاش ارزنده کوهنوردان کشورمان و فتح ماکالو ارائه شده است.

گزارش پزشکی برنامه به همت دکتر حمید مساعدیان، پزشک تیم و دبیر کمیته پزشکی فدراسیون کوهنوردی و گزارش تغذیه نیز به لطف آقای علی طاهری مسئول ستاد تغذیه فدراسیون کوهنوردی ارائه شده است تا خوانندگان عزیز با چگونگی مشکلات و بیماریهای ارتفاع و نیز تغذیه در یک برنامه بلندمدت در هیمالیا آشنا شوند و در نهایت، ضمن بیان بیوگرافی اعضای تیم فاتح قلّه ماکالو قسمتی از تدارکات فنی برنامه ماکالو نیز بیان شده است.



### ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

در پایان از پشتیبانی ریاست فدراسیون کوهنوردی، آقای صادق آقاجانی برای چاپ و انتشار کتاب حاضر تقدیر مینماییم. همینطور از تمام دوستانی که با دعا خیر خود تیم را همراهی نمودند قدردانی و تشکر میکنیم.

به امید روزی که پرچم زیبا و غرورآفرین کشورمان بر فراز تمامی قله رفیع جهان به اهتزاز درآید.

رضا زارعی

## پیشگفتار

پس از صعود موفقیت آمیز قله چوآیو و شیشاپانگما در منطقه تبت، در بهار سال 1379، اجرای برنامه سالانه صعود تیم کوهنوردی ایران، در منطقه هیمالیا، یک انتظار از سوی علاقمندان فعالیتهای کوهنوردی و هیمالیانوردی داخل و خارج بود.

انتخاب قله بعدی هیمالیا برای صعود سال 1380 که تمامی اهداف مورد نظر را دربرداشته باشد کار دشواری بود به همین دلیل با تنی چند از مدیران و کوهنوردان برجسته خارجی (که برخی از آنها به تمامی چهارده قله بالای هشت هزار متری صعود کرده بودند) مشاورهای انجام گرفت که نتیجه آنرا با بعضی دوستان کوهنورد، اعضای تیمهای هیمالیا و همکاران خود در فدراسیون در میان گذاشتم. در نهایت، با بررسی شرایط تیم کشورمان، تجربیات موجود، انتظارات و همچنین وضعیت قله مختلف هیمالیای نپال و پاکستان، ماکالو این هیولای سیاه برای صعود تیم ملی کوهنوردی کشور در سال 1380 در نظر گرفته شد.

آزمونهای مختلف آمادگی جسمانی، کوهستان و یخچال بهوسیله کمیسیونی متشکل از اعضای باتجربه و فعال تیمهای هیمالیانوردی انجام گرفت و اردوهای آموزشی بر حسب وضعیت قله فوق طراحی شد و نتایج اردوها و وضعیت آموزشی به دقت بررسی گردید، صعود به ماکالو کار سادهای نبود، زیرا علاوه بر دارا بودن خصوصیات عمومی دیگر قله بالای هشت هزار متر، دارای شرایط منحصر به فردی بود که صعود به آنرا دشوار مینمود به طوری که این کوه تا پایان سال 2000 میلادی فقط 156 صعودکننده داشته و 19 نفر نیز در این راه جان خود را از دست داده بودند.

اردوها به خوبی برگزار میشد و بخش تدارکات غذایی و فنی نیز وظایف خود را به خوبی انجام میدادند تنها دو نکته نگرانکننده وجود داشت:

1. موقعیت شخصی: که بهدلیل مسائل مالی و مشکلات زندگی چندان در وضعیت مناسبی قرار نداشتم تا آنجا که از پیگیری قضایا دلسرد شده و فقط تلاش اردونشینان انگیزهای بود تا کار را دنبال کنم از این رو در جلسهای که با حضور آقای مهندس سید مصطفی میرسلیم عضو هیأت رئیسه فدراسیون برگزار شد مسائل را از نزدیک مطرح و بررسی نمودیم. در نهایت قرار بر این شد که مسائل را بهطور جدی تا رسیدن به نتیجه، پیگیری نمایم.

2. وضعیت مالی: با توجه به اینکه در بودجه 45 میلیون تومانی سال 1380 فدراسیون، برای صعود به ماکالو هزینههای پیشبینی نشده بود بنابراین از مسئولان سازمان تربیت بدنی برای تأمین ارز و رالد، درخواست کمک کردیم ولی متأسفانه دو نامه رسمی، مبنی بر پاسخ منفی دریافت نمودیم. اما امید و دلگرمی ورزشکاران پرتلاش و نیز حمایت معاون سازمان، آقای





### ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

مهندس سعید فائق پشوانه پیگیری کارها شد بنابراین طی مکاتبات متعددی که با دفتر ریاست جمهوری انجام شد، در نهایت با پشتیبانیهای دفتر ریاست جمهوری و رئیس بانک مرکزی و عنایت خاص آقای مهندس هاشمیپنا موفق به دریافت ارز گردیدیم و بخش زیادی از مبالغ ریالی هم مانند سالهای گذشته، از طریق کمکهای مردمی تأمین شد.

شایسته است از اشخاص و سازمانهایی که همواره ما را در اجرای این برنامه یاری نمودند تشکر و سپاسگزاری نمایم. بدیهی است که اجرای چنین برنامه‌های بدون کمک این عزیزان، امکانپذیر نبود. یقیناً اشخاص و سازمانهای دیگری نیز در این امر ما را یاری رسانده‌اند که به دلیل فراموشی نامشان پوزش خواسته و از آنها نیز قدردانی مینمایم.

دفتر مقام معظم رهبری، دفتر ریاست جمهوری اسلامی ایران، اداره کل شکایتهای مردمی ریاست جمهوری، معاونت اجرایی ریاست جمهوری، رئیس کل محترم بانک مرکزی، آقای مهندس هاشمیپنا، آقای مهندس فائق، آقای تقدسینژاد، اداره کل خدمات و پشتیبانی سازمان تربیت بدنی، آقای سعید کاشفی، کارکنان محترم دفتر امور مشترک فدراسیونها، دبیرکل کمیته ملی المپیک آقای افشارزاده، آقای سید امیرحسینی، بانک ملی شعبه حسابهای دولتی، دایره ارز، شورای شهر تهران، شهرداری تهران، اعضای محترم شورای برونمرزی سازمان تربیت بدنی، آقای مهندس شاهرخ شهنازی، آقای مهدی امرالهی، آقای مهندس میرسلیم، گمرک فرودگاه مهرآباد، نیروی انتظامی فرودگاه مهرآباد، هواپیمایی گلف ایر، مدیریت آژانس هواپیمایی الکا، مدیریت شرکت کسا، تولیدی کوه اسکی، صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، شبکه خبر، شبکه سوم سیما، شبکه جامجم، رادیو ورزش، شبکه جوان رادیو، شبکه سراسری رادیو، مدیریت محترم خبر ورزش، مجله دنیای ورزش، آقای علی طاهری، کارشناسان علوم تغذیه دانشگاه اراک، مدیریت شرکت زاگرس 2، مدیریت شرکت پارس سوئیچ، خانواده‌های محترم اعضای تیم، مدیریت مجله کوه، پیشکسوتان و کوهنوردان. همچنین شایسته است از تمامی اعضای تیم، که در بدترین شرایط منطقه (و وضعیت روحی و روانی، که دوری از خانواده و مشکلات منطقه از عوامل آن بود) نهایت تلاش و از خودگذشتگی را نشان دادند تشکر نمایم.

آنها همواره دوستی، برادری و فداکاری را سرمشق خود قرار دادند و شرایط مناسبی را برای انجام امور سرپرستی فراهم نمودند و هرگز هدف مقدس تیم، که به اهتزاز درآوردن پرچم

جمهوری اسلامی ایران بر فراز قله ماکالو بود تحت‌تأثیر هیچ موضوع دیگری قرار نگرفت و این افتخار بزرگ را به نام ایران به ثبت رساندند.

افتخار صعود هفت نفر از یک تیم، در یک زمان، بر فراز هیولای سیاه (ماکالو).

در پایان از همکاران گرامی خود در فدراسیون، که همواره سختیها و مشکلات را صمیمانه میپذیرند قدردانی مینمایم.

به امید روزی که شاهد شکوفایی روزافزون ورزش کشور باشیم.

و اینک فارغ از آن روزها دفتر خاطراتم را ورق میزنم و به روزهای سخت تیم در تنگه ماکالولا میاندیشم:

تیم «ب» به عنوان نخستین گروه برای رسیدن به کمپ 3 مأموریت دارد. حرکت برای دستیابی به کمپ 3 آغاز شده. سرپرستی این تیم به یکی از توانمندترین نفرات سپرده شده اما افراد تیم یکی پس از دیگری در راه باز میمانند گرچه توانمندی اوراز فوقالعاده است. پس از چند ساعت تلاش متأسفانه تیم قصد بازگشت به کمپ 2 را دارد. تیم «الف» نیز به کمپ 2 رسیده و تقریباً همه نفرات در کنار یکدیگرند و همین مسئله باعث بروز مشکلاتی چون اسکان افراد در چادرها، غذا و... شده است. به هر حال باید گذراند. اما فردای آن روز تیم «الف» آماده عزیمت به کمپ 3 میشود. مسیر بسیار دشوار است. شیب، تند و بسیار سخت و نفسگیر است. صعود در مسیرهایی با 60، 70 یا 80 درجه در ارتفاع بالای 6400 متر کار آسانی نیست. بهدلیل فرسوده بودن بیسیمها امکان تماس با تیم «الف» وجود ندارد. گاهی گزارشهایی از اوراز (سرپرست تیم «ب») که اینک در کمپ 2 مستقر است) دریافت میکنم. نزدیکیهای غروب آفتاب است. اوراز میگوید: حاجی دو نفر بسیار عقب هستند و کند حرکت میکنند. با این شرایط ممکن است به کمپ نرسند، و من نگران از این موضوع، خدایا چه خواهد شد؟ بازگشت روز گذشته تیم «ب» تأثیر بسیار بدی روی نفرات گذاشته و این موضوع افکار مرا پریشان کرده است. شاید گزارشهای اوراز هم کمی تحت‌تأثیر این امر بوده. به هر حال تیم «الف» به کمپ 3 میرسد و دو نفری که عقب مانده بودند نیز پیش از تاریکی هوا از دید اوراز محو شده و خود را به چادرها میرسانند و اقبال سرپرست تیم «الف» موفق میشود از روی گردنه تماس بگیرد حال همه خوب است.

آنها روز بعد کمپ 3 را برای رسیدن به کمپ 4 ترک نمودند و با تلاشی چشمگیر خود را به آنجا رساندند و پس از کمی استراحت در 7600 متر مجدداً راهی کمپ 3 شدند. علیرغم درخواست من برای بازگشت به کمپ 2 آنها اصرار کردند در 7200 متر بمانند که به ناچار اینچنین میشود و همچنان در آن ارتفاع باقی میمانند.

صبح روز بعد در هوایی مهآلود همه منتظر بازگشت تیم هستیم تا ساعتها خبری نمیشود. هیچگونه دیدی نسبت به کمپ 2 وجود ندارد. شرایط نگرانکننده است. بالاخره اوراز تماس



### ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

میگیرد. او تا 6800 متر بالا رفته. مثل اینکه اتفاقی برای یکی از اعضای تیم افتاده بهنظر میرسد کسی را روی طناب پائین میآورند. خدایا چه شده! در ارتفاع 7000 متر و در آن شرایط سخت، وضعیت بچه ها چگونه است. اگر مشکلی پیش آمده باشد چگونه باید کمکسانی کرد. دو ساعتی گذشت، تماسهای پی در پی با اوراز بینتیجه بود. اما بالاخره صدای خنده محمد شادی را به کمپها بازگرداند. آنچه روی طناب است کولهپشتی یکی از بچه ها است که بهخاطر خستگی و آسیب بدنی آنرا میکشند و....

صادق آقاجانی

سرپرست تیم فاتح قله ماکالو

## ماهاکالا

ماکالو در بررسی هندیها در سال 1884، بهعنوان سیزدهمین قله شناخته شده بود. طبق این بررسی، نام قله خامبالونگ بود. بهنظر میرسید این اسم از منطقهای به نام خامبا سرچشمه گرفته باشد، گرچه دره شمالی قله، کامالونگ نام دارد که به معنی دره رود «کاما» است.

به باور برخی، واژه ماکالو از «کامالونگ» گرفته شده این بحث چندان پذیرفتنی نیست و بیشتر امکان دارد که منشاء آن، واژه سانسکریت ماهاکالا باشد که به معنی «آب و هوای سترگ» است و به موقعیت جداگانه و برتر این کوه در ناحیهای که بادهای مشهوری دارد، اشاره مینماید. شیوا خدای ویرانگر هندوها نیز نماد دگرگونیهای شدید آب و هوایی است و شاید نام این کوه، به پاس احترام او باشد. جالب است که ماهاکالا (با همین هجا یا بسیار نزدیک به آن) در زبان تبتی به معنای کوه سیاه بزرگ یا هیولای سیاه است؛ توصیفی عالی برای این هرم سنگی غولآسا، در مواقعی که باد، برفهای نشسته بر آنرا روبیده باشد.

### اکتشافات

ماکالو ضمن نخستین بررسی کوه اورست، در 1921 از سوی «هاوارد باری» مشاهده و عکسبرداری شد. او از خارتا در تبت به سوی جنوب حرکت کرده دره کاما و یخچال کانشونگ را کشف نمود. باری برای دیدن نیال، از کانشونگ تا تیغه زیر پتانته بالا رفت و به ارتفاعی رسید که آنرا 6550 متر برآورد کرد. از آنجا که بلندی پتانته فقط کمی بیش از 6700 متر است، این موضوع قابل قبول بهنظر نمیرسد و بررسیهای اخیر نشان میدهد که باری به 6000 متر هم نرسیده است. به هر حال او چشمانداز خوبی به جبهه شمالی ماکالو (بخش پایانی مسیر نخستین صعود) داشت و نگاهی نیز به دیواره غربی انداخت. در 1933 «هوستون» توانست از بالا عکسهای خوبی از دیواره جنوبی و غربی بگیرد. در 1951 و 1952 نیز «اریک شیپتون» در قالب گروه بررسی اورست و کاروان چوآیو، عکسهایی از دیواره غربی گرفت. در 1952 شیپتون، «هیلاری»، «لووه» و «اوانز» یخچال «بارون» تا پای پتانته بالا رفته به نمایی نزدیک از دیواره جنوبی دست یافتند.





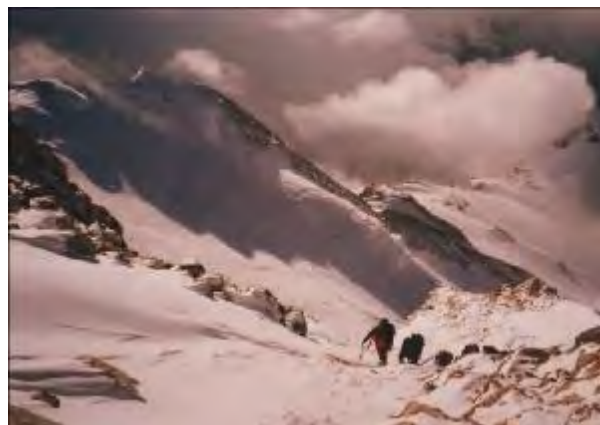
## ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

ماکالو، دیواره غربی

در آغاز 1934 فرانسویها برای گرفتن پروانه تلاش روی ماکالو با مقامات تبت مذاکره کردند ولی پیش از آنکه برنامه‌های ریخته شود، تبتی‌ها نظر آنها را تغییر دادند. در 1953 که بریتانیاییها به اورست صعود کردند، فرانسویها - که برای تلاش در 1954 پروانه داشتند - دوباره ماکالو را مورد توجه قرار دادند، اما با شگفتی دریافتند که دولت نپال به دو گروه پروانه داده است: یکی آمریکایی و دیگری نیوزیلندی به رهبری ادموند هیلاری (که بعدها سِر ادموند نام گرفت). پس فرانسویها اجازه‌های برای 1955 درخواست کردند ولی پذیرفتند که در فصل پس از بارش 1954 نیز کاوشی مقدماتی پیرامون کوه انجام دهند.

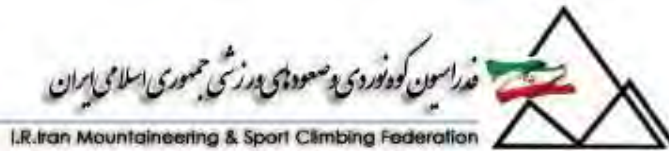
آمریکاییها یک گروه ده نفره از باشگاه «سیرا»ی کالیفرنیا بودند که به رهبری دکتر «ویلیام سیری» و با حضور دکتر «ویلیام آنسولد» - که بعدها نخستین صعود تیغه غربی اورست را انجام داد - در آغاز آوریل به یخچال بارون رسیدند. آنها تیغههای جنوب شرقی و شمال غربی را بررسی کردند. سپس نخستین را برگزیده در طول آن چند کمپ زدند اما هوای بد نگذاشت از 7150 متر بالاتر بروند. نیوزیلندیها دیرتر رسیدند اما هیلاری - که ضمن نجات همگروهش از شکاف، دچار شکستگی دندها شده بود - آنها را همراهی نکرد. این گروه بخش شمالی یخچال بارون را تا پتانته و سپس به سمت ماکالولا (گردنه میان قله‌اصلی و ماکالو - 2 که کانچونتسه نیز نامیده میشود) بالا رفتند. در این صعود آخری، هیلاری - که اکنون به گروه پیوسته بود ناگهان و به شدت بیمار شد و همه اعضا ناچار شدند برای او پایین بیایند. بنابراین هنگامی که فرانسویها در سپتامبر رسیدند، ماکالو تنها کمی بیش از دوره پیش از جنگ شناخته شده بود. گروه فرانسه به ماکالولا رسید و کانچونتسه در ارتفاع 7640 متری و چومولونزو را صعود کرد که هر دو چشمانداز خوبی به جبهه شمالی داشتند. صعود چومولونزو در ارتفاع 7790 متری با وجود تندباد شدید و دمایی حدود 35- درجه سانتیگراد پیروزی چشمگیری بود. «لیونلتری» (که همراه «ژان کوزی» صعود کرد) در زندگینامه خود، این روز را یکی از روزهای دشوار و توانفرسا و در عین حال به یاد ماندنی و شگفت‌آور زندگیش می‌شمارد و اطمینان میدهد که چومولونزو نه به‌عنوان یک چشمانداز بلکه به‌خاطر ارزش ذاتیش صعود شد. بدین ترتیب کاروان در فصل پس از بارش توانست راه نخستین صعود را شناسایی کند.



ماکالو، در مسیر قله

### نخستین صعود

تیم بهار 1955 فرانسویها نیز مانند پائیز 1954 توسط «ژان فرانکو» رهبری میشد. «ژان بوویه»، «سرژ کوپه»، «پیر لرو»، «گیدو مانون» و «آندره ویالات» به کهنه کاران آناپورنا 1950 و برنامه 1954 یعنی «ژان کوزی» و «لیونلتری» پیوسته بودند. گیدو مانون کسی بود که در 1952 همراه تری از فیتز روی در پاتاگونیا بالا رفت و با این کار پیشرفتی تازه در صعود مسیرهای دشوار قله دورافتاده پدید آورد. او همچنین عضو گروهی بود که دیواره غربی درو را صعود کرد. «آندره لاپرا» پزشک گروه بود و دو زمینشناس - «پیر بورن» و «میشل لاتریه» - کاروان را همراهی میکردند. گروه بیست و سه شرپا داشت که زیر نظر سردار «گیالزن نوروبو» بودند و یک سرباز «گورخا» به نام «کینجوک سرینگ» نیز بهعنوان باربر ارتفاع کار میکرد. تجهیزات گروه نسبت به کاروانهای پیشین، یک درجه پیشرفت داشت. گرچه لباسهای زیر به جای الیاف مصنوعی از ژرسه بافته شده بودند، پوشش یک تکه پایین تنه (به وزن 800 گرم) بسیار شبیه به انواع مدرن بود، با این تفاوت که به پوششی از نایلون ضد باد نیاز داشت. فرانسویها دستگاه اکسیژن را نیز بر پایه طرح انگلیسیها برای اورست (ولی سبکتر از آن) بهبود بخشیده بودند. شمار بالای کپسولهای اکسیژن به آنها اجازه میداد که در ارتفاعات پایین از اکسیژن فراوان استفاده کنند و ضمن خواب نیز اکسیژن استنشاق نمایند. بیتدرید این واقعیتها در نتیجه پایانی کار تاثیر داشتند. البته هوا نیز نقش خود را به خوبی بازی میکرد، هر چند مراحل نخست صعود در هوایی یکنواخت پیش رفت، هنگام تلاش برای رسیدن به قله نیز هوا بسیار عالی، بیابر و تقریباً آرام بود. برف نیز شرایطی به همین خوبی داشت. به جای یخ برهنه یا توده انبوهی از برف که نیازمند به گشایش راه با دشواری باشد، برفی سفت اما مناسب برای کرامپون راه را پوشانده بود. مسیر تا پای ماکالولا سر راست بود اما رسیدن به گردنه بسیار دشوار می نمود. فرانسویها



## ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

به کمک طنابهای سال 1954، سراسر راه را تا گردنه ثابتگذاری کرده در آنجا کمپ پنجم را برپا ساختند. شریپاها نیز به کمک همین طنابها توانستند کمپی مجهز در پای تیغه شمال غربی پدید آورند. آنها روی تیغه کار نکردند، بلکه با یک کمربر از پهنای جبهه شمالی گذشته به آخرین کمپ - کمپ ششم - در 7800 متری رسیدند. از آنجا در ساعت هفت بامداد پانزدهم ماه می، تری و کوزی راهی قله شدند. آنها به آسانی خود را به پای ستیغی رساندند که به تیغه شرقی منتهی میشد. ستیغ که از دور دهشتناک به نظر میرسید، در واقع ساده بود و دو کوهنورد حدود ساعت یازده به قله رسیدند، در حالی که 660 متر پایانی مسیر تنها چهار ساعت وقت گرفت. چکاد کوه شگفتانگیز بود: سه تیغه تقریباً متقارن (شرقی، جنوبی و شمال غربی) در نقطهای همانند نوک مداد به هم میرسیدند که کف دست میتواند آنرا بپوشاند و یک انسان میتواند روی آن بنشیند ولی ایستادن به سختی امکان داشت. روز بعد (شانزدهم می) فرانکو، مانون و سردار گیالزن نوروبو صعود را تکرار کرده آنها نیز پیش از نیمروز به قله رسیدند و روز بعد (هفدهم می) بوویه، کوپه، لرو و ویالات هم ظهر نشده به قله دست یافتند. این نخستین 8000 متری بود که همه اعضای یک گروه توانسته بودند به آن دست یابند. پس از صعود، تری و فرانکو دچار احساس سرخوردگی پس از پیروزی شدند. تری باور داشت که «پیروزی باید به بهای رنج و تلاش بهدست آید ولی ملایمت هوا و پیشرفت تکنیک، این پیروزی را چنان ارزان در اختیار ما نهاد که نتوانستیم ارزش حقیقی آنرا دریابیم.» فرانکو نیز میاندیشید که «ما در قلبهایمان تپش چندانی احساس نکردیم. با توجه به کامل بودن ابزار و خوش شانسی مداوم، رقابت جدیتری را آرزو میکردیم.»

این احساسات بسیار قابل توجه هستند. در واقع فرانسویها در مورد هوا بسیار خوششانس بودند. در مسیر دشوار ماکالولا ذرهای باد نبود و در سه روز صعود به قله نیز هوا بسیار خوب بود. فرانکو یادآوری میکند که اگر نیم متر برف تازه بر تیغه تیز منتهی به قله نشسته بود، صعود آن تبدیل به آزمونی بس دشوار میشد. در ضمن تجهیزات بسیار خوب، ارتش بسیار کوچک شریپاها و نبود موارد بیماری در میان اعضا (که تا اندازههای مربوط به کاربرد اکسیژن از آغاز کار تا قله بود) در این پیروزی آسان نقش داشتند. البته آنان گروهی نیرومند با سازماندهی عالی داشتند و به هر حال پنجمین کوه بلند گیتی را در نخستین تلاش صعود کرده بودند. به نظر میرسد



پس از شوک آناپورنا - که هرزوغ و لاشنال به سختی از آسیبهایش جان به در بردند - تیم فرانسه دچار گونهای احساس گناه شده بود که گریبان بازماندگان مصیبتهای بزرگ را میگیرد. آنها میخواستند پیروز شوند اما پیروزی آسان، غافلگیرشان کرد.

### صعودهای بعدی

در 1961 ادموند هیلاری همراه کاروانی به ماکالو برگشت. هدف این سفر - که در تابستان 1960 آغاز شد - شناسایی کامل منطقه مینگبو، جستجوی یتی و صعود بدون اکسیژن پنجمین قله بلند جهان بود. آنها در مارس 1961 از آمادابلام بالا رفتند. بلافاصله دولت نپال - که این صعود را غیرقانونی میدانست - پروانه ماکالو را پس گرفت. هیلاری مدتی را در کاتماندو صرف بحث در این مورد کرد که موفقیت آمیز بود. وی پس از برگشت ضمن صعود به کمپ سوم ماکالو دچار حادثه گردید و ناچار به پایین برگشت. کاروان به راه خود ادامه داد و به ماکالولا دست یافت. سپس آخرین کمپ را در 8100 متر برپا کردند. از آنجا «پیتر مولگرو»، دکتر «تام نویسون» و شریا «آنولو» به سمت قله حرکت کردند. تنها 110 متر به قله مانده بود که مولگرو دچار آمبولی ریه شد که نیاز به انتقال فوری داشت. کمی پائینتر - هنگامی که آنولو به دنبال کمک رفت - نویسون و مولگرو مجبور به شیمانی شدند. نویسون که سرگرم کندن غار برفی بود دچار خیز ریوی گردید. پزشک دوم کاروان - «میشل وارد» - که در تیم بریتانیایی اورست هم شرکت کرده بود - برای کمک به آنها به راه افتاد ولی او نیز در پی آسیبهای قبلی دچار ذاتالریه شد. در نتیجه افراد برای عقب نشینی دست به دامن راههای کوتاهتر و نزدیکتر شدند و سرانجام مولگرو از راه هوا به کاتماندو انتقال یافت. او علاوه بر عوارض جدی دیگر، پنجههای هر دو پا و شماری از انگشتان دستش را از دست داد. آسیبیدگی او چنان شدید بود که پس از بازگشت به نیوزیلند، نامش ضربالمثلی برای بیان درد و رنج گردید. او در کتابش از رهگذری یاد میکند که بدون شناختن وی برایش دلسوزی میکند و این جمله را به زبان میآورد: «وضع تو میتواند بدتر از این باشد. نگاه کن که مولگرو چه لحظات سختی را از سر گذرانده است!» تا سال 1970 صعود دیگری صورت نگرفت. در آن سال کاروان بزرگی از ژاپن - بیست کوهنورد، سی و دو شریا و بیش از چهارصد باربر - روی تیغه جنوبشرقی راهی باز کردند. ژاندارم سیاه، دشوارترین بخش تیغه صعود شد. سپس برای انتقال آسانتر بارها به سمت دیواره غربی میان بر زدند. نخستین تلاش برای رسیدن به قله، در ارتفاع 8380 متر بهدلیل کولاک شکست خورد. دو کوهنورد مجبور به شیمانی شدند اما سالم به کمپ برگشتند. در دومین تلاش، «یوئیچی اوزاکی» و «هاجیمه تاناکا» به قله رسیدند، اما این کار هفده ساعت طول کشید. آن دو پس از اتمام اکسیژن نیز به حرکت به سمت قله ادامه دادند و در نور ماه سالم بازگشتند.





### ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

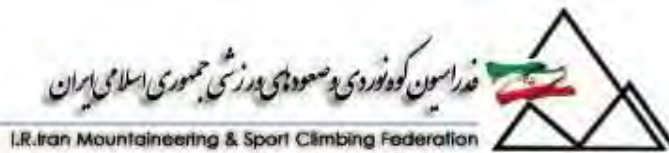
ضمن صعود بعدی در 1971 راهی تازه به قله باز شد و یک گروه فرانسوی به رهبری «روبر پاراگو» از تیغه غربی بالا رفتند. این تیغه، دیوارهای غربی و جنوبی را از هم جدا میکند و پس از یک بخش سنگی تقریباً قائم در ارتفاع 7350 تا 7700 متر، ستون غربی نامیده میشود. این بخش نیاز به سنگنوردی با درجه «V +» و «A2» دارد که در سطح دریا نیز بسیار دشوار است اما در ارتفاع 7500 متر، پیشرفتی در صعودهای دشوار به شمار میرود. آب و هوا نیز به سایر مشکلات افزوده شد زیرا بهار 1971 با برف سنگین، دمای بسیار پایین و بادهایی با سرعت بیش از 150 کیلومتر در ساعت، بدترین بهار قرن بود. در بیشتر مسیرها «یانیک سینیور» و «برنار مله» پیشتاز بودند و هم آنها پس از دو تلاش ناموفق و بازگشت سومین عضو گروه از 8300 متری، توانستند با مصرف اکسیژن از بالای ستون، سرانجام به قله برسند. در آن زمان - درست یک سال پس از صعود دیواره جنوبی آنپورنا - این صعود قابل توجه بود که ارزش و اعتبار شایسته خود را کسب نکرد.

در طول چهار سال بعد، گروههای نیرومندی از اتریش (شامل رینولد مسنر)، چکسلواکی (که تا بیش از 8000 متر بالا رفت) و یوگسلاوی در جبهه جنوبی ماکالو شکست خوردند. سرانجام در فصل پس از بارش 1975 تیمی از یوگسلاوی به رهبری «آلس کوناور» (که تلاش قبلی را نیز رهبری کرده بود) موفق گردید و در آغاز اکتبر طی یک دوره پنج روزه هفت کوهنورد به قله رسیدند. همه مردان قله از اکسیژن استفاده کردند، گرچه یک نفر درست زیر قله ناچار شد دستگاه اکسیژن از کار افتادهاش را رها کند. در 1976 چکها نیز بازگشتند و مسیر خود را در دیواره جنوبی کامل کردند. آنها از ستون جنوبغربی و سمت راست راه یوگسلاوها بالا رفتند. در همان هنگام یک گروه اسپانیایی سرگرم تلاش روی تیغه جنوبشرقی بود. دو گروه تصمیم گرفتند یکی شده، از راه چکها بالا بروند و از راه اسپانیاییها برگردند. نخستین تلاش در هوایی بسیار بد به شکست انجامید اما دومین تلاش موفقیتآمیز بود. «میلان کریساک»، «میشل اورولین» و «کارل شوبرت» به «جرج کامپروبی» اسپانیایی پیوستند. اورولین پس از خراب شدن دستگاه اکسیژن عقب نشینی کرد ولی سه تن دیگر به قله دست یافتند. آنها در بازگشت گرفتار طوفان شدند. شوبرت از نفس افتاده و تمایل به شبمانی داشت ولی دو نفر دیگر به زحمت پایین آمدند. شوبرت دیگر هرگز دیده نشد.

در 1977 یک گروه بریتانیایی - آمریکایی - یوگسلاو، صعودی بدون شریا و اکسیژن را روی دیواره غربی آزمایش کردند. در این برنامه چندین سانحه رخ داد که بهخاطر نداشتن عوارض جدی، خنده‌آور بهنظر میرسند: آسیبهایی در اثر ریزش سنگ پدید آمد، یک چادر خالی از کوهنورد در اثر بهمن ویران شد و چادر دیگری در پی ترکیدن چراغ، سوخت و از بین رفت. گروه پیش از رسیدن به 7000 متر بازگشت.

در 1978 نیز یک برنامه عبور از قله (صعود از تیغه جنوبشرقی و برگشت از راه اصلی) به شکست انجامید که علت آن بیشتر مربوط به پشتیبانی و تدارکات بود تا بخت بد. البته هفت تن از اعضای این گروه بین المللی توانستند به قله برسند. یکی از آنها «کورت دیمبرگر» بود که در چهل و شش سالگی - پس از صعود برودپیک و دائولاگیری - داشت قله 8000 متری دیگری را صعود میکرد. دیگری شریا «آنگ چاپال» بود که نخستین صعود بدون اکسیژن این قله را انجام داد. راه ستون غربی فرانسویها در 1980 توسط یک گروه چهار نفره آمریکایی تکرار شد که بدون اکسیژن و به شیوه آلی صعود کردند. «جان راسکلی» تنها به قله رسید و دیگران به دلایل گوناگون باز ماندند. در دسامبر همان سال، یک تلاش زمستانه روی تیغه جنوبشرقی - صعودی جاهطلبانه - ناکام ماند. سال بعد «وویتک کورتیکا»، «جرزی کوکوژکا» و «آلکس مکینتایر» در فصل پس از بارش در تلاش برای گشودن راهی تازه در دیواره غربی شکست خوردند. سپس کوکوژکا تیغه شمالغربی را بدون اکسیژن و به تنهایی در چهار روز صعود کرد. پیشتر، چندین نفر از بخش پایانی این راه به تنهایی بالا رفته بودند ولی این نخستین صعود تک نفره واقعی قله و سومین صعود 8000 متری کوکوژکا بود. در ماه می سال 1982 یک گروه کرهای ضمن صعود تیغه جنوبشرقی (با کمی تفاوت) اسباببازی چوبی کوچکی را که کوکوژکا درست زیر قله در یک شکاف گذاشته بود، پیدا کردند. راه بریتانیا - لهستان در دیواره غربی نیز در 1982 توسط یک گروه لهستانی - برزیلی کامل شد و «آندری ژوک» به تنهایی به قله دست یافت. بخش پایانی این راه، در امتداد راه تیغه شمالغربی کوکوژکا بود.

در 1984 «ژان آفاناسیف»، «دوگ اسکات» و «استیو ساستاد» ضمن تلاش روی راهی تازه در جبهه شرقی ماکالو - که در کمتر از صد متری قله شکست خورد - پیکر کارل شوبرت را در محل آخرین شبمانی او پیدا کردند. شاید همین تجربه هشداردهنده باعث شد که به جای ادامه دادن تا قله و بازگشت از مسیر آسان اصلی، تصمیم به بازگشت از همان مسیر دشوار بگیرند. در سال 85-1984 تلاش برای نخستین صعود زمستانی دوباره آغاز شد. یک گروه ژاپنی در 7520 متر متوقف شد و رینولد مسنر و «هانس کامرلندر» تنها تا بالای ماکالولا صعود کردند. در سپتامبر 1986 مسنر و کامرلندر با «فریتز موچلخنر» بازگشتند و از راه اصلی بالا رفتند. این سیزدهمین 8000 متری مسنر بود که در چهارمین تلاش صعود گردید. دو روز پیش از گروه



## ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

مسنر، «کریستف ویلیچکی» از راه ستون غربی فرانسویها (با کمی تفاوت) به قله رسید. ویلیچکی عضو یک کاروان لهستانی بود ولی «مارسل رودی» از او خواست که برای یک صعود دو نفره آلپی به وی بپیوندد. با توجه به اینکه او به خوبی هم هوا نشده بود و رودی نیز به دلیل ورود با بالگرد همین وضع را داشت، ویلیچکی پیشنهاد را با بیمیلی پذیرفت و تاکید کرد که با پیدایش نخستین مشکل هر دو باید برگردند. او که از دیاموکس استفاده کرده بود بیش از حد انتظار خودش کارایی نشان داد و با جلو افتادن از رودی، به تنهایی به قله رسید. وی در برگشت رودی را دید که به کندی بالا میرفت و حتی به بهای شب مانی، میخواست کار را ادامه دهد. روز بعد ویلیچکی پیش از حرکت به سمت پایین، رودی را دید که به کندی به سمت پایین برمیگردد اما بعد مسنر و همراهانش او را - نشسته روی برف - مرده یافتند. در 1988 «مارک باتارد» از ستون غربی به تنهایی بالا رفت و از راه اصلی برگشت و بدین ترتیب نخستین عبور از قله را انجام داد. باتارد با دو شریا تا 7750 متری ثابتگذاری کرده، پایین آمد. سپس عصر بیست و ششم آوریل با پشت سر گذاشتن توده‌های از تجهیزات به سوی قله حرکت کرد و ساعت 45:9 بامداد بیست و هفتم به قله دست یافت که صعود خوبی بود. صعود تک نفره «پیر بگین» در فصل پس از بارش 1989 نیز همین اندازه ارزشمند بود. بگین به همراه سه دوستش از راهی تازه در دیواره جنوبی تا 7200 متر بالا رفت. سپس از کمپی در آن ارتفاع، به تنهایی ادامه داد تا به راه یوگسلاوها رسید و از آنجا با دو شیبمانی به قله دست یافت. او از راه اصلی برگشت ولی گرفتار بهمن شد. ریزش برف او را تا نزدیک کمپ یک کاروان دیگر پایین آورده و بدون آسیب برجای گذاشت. روز بعد او دوباره دچار بهمن گردید ولی باز جان به در برد و سالم به پای کوه رسید.

سال 1990 شاهد صعود نخستین زن به قله ماکالو بود. «کتی کالون گریسوم» همراه «جان اسکات» به قله رسیدند. آن دو عضو یک گروه کوچک بودند و از راه ستون غربی فرانسویها به شیوه آلپی بالا رفتند. در 1994 «آنا تولی بوکریف» روسی و «برناردو گاراچی» اهل بولیوی تلاش کردند که از ماکالولا یکراست به قله برسند ولی در سی متری قله از صعود باز ماندند. بعدها بوکریف و «نیل بیدلمن» این راه را ضمن صعودی یکسره کامل کردند. آنها کار را در ساعت 6/30 عصر سیزدهم می آغاز کرده ساعت 4/30 عصر پانزدهم به قله رسیدند. سال بعد یک گروه ژاپنی از راهی تازه در شمالشرقی کوه بالا رفت. این راه از تبت آغاز میشد و روی تیغه

شرقی ادامه مییافت. تیغهای به طول ده کیلومتر که آغاز آن در ارتفاع 3920 متر بود. گروه، کمپ اصلی خود را در همین نقطه برپا کرد و از سمت جنوبی تیغه بالا رفت تا به یال شمالغربی و راه اصلی رسید و این راه را ادامه داد. در روزهای بیست و یکم و بیست و دوم ماه می، هشت ژاپنی در قالب دو تیم چهار نفره به قله دست یافتند.

در فصل پس از بارش 1996 «یاسوشی یامانوی» کوهنورد ژاپنی در تلاش جاهطلبانه خود برای صعود تک نفره از راهی تازه در دیواره غربی شکست خورد زیرا گرفتار ریزش سنگ شده ناچار گردید از 7300 متری عقب نشینی کند اما در بهار 1997 یک گروه روسی توانست راهی تازه در این سو بگشاید. راه حقیقی دیواره غربی - خطی مستقیم تا بالای دیواره - شامل سنگنوردی بسیار دشوار در ارتفاع بالا که در معرض ریزش سنگ از سمت بالا بود. روسها از این راه نرفتند بلکه راهی را در سمت چپ ستون غربی برگزیدند که بخشهایی از آن از ریزش در امان بود. البته این نیز یکی از دشوارترین مسیرها روی قله بلند و یک کار قابل توجه بود که تنها پس از رسیدن به بالای ستون غربی - در ارتفاع 8000 متر - از طریق یک کمربر، کمی آسانتر میشد. از 7300 متر به بعد، صعود توسط یک تیم شش نفره به شیوه آلپی ادامه یافت ولی در 8200 متر، «صلوات حبیبولین» که در بیشتر مسیر پیشتان بود - و در نتیجه از نفس افتاده بود - به ناچار توقف کرد. «آکس بولوتف»، «ایگور بوگافسکی»، «یوری ارماچک»، «دمیتری پاولنکو» و «نیکلای زیلین» به کار ادامه دادند و بیست و چهارم می به قله رسیدند. آنها در برگشت، حبیبولین را مرده یافتند. هنگام فرود، بوگافسکی نیز در پی ریزش سنگ کشته شد.

راه حقیقی دیواره غربی - که چند گروه روی آن کار کرده ولی هیچ یک از 7300 متر بالاتر نرفتهاند - همچنان صعود نشده باقی است: از دید برخی، این راه «آخرین مشکل بزرگ» 8000 متریها میباشد و همچنین این اطمینان وجود دارد که در آغاز قرن جدید صعود گردد. ماکالو تنها هشت هزار متری نیال است که تاکنون در زمستان صعود نشده است و این نیز هدفی دیگر برای هزاره تازه است. ماکالو قلهای زیبا ولی خطرناک است و از نظر میزان مرگ و میر در بازگشت از قله مکان دوم را داراست (از هشت هزار متریهای نیال، تنها آنپورنا از آن خطرناکتر است و هر دو بعد از "K2" قرار دارند). این حقیقت تا مدتها مانع توجه گروههای تجاری به این قله گردیده است.

ترجمه: دکتر ابوالفضل جوادی

متن از کتاب: On top of the world

نوشته: Richard Sale , John Cleare

## ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

### بر فراز هیولای سیاه

به طرف کمپ 2 حرکت میکنیم باد زوزه کشان از شمال غربی می وزد. برجهای یخی در روبرو و سینهکش کانچونگ تسه و شکافهای یخی در دو طرف مسیر، مبارزه سختی را میطلبند. نمای پیشانی یخی بین کمپ 2 و 3 حیرتانگیز است. پرچمهای راهنما، نزدیک شدن به شکافها را هشدار میدهند. سرما، مجال بیرون آوردن دوربین را نمیدهد. هنوز به خوبی هم هوا نشده ایم. مسیر کمپ 1 به 2 کوتاه است اما سنگینی بارمان، وزش باد شدید و سرمای هوا، کمپ را دست نیافتنی کرده. پیشنهاد استراحت داده شد. کوله بارمان را به زمین نهادیم و روی آن نشستیم. خدای من هیولایی سپید از پشت سر نظارهگر ما میباشد. مادر خدای زمین، چومولونگما، کوهی که سر به آسمان ساییده و در ورای ابرها بر فرق خورشید بوسه میزند. لوتسه نیز مغرور و استوار چون ستونی در کنار آن ایستاده و هر دو به تماشای ما نشستهایند و ما از اینهمه عظمت در حیرت هستیم، در حقیقت آنها شاهدانی بر تلاش ما خواهند بود.



## فصل اول

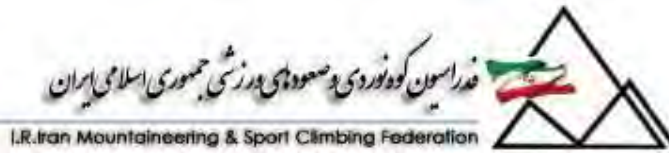
### ماکالو سیاه بزرگ

به تهران باز میگردیم، بهار 79 است. تیم ایران پس از فتح دو قلّه چوآیو « 8201 متر و شیشاپانگما 8046 متر تازه به کشور بازگشته. آقای آقاجانی پس از مشورت با دوستانش در نپال قلّه ماکالو را برای بهار 80 در نظر گرفتهاند. بسیاری به این صعود، با دیده تردید مینگرند. به سرعت شروع به جمعآوری اطلاعات در مورد آن نمودیم. آمار نشان میدهد تا ابتدای سال 2001 میلادی تنها 156 کوهنورد، موفق شدهاند به قله صعود کنند یعنی کمتر از کوهی چون K 2 (164 نفر) و این آمار در مقایسه با اورست (1172 نفر) یا چوآیو (1090 نفر) رقم بسیار ناچیزی است. وقتی به آمار تلفات کوه رجوع کردیم آن را با 19 کشته، کوهی پرتلفات یافتیم (2/12% نسبت کشتهها به کل صعودها) که در این بین 8 فاتح قله نیز هنگام فرود کشته شدهاند. نپالیها معتقدند پس از کانچن چونگا، ماکالو سرسخت ترین و خطرناکترین کوه 8000 متری نپال است. آنها ماکالو را سیاه بزرگ مینامند.

با دریافت اجازه صعود ماکالو توسط فدراسیون کوهنوردی نخستین گام برای صعود این کوه برداشته شد. سپس فدراسیون اقدام به فراخوان عمومی از کوهنوردان سراسر کشور نمود. تستهای ورودی در مهر ماه 79 و در دو مرحله آزمون میدانی و تست کوهستان برگزار گردید که تست کوهستان در منطقه سرکچال و سبلان برگزار شد و در نهایت طی شش مرحله اقدام به برگزاری اردوهای ناپیوسته نمودیم. طبق تجربه سالهای قبل این بار تصمیم گرفتیم در اردوها بیشتر به کارهای فنی پرداخته شود تا نفرات را برای شرایط سخت و فنی ماکالو آماده کنیم. اردوهای آمادگی در مناطق «آزادبر»، «کلاغ لانه همدان»، جنوبی و غربی دماوند خطالرأس کرماکوه و یخنوردی در منطقه فشم صورت گرفت. در نهایت 16 عضو تیم ایران در پایان سال 79 معرفی شدند. همچنین در این مدت با همّت آقایان علی طاهری مسئول ستاد تغذیه فدراسیون کوهنوردی و حمید آسیابان مراحل مطالعه، خرید و بستهبندی تدارکات غذایی انجام شد. تدارکات فنی نیز در کنار تدارکات غذایی در تاریخ 15 اسفند ماه به مقصد کاتماندو ارسال گردید. مجموع بارهای ارسالی حدود 880 کیلوگرم بود.

با پایان یافتن مراحل اداری، به دلیل فرارسیدن نوروز، دریافت ارز با مشکل مواجه شد، به همین دلیل در تاریخ 4 فروردین، 15 عضو تیم، تهران را به مقصد کاتماندو ترک نمودند و تنها سرپرست تیم آقای آقاجانی در تهران ماند تا پس از پایان تعطیلات با حل مشکلات ارزی به بچه ها ملحق شود. سفر ما از طریق خطوط هوایی «گلف ایر» صورت گرفت و پس از توقفی کوتاه در بحرین و تعویض هواپیما، ساعت 4 بعد از ظهر به وقت نپال وارد فرودگاه دومستیک شهر





## ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

کاتماندو شدید. طبق معمول، به هنگام دریافت ویزا، با کمی مشکل مواجه شدیم و همین امر باعث شد قدری معطل شویم.

قیمت ویزای نپال برای هر روز، یک دلار می باشد و حداقل مدت دریافت ویزا 15 روز است. پس از دریافت بارها، بیرون از سالن فرودگاه مورد استقبال نماینده های شرکت تامسرکو قرار گرفتیم. شرکت تامسرکو مسئولیت ارایه خدمات به تیم ایران را بر عهده خواهد داشت.

اولین چیزی که بیرون از فرودگاه توجه هر تازهواری را به خود جلب میکند انبوه فقرایی است که در محوطه پراکنده شده اند و همینطور بچه های کوچکی که با حمل چرخهای مسافران کسب درآمد می کنند. پس از ورود به شهر کاتماندو، که از لحاظ آلودگی هوا دست کمی از تهران ندارد، حرکت خودروها از سمت چپ، نخستین موردی بود که آقای افلاکی به بچه ها تذکر داد.

کشور نپال در میان کشورهای هند و چین (تبت) قرار دارد و با 140/797 کیلومتر دارای جمعیتی بالغ بر 25 میلیون نفر است. حکومت این کشور مشروطه سلطنتی است و دارای قوه مجریه، دولت و مجلس قانونگذاری است. از سال 1990 پس از درگیریهای مردمی، پادشاه که تا آن هنگام قدرت مطلق بود عملاً حکومت اجرایی را به دولت و مجلس واگذار نمود. مردم نپال از نژاد زرد و تیره های نپالی، هندی و تبتی بوده و 90% آنها پیروان دین هندو و سایرین بودایی هستند. تعداد کمی مسلمان هم در این کشور زندگی میکنند. زبان رسمی مردم نپالی است. پایتخت

این کشور کاتماندو است و شهر پخارا به عنوان پایتخت زمستانی آن شناخته میشود. به دلیل اعمال سلیقه هندیها و چینیهها، طی سالهای اخیر کاتماندو دائماً در معرض تظاهرات طرفداران این کشورها بوده است. با وجود آنکه کاتماندو شهری بسیار پرجمعیت، آلوده و کثیف است، وجود معابد و آثار باستانی، آن را به یکی از پرجاذبه ترین شهرهای توریستی جهان تبدیل کرده است.

هتل محل اقامت تیم ایران هتل رویال سینگی می باشد، که تقریباً در مرکز شهر واقع شده است، در نخستین روزهای اقامت ما در شهر، همانگونه که پیشبینی میشد، بچه ها با دیدن فروشگاههای متعدد لوازم کوهنوردی به وجد آمدند. آقای افلاکی و زارعی نیز ضمن خرید لوازم و کسری مواد غذایی تیم، به همراه نماینده شرکت تامسرکو به خارج نمودن بارها از گمرک اقدام کردند.



هتل رویال سینگی

در دومین روز حضور در شهر، همه بچه ها برای سامان دادن به وضع بارها به شرکت تامسرکو رفتند و در آنجا ضمن آشنایی با چگونگی اداره شرکت، با شرپاهای تیم نیز آشنا شدند.

«سَنَم دندو» به عنوان سردار تیم انتخاب شد. وی در سال 98 نیز تیم ایران را در اورست همراهی نموده بود. سَنَم با 39 سال سن، متأهل و دارای دو فرزند است. وی اهل دهکده کوهستانی «کونگ جون» در نزدیکی «نامچه بازار» می باشد. او پنج بار موفق به فتح قلّه اورست شده است.

فدراسیون کوهنوردی و صعودهای ورزشی جمهوری اسلامی ایران  
I.R.Iran Mountaineering & Sport Climbing Federation



«لاکپا شرپا» اهل منطقه ماکالو بارون شرپای 38 ساله تیم، دارای دو فرزند پسر است. وی سابقه دو تلاش بر روی ماکالو را دارد البته تاکنون موفق به فتح قله نشده است.







### ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

«لاکپا نورو» شریپای قد کوتاه و توانمند دیگری است با 36 سال سن، اهل منطقه «سولوخومبو»، وی متأهل و دارای دو فرزند است.



«آنگ شرینگ» 45 ساله و از اقوام سَنَم می باشد. وی مجرد و ساکن کونگ جون است.



آشپز تیم ما نیز «چاندرا» می باشد. وی در اورست و چوآیو نیز تیم ایران را همراهی کرده بود و به دلیل آشنایی با تغذیه ایرانیها برای این صعود انتخاب شده است.



سه کمک آشپز نیز او را در این سفر همراهی می کنند.

امروز شریپاهای سال قبل تیم ایران در چوآیو و شیشاپانگما را ملاقات کردیم. «ترکی»، «پوربا» و «آونگ چو» سه شریپایی هستند که امسال نیز به همراه تیمهایی از اسپانیا و انگلیس به چوآیو و شیشاپانگما خواهند رفت. امروز دکتر مساعدیان به توزین بچه ها اقدام کرد تا پس از اتمام برنامه، تفاوت وزنی آنها را ثبت کند. با مرتب کردن بارها، تدارکات غذایی شرکت و تجهیزات مورد نیاز نیز بستهبندی گردید. به علت هزینه بالای حمل بار توسط باربرها قرار است بارهای ما با یک بالگرد به مقصد کمپ اصلی ماکالو حمل گردد.

برای حفظ آمادگی، بچه ها هر روز صبح در محوطه حیاط هتل ورزش میکنند که این امر بسیار مورد توجه مهمانان خارجی هتل قرار گرفته است. در یکی از روزها نیز به منطقه کوهستانی ناگارکوت در

I.R.Iran Mountaineering & Sport Climbing Federation

نزدیکی شهر رفته و به راهپیمایی پرداختیم. تپه های ناگارکوت دارای دهکدههای بسیار زیبایی کوهستانی است و پوشش گیاهی آن، عمدتاً درختان سوزنی میباشد.

وجود معابد زیبا در شهر کاتماندو باعث حضور انبوهی از جهانگردان خارجی شده است. معبد میمونها از آن دسته معابدی است که بسیار مورد توجه قرار می گیرد. این معبد بر روی تپه های مرتفع بنا گردیده و در چهار طرف آن پلههایی طولانی قرار دارد که، بازدیدکنندهها را به بالای معبد و محل تربیت راهبان بودایی و برج معبد میرساند، در کنار برج نیز تعداد زیادی میمون زندگی میکنند که جلوه خاصی به معبد دادهاند. بر روی برج معبد دو چشم بودا نقاشی شده است، پیروان بودا معتقدند چشمان بودا همواره نظارهگر اعمال انسانها است. اگر کار نیکی صورت گیرد چشمها به انسان میخندند و اگر کار بدی انجام شود چشمها خشم بودا را نشان میدهند.

## ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381



کاتماندو

معبد «پاسوپاتی» و شهر قدیم کاتماندو نیز از دیگر نقاط دیدنی است که در این چند روز از آنها بازدید کردیم. سرانجام روز 10 فروردین پس از جمعآوری وسایل با حضور در فرودگاه دومستیک شهر کاتماندو از طریق خطوط هوایی یتیاير که متعلق به رئیس شرکت «تامسرکو» است شهر را به مقصد دهکده کوهستانی توملینگتار ترک کردیم. با این توضیح که بارها یک روز زودتر با ماشین به داران بازار حمل گردیده بود تا از آنجا به وسیله باربرها به توملینگتار حمل شود. البته اینها فقط، بار همراه تیم میباشد و بار اصلی، توسط یک بالگرد به کمپ اصلی منتقل خواهد شد. مقدار بار اصلی حدود 2 تن بود. سَنَم دندو بهعنوان سردار شریاها و راهنمای تیم، ما را همراهی میکند. آنگ شرینگ با یک بالگرد به کمپ اصلی خواهد آمد و لاکپانورو و لاکپاشریا نیز همراه بارها و آشپزخانه میباشند.

برای کسر هزینه، آشپزخانه به شکل صحرایی همراه تیم میباشد و آشپز تیم غذا را در طول راه درست میکند.

## فصل دوم

## به سوی هیلاری کمپ

هوایمای دو موتور «یتی» گنجایش 22 نفر مسافر را دارد که شامل خلبان، کمک خلبان، یک مهماندار و 19 مسافر است. نکته جالب در همان ابتدای سفر بستن درب هوایمای با یک طنابچه بود که کلی باعث تعجب، خنده و سپس نگرانیمان شد. با شروع پرواز خلبان به چرت زدن پرداخت و هدایت آنرا به کمک خلبان سپرد. تماشای مناظر اطراف به ویژه کوههای سر به فلک کشیده، لرزشهای پیدرپی هوایمای را از یادمان برد. مشاهده خطالرأس زیبای لانگ تانگ و تماشای قلل پوشیده از برف، پرواز 45 دقیقهای تا توملینگتار را با شکوهتر کرده بود. در نهایت با عبور از روی تپه‌های سرسبز و دهکده‌های زیبا، با بیدار شدن خلبان و کشیدن دستگیره فرود بهطور ترسناکی، پرواز خاتمه یافت. فرودگاه خاکی توملینگتار به سختی پذیرای چرخهای هوایمای بود. و هنگام فرود عرق سردی بر پیشانیها نشست! پس از ثبت اسامی و شماره پاسپورتها در دفترچه راهنمای افسر بداخلاق پاسگاه به طرف مهمانخانه محل اقامت حرکت کردیم. لازم به ذکر است هوایمایی که ما را به توملینگتار آورد یک هفته بعد و پس از انتقال تیم ایتالیائیها که آقای آقاجانی هم با آنها بود، هنگام برخاستن از فرودگاه توملینگتار سقوط کرد و با برخورد به ساختمان پاسگاه خسارت زیادی وارد آورد.

I.R.Iran Mountaineering &amp; Sport Climbing Federation



سقوط هوایمای در توملینگتار

دهکده کوچک و زیبای توملینگتار با 457 متر ارتفاع از سطح دریا در میان دو رودخانه بارون و آرون قرار دارد که هر دو از دامنه ماکالو سرچشمه میگیرند بهطور تقریبی حدود 50 خانواده در دهکده بهصورت پراکنده زندگی میکنند. هر ساله نزدیک به 400 جهانگرد به توملینگتار میآیند و از آنجا به سوی کمپ اصلی ماکالو، گردنه شریانی و یا به سمت دهکده «لوکلا» میروند. در سردر مهمانخانه محقر ماکالو تابلوی بزرگی نصب شده که روی آن نام هتل ماکالو نوشته شده است و در کنار آن هتل کانچن چونگا با نمایی همچون مهمانخانه ما قرار دارد. مسافرخانه دو طبقه، چوبی و بسیار نمناک است، در طبقه پائین غذاخوری، انبار و آشپزخانه و در طبقه دوم

## ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

اطاقهای خواب قرار دارد. توملینگتار تنها دارای یک خیابان یا بهتر بگویم مسیر راهپیمایی است و بیشتر منازل در دو طرف آن قرار گرفته‌اند. در جلوی هر منزل تعداد زیادی حیوان از قبیل مرغ، خروس، بز، گاو، خوک و سگ به چشم می‌خورد. مزارع اطراف نیز عموماً زیر کشت سیب زمینی است. باربرها دائم در تردد هستند. ابتدا قرار بود توقف ما در دهکده تنها دو روز به طول انجامد ولی به دلیل نرسیدن بارها و شرپاها توقف ما طولانیتر شد. پس از ورزش صبحگاهی و خوردن صبحانه بیشتر بچه‌ها برای گردش به اطراف دهکده رفتند. گروهی نیز به خواندن و نوشتن گزارش مشغول شدند. در این بین نجاریان و اوراز دایماً با سرکشی به اطراف، به فیلمبرداری از مناظر می‌پردازند. از نکات جالب دهکده علاقه زیاد جوانها به بازی والیبال است که بسیار هم خوب بازی میکنند.



گردش در توملینگتار

بعد از ظهر دومین روز در توملینگتار برای گردش به ساحل رودخانه آرون رفتیم. رودی خروشان که عرض آن به بیش از 100 متر میرسد و حتی در سالهای خشکسالی نیز پرآب است. عبور به آن سوی رودخانه از روی پلی معلق، مستحکم و طویل صورت گرفت. چند کلبه زیبای چوبی در آن سوی پل و چشمه آبی در کنار ساحل رودخانه قرار دارد. بعد از ظهر سومین روز را هم برای راهپیمایی به طرف دهکده خانباری رفتیم که حدود 2 ساعت به طول انجامید و پس از کمی استراحت در خانباری در حالیکه بادی شدید همراه با بارش باران آغاز شد به توملینگتار بازگشتیم. با رسیدن بارهایمان، آشپزخانه نیز بر پا شد و چاندرا آشپز همیشه خندان تیم، شروع به تهیه غذاهای بدون ادویه نمود تا از خوردن غذاهای تند مهمانخانه چی راحت شویم. شرپاها

نیز به برپا کردن چادرها اقدام نمودند، بهدلیل گرانی اطاقهای مهمانخانه به کمپ نقل مکان کردیم تا اولین شب زندگی جدید را تجربه کنیم.

امروز همچنن یک گروه نیوزیلندی وارد توملینگتار شد. این تیم بهصورت تجاری و متشکل از 15 کوهنورد است، که در میان آنها یک ژاپنی و چند انگلیسی و استرالیایی به چشم میخورند و سایرین نیوزیلندی هستند. سرپرست آنها فردی است بنام «گای کاتر».

در مجموع امسال 9 تیم اجازه صعود به ماکالو را دریافت کردهاند که به جز ایران، اتریش (دو تیم)، کره، اسپانیا، ایتالیا، نیوزیلند و شیلی که همگی از مسیر شمال غربی تلاش میکنند و یک تیم پنج نفره آمریکایی که اجازه صعود از گرده جنوبی را کسب کرده است.



در مسیر کمپ اصلی

فدراسیون کوهنوردی و صعودهای ورزشی جمهوری اسلامی ایران

دوشنبه / 13 فروردین / 80

طبق معمول روز خود را با ورزش آغاز میکنیم. در نخستین روز، حرکت به طرف کمپ اصلی را آغاز نمودیم. مسیر ما به طرف شمال و به مقصد دهکده مانیانجان است. حدود 40 باربر و سایل ما را که شامل کیسه بارهای شخصی و لوازم آشپزخانه است، حمل میکنند. هر کیسه بار حدود 25 تا 30 کیلو وزن دارد. برخی از باربرها برای کسب درآمد بیشتر دو کیسه بار بر پشت دارند. بارهای سنگین بهوسیله تسمه‌های به پیشانی آنها متصل است، باربرهای زن اگر چه کمتر از مردها بار میبرند اما باز هم بارشان سنگین است. برخی از باربرها با پای برهنه حرکت میکنند دستمزد هر باربر حدود 200 روپیه برای هر بار میباشد (هر روپیه برابر 10 تومان است).

## ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381



باربرها در مسیر کمپ اصلی

هوا امروز آفتابی و گرم است. در دوردستها کوههای سر به فلک کشیده جلوه خاصی به مسیر داده‌اند، پس از حدود سه ساعت به دهکده زیبای خانباری وارد شدیم. ارتفاع دهکده 1040 متر است. کمک آشپزها زودتر از سایرین رسیده و شروع به تهیه غذا میکنند. به مرور باربرها نیز میرسند اما آنها پس از توقف کوتاهی، راه خود را به طرف مانیبانجان ادامه میدهند. خانباری دهکده‌های است بسیار تمیز و زیبا در کنار رودخانه سیسوا. دکل مخابرات، تیرهای برق، کنتورهای آب و سنگفرش خیابانها، اینجا را از حالت یک دهکده کوچک خارج ساخته است. در گوشه‌های پزشکان آمریکایی مشغول مداوای بیماران هستند. پس از نهار با ترک خانباری همچنان مسیر را به سمت شمال ادامه دادیم. در طول مسیر جهانگردان زیادی را مشاهده نمیکنیم. راه ما از میان جنگل با کلبه‌های چوبی زیبا و درختان سر به فلک کشیده که عمدتاً سوزنی هستند میگذرد و به مانی بانجان ختم میشود. ارتفاع مانیبانجان 1080 متر از سطح دریا است. وسایل خود را به زمین فوتبال دهکده که در کنار درهای عمیق قرار دارد منتقل نمودیم. در این فکر بودم که اگر به هنگام بازی فوتبال، توپ به پائین دره بیفتد چه کسی آنرا می‌آورد. پیش از رسیدن باربرها به شستشو پرداختیم. عدهای هم به بازی با بچه‌های دهکده مشغول شدند، توپ بازی از تعداد زیادی کش، که به دور یک مرکز پیچیده شده، تشکیل یافته بود. تعدادی از بچه‌ها که برای خرید به دهکده رفته بودند با خوشه بزرگی از موز بازگشتند. اینجا هر موز 1 روپیه قیمت دارد.



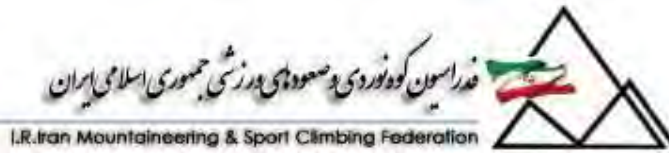
از نکات جالب روزهای اخیر، اصرار دکتر مساعديان برای شستشو و استحمام است که هر کس رعایت کند دکتر به او نمره مثبت میدهد. بچه های جدیدتر بیشتر این مسأله را رعایت میکنند و قدیمیترها به خصوص آقا جلال همیشه از دکتر فراری هستند.

سه شنبه / 14 فروردین / 80

دیشب به خاطر سر و صدای مرغهای سخنگو نتوانستیم راحت بخوابیم. از همه جالبتر اوراز و پوریا بودند که ساعت دو نیمه شب با صدای مرغها برخاستند، با این تصور که سرپرست روز دستور برپا داده. (در اینجا لازم است اشاره کنم برای هماهنگی بیشتر بچه ها و پی بردن به وظایفشان هر روز دو نفر به عنوان سرپرست و کمک انتخاب میشوند تا وظایف هدایت تیم و ارتباط با باربرها و شریاها را بر عهده بگیرند.)

صبح زود دکتر، طبق معمول هر روز، نبض و فشارخون بچه ها را کنترل کرد. مسیر امروز ما به سمت خطالرأس کوهی مرتفع میباشد و عمده راه از میان جنگلی انبوه میگذرد. بچه های کوچک، در حالیکه همانند باربرها کیف مدرسه خود را با پیشانی حمل میکنند در حال رفتن به مدرسه هستند. عبور از کنار کارخانه کاغذسازی در «پانگوما» که جنگلهای زیبا را هدف قرار داده و گذر از کنار درختهای انبوه «بامبو» و صخرههای مرتفع و همینطور کشاورزانی که با گاوآهن زمینهای بسیار محقر خود را شخم میزنند مسیر را برای جهانگردان بسیار زیبا کرده است. برای نهار در محلی به نام «ورتی باش» توقف کردیم. نجاریان ضمن به تصویر کشیدن روند حرکتی تیم، برای آشنایی بیشتر با منطقه بسیار تلاش میکند، او و امیر اکبری کمک فیلمبردار، سحرخیزترین و فعالترین اعضای تیم هستند که همواره به همه نقاط سرکشی میکنند. با رسیدن به هر نقطه و توقف تیم، دفترهای گزارشنویسی و نقشهها از کوله پشتی بچه ها خارج میشود. دکتر مساعديان نیز همچنان در حال رسیدگی به وضعیت جسمانی باربرها است. در «ورتیباش» به کودکی برخوردیم که به علت وجود زخمی کهنه در پایش دچار عفونت شدید شده بود که دکتر مساعديان و دکتر جوادی به مداوای او پرداختند. این کار بسیار مورد توجه باربرها و مردم محلی قرار گرفت. پس از استراحت دوباره به طرف شمال به راه افتادیم. با سوختن درختان در بعضی نقاط از مسیر زیبایی جنگلی تنها چهره زشتی بر جای مانده است. ظاهراً در اینجا رسم است جنگل را به عمد میسوزانند تا پس از مدتی آنرا تبدیل به مزرعه کنند. متأسفانه مراقبت از جنگلها در نپال بسیار ضعیف است گر چه تا حدودی میتوان به مردم اینجا حق داد زیرا چوب، تنها منبع سوخت آنها است و درآمدشان از راه بریدن و فروش چوب بهدست میآید. در بالای جنگل به تعدادی از افراد محلی برخورد کردیم که مشغول کشیدن لوله آب در میان راه بودند. بعد از ظهر به چیچيلا با ارتفاع 1920 متر رسیدیم. هوا ابری و خنک است. در خطالرأس تابلوی بزرگی نصب شده که روی آن نمایی از کوههای اطراف به تصویر کشیده شده است و نام هر





## ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

کوه در زیر آن نوشته شده تا جهانگردان بتوانند رفیعترین قله دنیا را از کیلومترها دورتر مشاهده کنند. البته بهخاطر غبارآلود بودن هوا نتوانستیم آنها را به خوبی ببینیم. محل کمپ ما در کنار شیر آبی است که ظاهراً یگانه منبع آب چپچلا است. بچه ها از ترس دکتر به سرعت مشغول استحمام میشوند. غافل از اینکه بهخاطر سرد بودن آب و احتمال سرماخوردگی دکتر دستور داد کسی استحمام نکند. نفرات نیوزیلند نیز کمپ خود را در کنار ما برپا نمودند. آنها بر خلاف تیم ما بسیار پراکنده و نامرتب خود را به کمپ رسانند.

چهارشنبه/ 15 فروردین / 80

چپچلا را به قصد دهکده نووم با ارتفاع 1500 متری ترک کردیم. نم مختصر باران شب گذشته، غبار هوا را به کناری زده تا بتوانیم در برابر اورست و ماکالو حقارت خویش و عظمت خداوند را احساس کنیم. مسیر ما در طول خطالرأسی سرسبز میباشد. کلبههای چوبی در دو طرف راه قرار گرفته. عدهای کشاورز در محلی پائین دره مشغول کشت هستند و گروهی به بریدن چوب، برخی نیز به تعمیر خانها سرگرم هستند. نهار را در کنار چشمهای کوچک و در دل جنگل خوردیم و سپس حرکت دوباره خود را در یک سرایشی تند و در پشت کاروان باربرها پی گرفتیم. نزدیک دهکده برای استراحت، در کنار یک زمین والیبال توقف کردیم. عدهای از بچه ها به همراه افراد محلی مشغول بازی شدند. متأسفانه دکتر جوادی هنگام بازی والیبال دچار پیچ خوردگی شدید از ناحیه مچ پا شد، وی مجبور شد ادامه راه را بسیار آهسته و لنگ لنگان طی کند. هنگام غروب به ده نووم رسیدیم و مورد لطف و توجه بچه های مدرسه دهکده قرار گرفتیم. به سرعت چادرها نصب شد. محل کمپ ما در کنار مدرسه دهکده قرار دارد که بهصورت سه شیفته اداره میشود. معلّم مدرسه با عصبانیت بچه ها را دور کرد. کودکانی خندان با سرهای تراشیده و بینی آویزان و روپوشهای ارغوانی رنگ و البته با کراواتی کوچک و خندهدار، که به هر گوشه کمپ سرک میکشند.

دکتر جوادی بسیار آرام به همراه دو نفر از بچه ها به ده آمد. سپس به اتفاق دکتر مساعیدیان به مداوای پای آسیب دیده خود پرداخت.



مهد کودک در دهکده نوم

### پنجشنبه / 16 فروردین / 80

امروز مصادف با عاشورای حسینی است. به همین خاطر، امروز تیم در دهکده نوم توقف نمود. بیشتر باربرها به خاطر یک روز استراحت با حقوق خوشحال هستند، دکتر جوادی راضی است زیرا او به استراحت بسیاری نیاز دارد. امروز یک تیم اتریشی نیز وارد نوم شد تعداد نفرات این تیم 15 نفر است. یک زن و شوهر همراه این تیم هستند که سال قبل در شیشاپانگما با تیم ایران آشنا شده بودند. آنها به جز شیشاپانگما به چوآیو نیز صعود کرده‌اند. دکتر آنها «کارل» نام دارد. وی به عیادت دکتر جوادی آمد ضمن آنکه گچهایی آماده را برای پانسمن آورده بود ولی خوشبختانه به آنها نیاز نشد. همچنین امروز آقای افلاکی پس از اصرار معلم مدرسه، مجبور به پرداخت 500 روپیه به مدرسه دهکده شد. البته این چندمین کمک وی طی روزهای اخیر میباشد. نهار ظهر عاشورا مرغ است که توسط سَنَم خریداری شده و دکتر مساعیدیان در میان حیرت باربرها و شرپاها آنها را سر برید. نیالیاها، برای کشتن حیوان یا آنرا خفه میکنند یا بازدن کارد به پهلو و گردنشان، آنها را میکشند و دیدن سر بریدن حیوان برایشان تعجبآور بود. قرار است امروز آقای آقاجانی که تازه به کاتماندو آمده به همراه تیم ایتالیا به توملینگتار بیاید و سفر خود را به مقصد کمپ اصلی آغاز نماید. تعدادی خارجی که از کمپ اصلی ماکالو باز میگردند خبر میدهند که تیمهای کره، شیلی و اسپانیا در کمپ اصلی حضور دارند. این تیمها حدود 20 روز زودتر از ما به منطقه آمده اند.





## ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

در مسیر کمپ اصلی

سُنم تعداد تیمها را به فال نیک گرفته و میگوید بدین شکل ما میتوانیم کمپ 4 را نیز برپا نمائیم. زیرا معمولاً تیمها با سه کمپ به قله ماکالو از مسیر شمال غربی حمله میکنند و در صورت زیاد بودن تیمها و پشتیبانی از یکدیگر میتوانند کمپ چهارم را برای سهولت صعود برپا کنند.

جمعه 17/ فروردین / 80

مقصد امروز ما دهکده شیتوا با ارتفاع 1510 متری میباشد. پس از جمعآوری کمپ، مسیر را به طرف شمالشرقی تغییر دادیم. درهای عمیق در بین راه قرار دارد. حدود 700 متر ارتفاع کم خواهیم کرد و از آن سوی دره به همین میزان باید ارتفاع بگیریم. به جز دکتر جوادی سایر بچه ها سرحال و خوب هستند. دکتر جوادی هم با کمک دو عصایی که دایی جلال برایش درست کرده آرام به دنبال تیم میآید. عصای دکتر خیلی مورد توجه اهالی ده و اعضای تیم اتریش قرار گرفته است. قطر چوبهای عصا به قدری ضخیم است که میترسند پای دکتر خوب شود ولی زیر بغلهایش آسیب ببیند. هر چه به طرف رودخانه ارتفاع کم میکنیم جنگل بکرتر و زیباتر بهنظر میرسد. میمونها و پرندگان از شاخه‌های به شاخه دیگر میپرند و منظره بسیار زیبایی را به وجود آوردهاند. با رسیدن به رودخانه خروشان آرون از روی پلی فلزی که طول آن حدود 70 متر است عبور میکنیم. ارتفاع محل حدود 750 متر از سطح دریا میباشد. هوای طرف دیگر رودخانه بسیار دم کرده و گرم است. به تقاضای آقای افلاکی برای مصون ماندن از نیش پشه همه از لباسهای آستین بلند استفاده میکنند.

دهکده شیتوا مبدأ پارک ملی ماکالو بارون میباشد. نگهبان پارک همه را به داخل هدایت میکند. حدود 2 سال است که به همت انجمن طرفداران محیط زیست آلمان به وضعیت پارک ملی ماکالو بارون سامان داده شده گرچه هنوز هم اهالی اقدام به سوزاندن و کندن درختان میکنند ولی به گفته شریاها از لحاظ حفظ جنگلهای دامنه ماکالو، قدمهای مثبت و مهمی برداشته شده است. برای ورود به پارک ملی، هر خارجی موظف به پرداخت 1000 روپیه و هر نیپالی باید 10 روپیه بپردازد. پس از ثبت نام افراد و شماره گذرنامه‌هایشان (که البته بیشتر بچه ها شماره گذرنامه خود را حفظ نبودند. بنابراین شماره تلفن خانه خود را نوشتند) به محل کمپ در بالای دهکده نقل مکان کردیم. از این به بعد به جز در دو گردنه بین راه، ارتفاع زیادی کم نخواهیم کرد. طولانی

بودن مسیر کمپ اصلی گر چه هزینه‌های تیمهای اعزامی به ماکالو را بالا میبرد ولی از لحاظ آمادگی بدنی و همهوایی شرایط را بسیار مناسب میکند. از نکات جالبی که این روزها در طول مسیر بسیار مورد توجه بچه ها قرار گرفته، ناماسته گفتنهای دکتر «مساعدیان» به باربرها و اهالی روستاها است که معنای سلام میدهد. بچه ها اسم او را «دکتر ناماسته» گذاشته‌اند.

شنبه / 18 فروردین / 80

در حالیکه امروز در ایران با پایان یافتن تعطیلات نوروز، اولین روز کاری آغاز میشود ما پنجمین روز راهپیمایی خود را به مقصد دهکده کوهستانی تاشیگان با ارتفاع 2060 متری آغاز میکنیم. باربرها برای آنکه بتوانند سریعتر به مقصد برسند صبحها خیلی زود برمیخیزند و در کنار چادرها منتظر بیدار شدن ما میشوند. بچه ها هم که دلشان نمیآید آنها معطل شوند پیش از برپای سرپرست روز برخاسته، چادرها و کیسه بارشان را جمع میکنند و آماده حرکت میشوند. باربرها صبحانه خود را که شامل سیبزمینی آب پز و برنج است در بین راه میخورند. البته چاندرا آشپز تیم همیشه طوری غذا درست میکند که به آنها هم برسد. تاشیگان آخرین دهکده بین راه میباشد و پس از آن ارتفاع زیاد میشود تا به گردنه شپیتون برسیم.



با رسیدن به دهکده، بچه ها به سرعت شروع به استحمام کردند زیرا ممکن است تا کمپ اصلی از آب و حمام خبری نباشد. در کنار آبگیر، زالو فراوان یافت میشود و بچه های ما نیز از آنها بینصیب نمیمانند.

با گذشت روزها به مرور اثرات دوری از خانه، روی برخی از بچه ها نمایان میشود. گوشه گیری و تنهایی یکی از مسایل مهمی است که معمولاً روی افراد تأثیر منفی به جای میگذارد. در تیم ما هم چند نفر از بچه ها دچار چنین مشکلی شده‌اند. البته به توصیه سرپرست تیم، سایرین با این افراد بیشتر صحبت میکنند.

امروز غروب سَنَم با باربرها تسویه حساب کرد و بسیاری از آنها را که توان حرکت روی یخچال و مسیرهای ناهموار را ندارند بازگرداند. باربرهای باقیمانده نیز پول بیشتری طلب نمودند که سَنَم پس از کسب تکلیف از شرکت تامسرکو مجبور به پرداخت آن شد. امروز یک تیم

## ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

راهپیمایی انگلیسی که قصد رفتن به کمپ اصلی ماکالو را داشت بهدلیل سختی مسیر به تاشیگان بازگشت. برای جلوگیری از هر حادثه‌های سَنَم تصمیم دارد فردا دو شریا را زودتر به بالا بفرستد تا مسیر را برای باربرها آماده نمایند.

با تغییر آب و هوا کمکم ناخوشی به سراغ باربرها و کوهنوردان می‌آید که شایعترین آن گلودرد و سرماخوردگی می‌باشد و این مسأله دکتر مساعیدیان را کاملاً مشغول کرده است. در بین همه بیماران یک دختر باربر مشتری پروپا قرص دکتر است. وی بهدلیل زخم دماغش دائماً جلوی دکتر آفتابی میشود و دکتر هم از دست او فراری است.

یکشنبه / 19 فروردین / 80

به دلیل سختی مسیر، امروز تعداد باربرها از 33 نفر به 39 نفر افزایش یافته و دستمزدشان هم دو برابر شده یعنی 400 روپیه. البته این دستمزد تنها برای مسیرهای دشوار پرداخت میشود و در مسیرهای معمولی همچنان 200 روپیه خواهد بود. با افزایش تعداد باربرها وزن بارشان هم کمتر شده. آنها بهطور متوسط تا امروز حدود 30 کیلوگرم بار حمل میکردند.

امروز صبح بر خلاف روزهای قبل، کمی دیرتر حرکت نمودیم تا هوا گرمتر شده و شرایط حرکت برای کوهنوردان و باربرها فراهم شود. مقصد ما محلی است به نام کانگما در ارتفاع 3500 متری. پس از ساعتی راهپیمایی در مسیر جنگل به گردنهای زیبا میرسیم. سمت جنوبغرب گردنه بهدلیل تابش آفتاب، خشک و سمت شمالشرق آن پر از برف و سپیدپوش است.



در مسیر کمپ اصلی

هوا ابری است و کمی برف میبارد. درختان تا کمر در برف و درختچهها سر از برف بیرون آوردهاند. شیب مسیر به تدریج بیشتر میشود. تا امروز باربرهای زیادی را دیده بودیم که با پاهای برهنه روی سنگ و خاک راه میروند ولی هرگز تصور نمیکردیم کسی باشد که به این شکل، بر روی برف و یخ قدم بردارد. آنها که وضعیتشان بهتر است جورابی پشمی به پای دارند. برخی نیز با دمپایی حرکت میکنند. واقعاً وضعیتشان رقت انگیز است. دکتر اتریشها در محلی ایستاده که باربرشان در شیب تند برفی به پایین سقوط کرده وعدهای برای کمک به وی پایین رفتهاند. با رسیدن به کانگما محلی مناسب برای برپایی کمپ پیدا کردیم. راهپیمایی امروز حدود 7 ساعت طول کشید. هوا بسیار سرد است. بهدلیل بدی مسیر باربرها با تأخیر خود را به کمپ می رسانند، مردان و زنان باربر با پای برهنه بر روی یخ و برف راه میروند! و صحنه تأسف باری به وجود میآورد این در حالی است که پای ما در کفشهای کوهنوردی نیز کاملاً یخ کرده!



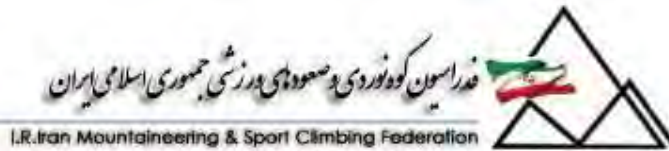
باربری با پای برهنه در مسیر کمپ اصلی

با رسیدن چادرها شروع به کندن جای آنها کردیم. باربرها نیز به بالای کوه و میان تخته سنگی بزرگ پناه گرفتند. چاندرا برایشان سوپ درست کرد. سوپ را به همراه کمی چای برایشان بردیم. بیشتر قصدمان فیلمبرداری و گرفتن عکس از آنهاست. جایشان واقعاً وحشتناک است. از خستگی به هم چسبیده و در حالیکه تنها سه یا چهار پتو دارند به خواب رفتهاند. به دلیل سختی مسیر فردا، سنم پیشنهاد میدهد که همه از کفشهای سنگین استفاده کنند.

دوشنبه / 20 فروردین / 80

صبح زود با صدای زنگوله بزی که شریاها خریدهاند از خواب برخاستیم. هدف ما محلی است در دل جنگل به نام مومبوک در ارتفاع 3400 متری که البته برای رسیدن به آن باید از دو گردنه شپیتون در ارتفاع 4075 متر و کیکا در ارتفاع 4127 متر عبور کنیم.





## ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

با جمع آوری کمپ، کفشهای راهپیمایی را به باربرها دادیم تا راحتتر صعود کنند. راه باریک و پیچ در پیچ است. صبر کردیم تا شریاها و باربرها بالا بروند. ابتدا به قلهای به ارتفاع 4000 متر رسیدیم و پس از کمی استراحت دوباره به پائین دره رفتیم. دو طرف مسیر بهوسیله کوههای مرتفع محاصره شده و ما از میان آنها عبور کردیم. مه همه جا را فراگرفته بود و تنها صدای زنگوله بز شریاها بود که سکوت دره را میشکست. باربرهای ضعیفتر چندین بار به زمین خورده و به سختی به دنبال کوهنوردان مسیر را طی میکردند. پس از چهار ساعت به گردنه شیپتون رسیدیم. این گردنه به افتخار اریک شیپتون نامگذاری شده، او تلاشهای زیادی را برای پیدا کردن راههای دستیابی به کمپ اصلی ماکالو انجام داده است. بر روی گردنه به فروشندگانی بر خوردیم که سبدهای از شکلات و بیسکوئیت را برای فروش به بالا آورده. برف شروع به باریدن کرد و ما به سرعت به پائین سرازیر شدیم. قبل از رسیدن به گردنه کیکا لحظاتی در کنار دریاچههای توقف کردیم که به مرور یخ زمستان از روی آن رخت برمیبندد. وجود دیوارهای عظیم در اطراف دریاچه و قللی مرتفع محل را بسیار زیبا کرده است. به گردنه کیکا رسیدیم در حالیکه وزش بادی سرد بر سرعت تیم افزود، ارتفاع کم کردیم و هر چه به طرف پائین میرفتیم برف و یخ جای خود را ابتدا به بوتهها و درختچه ها و سپس کاجهای مرتفع میداد. با عبور از کنار کلبههای روستایی که فاقد سکنه است به محلی به نام مومبوک در دل جنگل رسیدیم. محل کمپ درست در زیر تابلویی قرار دارد که روی آن حک شده «کمپ ممنوع No Camping»، ولی ظاهراً اینجا نیز مانند کشور ما تابلوها فقط برای زیبایی نصب میشوند. به سختی جای چند چادر را درست کردیم و پس از نصب آنها به استراحت پرداختیم. باران شروع به بارش کرده و باربرها در گوشههای زیر باران به خواندن آواز مشغول هستند. پس از خوردن شام به سرعت چادر آشپزخانه را ترک کردیم تا باربرها بتوانند در آن اقامت کنند. گرچه جا برای همه آنها نیست و عدهای به ناچار تا صبح در زیر باران در کنار هم به خواب رفتند. وضعیتشان چنان اسفبار است که از گرفتن فیلم هم شرمنده شدیم. و با ناراحتی به چادرهای خود بازگشتیم.

نیمه های شب است که صدای آواز و دعای باربرها همه را بیدار میکند و تا صبح با آنها هم آواز میشویم.



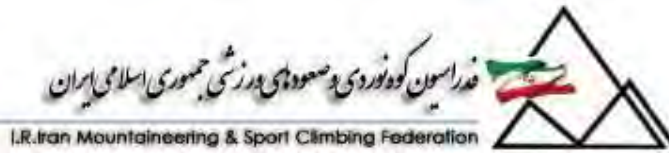
در مسیر کمپ اصلی

سه شنبه / 21 فروردین / 80

امروز ورزش صبحگاهی را در مهی رقیق و در حالیکه نفرات اتریشی نیز حرکات ما را تقلید میکردند انجام دادیم. پس از ترک محل کمپ، با کاستن ارتفاع به سمت رودخانه بارون آمدم. مسیر بسیار ناهموار بود و عبور از آن به دشواری صورت میگرفت. با رسیدن به رودخانه، جهت مسیرمان به سمت شمالغربی تغییر کرد. رودخانه بارون از دل یخچال بارون سرچشمه میگیرد. در دو سوی رودخانه دیوارهایی عظیم، از دل کوههای سر به فلک کشیده قد برافراشتهاند. بارش باران در فصول مختلف بهویژه فصل مونسن باعث جاری شدن سیل و شسته شدن حاشیه رودخانه گشته است. این مسأله باعث افتادن درختان عظیم حاشیه رود شده است. بعد از ظهر در حالیکه مهی غلیظ همه جا را پوشانده و رطوبت زیاد هوا باعث خیس شدن وسایل گردیده به گوسفندسرای یانگل در ارتفاع 3450 متری رسیدیم. اتریشیها در اینجا کمپ خود را دایر کرده اند.

از اینجا به بعد گوسفندسراهای زیادی به چشم میخورند که در فصول گرمتر سال محل چرای دامها خواهند بود. با کنار رفتن مه آبشارهای باریک و بلند از دل کوههای مرتفع خودنمایی میکنند. ارتفاع بعضی از آنها به بیش از 200 متر میرسد. به کوهی زیبا میرسیم که دامنه آن از دو طرف همچون شکمی برآمده است. نام این کوه آمادا پیشیما است. «آمادا» در زبان نیپالی به معنای مادر و «پیشیما» معنای زنی باردار را میدهد. محلیها شکل آنرا به زنی باردار تشبیه میکنند. باربرها میگویند بر اساس افسانههای قدیمی زنهایی که بچه‌دار نمیشدند به پای این کوه آمده و دعا میکردند. گوسفندسرای یانگل را ترک کرده و پس از حدود دو ساعت به جلگهای سرسبز و گوسفندسرایی به نام دادوسا با ارتفاع 3850 متری رسیدیم. کمپ ما در جنوبغربی کوه نیائو قرار دارد. قله این کوه 6000 متری همچون هرمی زیبا، پوشیده از برف است. نیائو کوه مقدس بوداییان میباشد.





## ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

به دلیل طولانی شدن مدت راهپیمایی تا کمپ اصلی توشه غذایی رو به اتمام است. به همین دلیل با وجود آن که قرار بود در گوسفندسرای یانگل توقف کرده و روز بعد به گوسفندسرای تاکمارو برویم. با راهپیمایی بیشتر یک روز از برنامه را کم کرده و به امید خدا فردا در کمپ اصلی خواهیم بود.

چهارشنبه 22 فروردین / 80

صبح خیلی زود با صدای دکتر مساعدیان که برای گرفتن نبض و فشارخون آمده، بیدار شدیم. هوا صاف است و ماه درست در کنار تاج قله نپائو قرار دارد. در هوایی بسیار سرد، وسایل را جمع کردیم. ورزش صبحگاهی دیگر واقعاً غیرقابل تحمل شده و دعا میکنیم با رسیدن به کمپ اصلی از این کار طاقتفرسا راحت شویم. به سمت دامنه یخچال بارون به راه میافتیم. با رسیدن به مرز 4000 متر کمکم درختان مرتفع جای خود را به بوتهها میدهند. تابش آفتاب، قندیلهای عظیم و آبشارهای یخی را فرو میریزد. هر چه ارتفاع میگیریم شکل کوهها تغییر میکند و این صحنه ها و نماهای جدید، رنگ و بوی تازهای به حرکتمان میدهد. آب زلال رودخانه نیز طراوتی وصف ناپذیر به محیط داده. پس از گذر از کنار یکی دو گوسفندسرا، و افزایش ارتفاع کمکم سبزی جای خود را به مورنها میدهد. مسیر به قدری زیباست که نمیدانیم کجا را تماشا کنیم، آبشارهای یخزده، دیوارهای عظیم، یخچالهای وهمانگیز و یا... باربرهای پرتوان و زحمتکش که با پای برهنه مسیر را طی میکنند. برای نهار در هوایی مه گرفته توقف کردیم. یکی از باربرها با نشان دادن تپهای عنوان کرد پشت آن «لاما کمپ» قرار دارد. برف شروع به باریدن کرد و ما مسیر خود را به طرف شمالشرقی تغییر دادیم. با افزایش ارتفاع و عبور از روی چند تپه به دشتی وسیع رسیدیم. از دور میتوان چندین چادر رنگی را در اطراف دشت مشاهده کرد. باربرهایی که زودتر رسیده اند پس از تخلیه بار و گرفتن پول خود به پائین باز میگردند. اندکی ارتفاع کم کرده و پس از عبور از روی پلی چوبی و پشت سر نهادن رودخانه بارون به تابلویی میرسیم که روی آن، این عبارت حک شده: «کمپ اصلی ماکالو».



هیلاری کمپ

اینجا همان «لاما B.C» یا «هیلاری B.C» در ارتفاع 4795 متری مییاشد. قبله عاشقان، ماکالو در زیر دیواره جنوبی میان مه غلیظی مخفی شده، تا در نگاه نخست وحشت دیدنش وجودمان را فرا نگیرد. پس از رسیدن به کمپ پرچم ایران را نصب کردیم و در کنار آن دست در دست هم سرود زیبای ای ایران را زمزمه کردیم. با آرزوی آنکه به یاری خداوند پس از صعود موفق، همه به سلامت در همین مکان با ماکالو وداع نمائیم.

شرپاها با کمک باربرها چادرهای بزرگی را برپا کرده‌اند. در پائین دشت نیز چادر تیم نیوزیلند نصب شده. تعدادی از آنها به کمپ پیشرفته رفته اند. عده ای هم در کمپ اصلی و در کنار بشکه هایشان که تازه توسط یک بالگرد به کمپ رسیده مانده‌اند. البته بارهای تیم ما هنوز نرسیده، سنم احتمال میدهد فردا صبح بارهایمان با یک بالگرد به کمپ اصلی برسد.

در شمال کمپ اصلی چادرهای زیادی برپا شده که متعلق به تیمی از آمریکا می باشد. آنها قصد صعود از مسیر گرده جنوبی را دارند. این مسیر در سال 1975 توسط یوگوسلاوا گشایش شده. البته یک سال قبل از آن «رینولد مسنر» کوهنورد ایتالیایی و اولین فاتح همه 8000 متریها بر روی آن تلاش کرده بود که بهدلیل شروع فصل مونسن و بادهای شدید، موفق به اتمام مسیر نمیشود. بر طبق برنامه، فردا در کمپ اصلی استراحت کرده و روز بعد برای هم هوایی به بالا میرویم. لازم به یادآوری است که بهدلیل فاصله زیاد کمپ اصلی با مسیر صعود، تیمها در نزدیک یال شمالغربی، کمپ پیشرفته ABC خود را دایر میکنند. ما نیز به همین شکل عمل خواهیم کرد.

سنم فردا اکثر باربرها را مرخص خواهد کرد و تنها دوازده نفر قویترها را نگه میدارد.



## ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

فصل سوّم

### کاروان آرزوها

با شنیدن صدای بالگرد هیجانزده از خواب برخاستیم. ساعت 6/30 بود. در حالی زیپ چادر را باز نمودیم که نمای دیواره جنوبی ماکالو حیرت‌زده مان کرد. خدایا اینهمه عظمت و زیبایی یکجا و در دل این کوه، واقعاً سحرانگیز است. بالگرد حدود 500 متر پائینتر از کمپ به زمین نشست به سرعت به طرف آن میدویم ولی گهگاهی به عقب برگشته و ماکالو را تماشا میکنیم، گویی هنوز آنرا باور نداریم. باد، برف سر یالهای کوه را به رقص در آورده. خلبان روس دستور تخلیه سریع بارها را میدهد. آنها برای آنکه به باد و هوای نامساعد برخورد نکنند صبح زود را برگزیده‌اند. تنها ظرف سی ثانیه همه بارهایمان تخلیه شد و بالگرد به سرعت از منطقه خارج شد. با آمدن بارها آنگ‌شرینگ شریای توانمند هم به کمپ اصلی آمد. وی بدون نیاز به هم‌هوایی از کاتماندو تا ارتفاع 4800 بالا آمده است.

به هر حال با رسیدن بارهایمان، همه شرایط برای ترک کمپ اصلی فراهم شده تنها میماند رسیدن آقای آقاجانی سرپرست تیم که به احتمال زیاد تا یکی دو روز آینده به ما ملحق خواهد شد.

جمعه / 24 فروردین / 80

امروز قرار است برای هم‌هوایی بهتر تا کمپ پیشرفته صعود کرده و به کمپ اصلی بازگردیم. «لاکپا» به‌عنوان راهنما ما را همراهی خواهد کرد. ما همه جا را فرا گرفته و کمک بارش برف هم آغاز میشود. در دو طرف مسیر، یخچالهایی عظیم به چشم می‌خورد. در زیر دیواره جنوبی دریاچه بارون قرار دارد. محلی زیبا برای بازدیدکنندگان از کمپ اصلی. هنوز بخشی از آن یخزده است. پس از ساعتی به مورنها میرسیم و راه خود را با کمک سنگ‌چینها که باربرها چیده‌اند پیدا میکنیم. مسیر حرکت تیم آمریکایی به طرف گرده جنوبی نیز به وسیله سنگچین بزرگی مشخص شده. برای رسیدن به ABC باید گرده غربی را کاملاً دور بزنیم. هوا به تدریج باز میشود. در پشت سر ما و در جنوب غربی قله بارونتسه با ارتفاع 7129 متری جلب توجه میکند. حدود ظهر به کمپ پیشرفته رسیدیم، محلی در ارتفاع 5220 متری که به کمپ انگلیسیها معروف است. البته

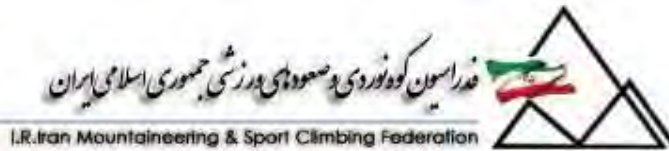
سایر تیمها تا 5500 متری بالا رفته‌اند. سنم این محل را مناسبتر از کمپ بالا میدانم و معتقد است اینجا از بادهای شدید در امان میباشد و دمای هوا گرمتر از کمپ بالا است. محل کمپ پیشرفته، درست در کاسهای زیر دیواره پر عظمت غربی میباشد. در سمت راست ما نیز گرده غربی قرار دارد. این گرده در سال 1971 توسط فرانسویها صعود شده است. به هر حال پس از دو ساعت استراحت در کمپ پیشرفته راهی پائین شدیم و باز بارش برف که تا نیمه شب ادامه داشت و باعث میشد تا گاهی با شنیدن غرش بهمن، از خواب برخیزیم و به روزهای سخت ماکالو فکر کنیم.

طبق برنامه، ابتدا قرار بود شنبه صبح به سمت ABC حرکت کرده و در آنجا مستقر شویم، ولی بهخاطر بارش سنگین برف و سختی حمل بار توسط باربرها به پیشنهاد سنم به استراحت پرداختیم. با روشن شدن هوا، مه نیز به کنار می‌رود و ماکالو با کلاهک قارچ مانند خود از ابرها بیرون می‌آید، ما نیز در زیر شعله‌های گرم آفتاب نظاره‌گر دیواره طلایی آن هستیم. پرچم ایران با وزش نسیمی ملایم به رقص درآمده و در آرزوی الطاف خداوند هستیم تا افتخاری دیگر برای وطن بیافرینیم.

هنگام ظهر، نفرات ایتالیایی به کمپ اصلی رسیدند. ابتدا «پائولو» و «رنزو» دو برادر که اهل منطقه «دولومیت» هستند وارد کمپ شدند. رنزو سرپرست تیم ایتالیایی است. او هیکل بسیار درشت و دستانی بزرگ دارد به طوری که هنگام دست دادن با ما همه به خنده افتادیم. در اینجا لازم است اشاره کنم ایتالیاییها نیز توسط شرکت تامسرکو هدایت میشوند و اجازه صعود آنها با تیم ایران بهصورت مشترک صادر شده است. البته هنگام صعود، دو تیم بهصورت مستقل عمل خواهند کرد و صدور اجازه صعود مشترک تنها برای کاستن هزینه‌های اداری شرکت تامسرکو میباشد. ایتالیاییها خبر رسیدن آقای آقاجانی سرپرست تیم را دادند. بچه‌ها نیز برای استقبال از ایشان کمپ را به سمت رودخانه بارون ترک نمودند. با رسیدن آقای آقاجانی دیگر تیم ما تکمیل شده بود و از این پس بچه‌ها جدیتر به فکر صعود خواهند بود.



هیلا ری کمپ



## ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

یکشنبه 26 فروردین 80/

با انتقال همه بارها به ABC، ما هم برای استقرار در کمپ پیشرفته، کمپ اصلی را ترک کردیم. امروز آقای آقاجانی هم برای هم هوایی بهتر تا ABC خواهد آمد. هوا آفتابی و گرم است. دقایقی در کنار دریاچه زیبای بارون توقف کردیم. ریزش سنگ به صورت متوالی از جبهه های مختلف ماکالو و سایر کوهها صورت میگیرد. مسیر مورنها بسیار پیچ در پیچ است. در نزدیکیهای کمپ، مسیر دو راه میشود، یک راه به سمت کمپ پیشرفته و یال شمالغربی ماکالو و راه دیگر به جنوبغربی منتهی میشود که پس از عبور از گردنه شریانی واقع در دامنه بارونتسه به طرف دهکده پریچه و سرانجام کمپ اصلی اورست خواهد رفت. عدهای از اعضای تیم اتریش راهی این مسیر شدهاند تا خود را به کمپ اصلی اورست و دهکده نامچه بازار برسانند. لازم به ذکر است کسانی که قصد عبور از این مسیر را دارند باید ضمن پرداخت حق ورود به پارک ملی ماکالو بارون مبلغی را هم برای ورود به پارک ملی «ساقاراماتا» بپردازند تا اجازه ورود به آنرا دریافت نمایند.

حدود ظهر است و هوا صاف و آفتابی میباشد. سرانجام پس از نزدیک سه هفته، کاروان آرزوهایمان به مبدأ صعود ماکالو پنجمین کوه مرتفع جهان رسید تا پس از خسته نباشید گفتن به یکدیگر، سرود ملی کشورمان را زمزمه کرده و مصمم تر به صعود بی اندیشیم. گرچه محل کمپ انگلیسیها بسیار ناهموار است و ساختن جای چادرها خیلی دشوار میباشد ولی با کمک همدیگر موفق به تهیه جا برای نه چادر شدیم چادر اوراز و پرچمی کمی دورتر از بقیه است، آنها در کنار چادرشان یک توالت و همینطور محلی برای گرفتن حمام آفتاب درست کردهاند. سختترین محل چادر هم متعلق به دایی جلال است که به همراه جلالی در ناهموارترین نقطه به ساختن جای چادر اقدام کردهاند. دایی جلال معتقد است ساختن جای چادر در محلهای آماده لطفی ندارد! شریاها نیز به کمک باربرها سه چادر بزرگ برای آشپزخانه، غذاخوری و انبار درست کردند.

امروز مطلع شدیم تیمهای کره، اسپانیا و شیلی کمپ 2 خودشان را هم برپا نمودهاند. راستش نمیدانیم چرا اینقدر عجله دارند. به پیشنهاد آقای آقاجانی فردا برای شروع همهوایی، نفرات به کمپ 1 خواهند رفت. به همین دلیل، شب کمی زودتر به چادرهایمان رفتیم تا بیشتر استراحت

کنیم. به جز دکتر جوادی که هنوز کمی از ناحیه پا ناراحتی دارد، امیر اکبری نیز دچار سرماخوردگی است که متأسفانه تا حد زیادی ضعیف شده است این دو، فردا استراحت خواهند کرد.







## ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

### فصل چهارم

#### عبور از مرز رؤیاها

دوشنبه 27 فروردین / 80

با صدای دکتر مساعدیان که برای گرفتن نبض و فشارخون آمده از خواب برخاستیم. به پیشنهاد دکتر، خادم هم بهخاطر بالا بودن فشارخونش به همراه دکتر جوادی و اکبری استراحت کرد. در نهایت دوازده نفر به همراه سنم و لاکپا به طرف کمپ 1 به راه افتادیم. هر چه به سمت شمال میرفتیم، نمای کوه تغییر میکرد، به «یخشار» شمالغربی رسیدیم، دیدن دیواره های جدید، برجهای یخی و غرش بهمنهای یخچال غربی که تقریباً بهصورت دائمی در آمده طولانی بودن مسیر را از یادمان برده است.

حدود 1/5 ساعت طول کشید تا به کمپ بالا در ارتفاع 5500 متری (کمپ پیشرفته سایر تیمها) رسیدیم. این مسأله برای بچه ها ناراحتکننده است، آنها معتقدند تیم ما هم باید در این محل مستقر شود. محل کمپ بالا در محیطی به مساحت حدود 200 متر میباشد و قسمت عمدهای از آن خالی است. سنم میگوید تیمهای دیگر این محل را رزرو کردهاند ولی ظاهراً جا برای تیمهای زیادی وجود دارد. بچه ها به آقای افلاکی اعتراض میکنند، او نیز بچه ها را به آرامش دعوت میکند. با عبور از کنار کمپ، وارد برجهای یخی شدیم. محلی با مجموعههای کامل از شیبهای یخی و کلاهکهای در اندازههای مختلف، که به قول یکی از بچه ها اگر در ایران بود یک ماکت آموزشی کامل به شمار میرفت. با رسیدن به ارتفاع 5700 متری به آنهایی که برای نخستین بار به ارتفاعی بالاتر از دماوند پا نهادهاند تبریک میگوئیم. بیشک این حد، آغاز ورود به مرز رؤیاهای آنها میباشد. مساعدیان، پرچمی، جلالی و حسین عظیمی نفراتی هستند که نخستین بار ارتفاع بالای 5700 را تجربه میکنند (البته دکتر جوادی و اکبری هم روزهای بعد از این مرز گذشتند). سنم بیچاره تعجب کرده و به شوخی میگوید تا قله راه زیادی مانده صبر کنید و آنجا به هم تبریک بگوئید. وقتی برایش توضیح دادیم او هم خوشحال شد. لازم به ذکر است او خودش در دهکده کون جونگ که بیش از 3500 متر ارتفاع دارد متولد شده و 22 سال است که پی در پی به همراه هیأتهای مختلف به قله هیمالیا میرود و از نوزده باری که به اورست رفته، پنج بار بر فراز بام



دنیا ایستاده. سُنَم معتقد است هیچگاه قصد صعود بدون اکسیژن به اورست را نداشته است وگرنه امروز جزء رکورد داران فتح بام جهان به حساب می‌آمد. او واقعاً مرد شریفی است.



شرپاها در حال آماده شدن برای صعود

در ارتفاع 5750 متری به یک رشته 15 متری طناب ثابت در کنار صخره‌های بزرگ و یک قطعه یخ مرتفع رسیدیم که با کمک آن، صخره را پشت سر نهادیم، کمک وارد محیطی جدید میشویم. در روبروی ما فلاتی برفی و طولانی قرار دارد که تا 6000 متر امتداد یافته. سُنَم قصد برپایی کمپ 1 ایران را در ارتفاع 5800 متری دارد یعنی در ابتدای فلات برفی، سایر تیمها کمپ 1 خود را در ارتفاع 6100 متری برپا نموده‌اند. طبق برنامه او، قرار است ما کمپ دوّم خود را در کنار سایر تیمها و در ارتفاع 6500 متری دایر کنیم که فاصله آن تا کمپ اوّل بسیار طولانی خواهد شد.

در حالی به استراحت پرداختیم که بارش برف آغاز شده. نفرات تیمهای کره، شیلی و اسپانیا در حال عبور از طول فلات برفی هستند. عدهای نیز در ارتفاع 5850 و در حاشیه یخچال به استراحت مشغولند. آن محل بعدها به‌عنوان انبار وسایل تیم در آمد و ما نام کمپ Deposite را بر آن نهادیم. در بازگشت به طرف کمپ پیشرفته سرپرست تیم اتریش را دیدیم که در پی دکتر مساعیدیان بود. وی عنوان کرد یکی از نفراتش که قصد عبور از گردنه شریانی را داشته دچار سکتة شده و به دلیل حضور دکتر تیمشان در کمپ اصلی نیاز میرمی به دارو دارند. دکتر نیز دستورات لازم را به وی داد. البته روز بعد بالگردی پس از سه بار تلاش برای فرود در دره منتهی به گردنه شریانی، توانست نفر اتریشی را که 61 سال سن داشت به کاتماندو انتقال دهد. پس از رسیدن به کمپ، آقای آقاجانی سرپرست تیم در جریان وضعیت مسیر کمپ 1 قرار گرفت. ایشان روز بعد به همراه دکتر جوادی و اکبری برای همهوایی و دیدن مسیر بالا رفتند. آنها تا ارتفاع 6000 متری یعنی تا انتهای فلات برفی صعود کرده و با شروع بارش برف به کمپ بازگشتند. تقریباً هر روز بعد ظهر بارش برف آغاز شده و تا نیمه‌های شب ادامه مییابد.



## ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

آقای آقاجانی نیز در بازگشت به کمپ، از فاصله زیاد کمپ ما با کمپ بالا گله مند بود ولی با توضیحات سَنَم متقاعد شد که کمپ پیشرفته تیم ما در همین مکان باقی بماند. ولی پس از جلسهای سَنَم را متقاعد نمودند که کمپ 1 را از 5800 متری به 6100 متری و به کنار کمپ 1 سایر تیمها انتقال دهد.

همچنین امروز بچه ها در کمپ، به برپایی چادر حمام و ساختن توالت و همینطور تعمیر موتور برق اقدام کردند. البته تعمیر موتور برق در این ارتفاع بهصورت کار روزانه حسین عظیمی در آمده و تقریباً هر روز میتوانیم او را با دست و صورت روغنی ببینیم. امروز بار کمپهای بالا نیز تفکیک شده و بهطور مجزا در گونیهایی مشخص قرار گرفت. این بارها قرار است طی دو سه روز آینده به کمپ Deposit انتقال یابد. برای انتقال بار تا 5800، سَنَم سه باربر را در کمپ نگه داشت تا حمل بار راحتتر و سریعتر انجام شود. باربرها 30 Kg، شریپاها 25 Kg و نفرات تیم Kg 10 بار عمومی را به بالا منتقل خواهند نمود.

چهارشنبه 29 فروردین 80/

طبق آداب و رسوم شریپاها، صعود در مناطق هیمالیا، زمانی شروع میشود که یک «لاما»ی بودایی به کمپ آمده و مراسم دعای مذهبی بودائیان را اجرا نماید، پس از آن تیمها میتوانند صعود خود را آغاز نمایند. پیش از آغاز این مراسم شریپاها شروع به ساختن یک سکوی بزرگ کرده و به نصب پرچمهایی از بودا، نیال و تیم صعودکننده (ایران) اقدام میکنند. تعدادی از تجهیزات و لوازم صعود نیز در کنار سکوی مراسم قرار میگیرد همینطور نمونههایی از مواد غذایی مصرفی در کمپها، تا «لامای» بودایی به آنها دعا بخواند. لاما نیز پس از خواندن دعا با پاشیدن آرد برنج به آسمان از خداوند طلب سلامتی و موفقیت برای کوهنوردان میکند. در نهایت مقداری آرد به هر یک از نفرات حاضر داده میشود تا در زمانی که دعای لاما تمام شد آنرا به هوا بریزند. نفرات قدیمتر در خلاف جهت باد ایستادند ولی جدیدترها که از همه جا بیخبر بودند پس از پاشیده شدن آرد به هوا کاملاً سپید شدند.



مراسم دعا، پیش از آغاز صعود

البته برای آنکه هیچکس بینصیب نماند جدیدترها هم با محاصره سایرین، آنها را آردی کردند. دایی جلال هم که به خیال خودش خیلی زرنگی کرده و چند صد متر دورتر ایستاده بود هنگام نهار توسط آقای افلاکی آردی شد. البته هیچکس روی پاشیدن آرد به سرپرست تیم را نداشت تا اینکه سنم خودش به این کار اقدام کرد. مراسم آردپاشی امروز دو مصدوم هم بر جای نهاد. جلالی و گرمیپور هنگام دنبال کردن زارعی و اوراز زمین خوردند که جلالی از ناحیه زانو دچار آسیب جزئی شد ولی متأسفانه گرمیپور بهدلیل زمین خوردن و برخورد پایش با سنگ دچار ضربدیدگی بدی شد که امیدواریم به خیر بگذرد و به زودی پایش خوب شود.

پس از پایان مراسم، شریاها و باربرها کمپ را به طرف بالا ترک نمودند. آقای آقاچانی نیز برای آنکه تیم با تجمع نفرات در کمپهای بالا روبرو نشود نفرات را به دو گروه تقسیم نمود.

تیم «الف» به سرپرستی آقای افلاکی، عبارت بود از آقایان خادم، چشمهقصابانی، نجاریان، مساعیدیان، جلالی و گرمیپور

تیم «ب» به سرپرستی آقای اوراز متشکل از آقایان زارعی، جوادی، جملران، پرچمی، عظیمی، مهدیزاده و اکبری

که البته امیر اکبری تا بهبودی کامل از صعود معاف خواهد بود.

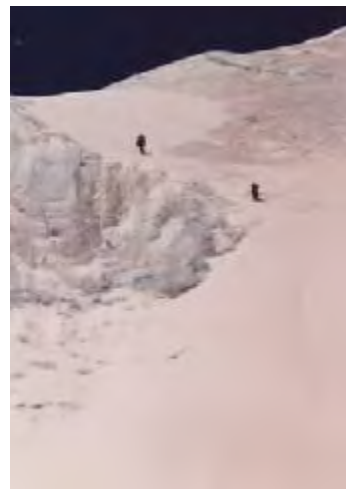
پنج شنبه / 30 فروردین / 80

امروز صبح پس از معاینه همه نفرات توسط دکتر و بعد از عبور از زیر کلام الله مجید هر دو گروه کمپ اصلی را به قصد کمپ 1 ترک نمودند. تیم «الف» قصد دارد شب را در کمپ 1 بماند و به همین خاطر بارهایشان بسیار سنگین است. تیم «ب» نیز پس از رسیدن به کمپ 1 به پائین باز خواهد گشت. برای جلوگیری از خطرات احتمالی در طول مسیر دو تیم جدا از هم به طرف بالا حرکت کردند. در بین افراد گرمیپور بهدلیل آسیب دیدگی روز قبل حال چندان خوبی ندارد، گرچه به

### ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

روی خودش نمیآورد. پس از حدود سه ساعت به کمپ میانی رسیدیم و کفشها را تعویض نمودیم. پس از کمی استراحت، تیم «ب» بهدلیل سبکتر بودن بارش سریعتر راهی بالا شد. مسیر پوشیده از برف است. شیب بسیار ملایم میباشد و خیلی آرام ارتفاع میگیریم. در 5950 متری کمکم به شکافهای یخی بر میخوریم که با حمایت، از روی آنها، یا از کنارشان عبور کردیم. خطرناکترین شکاف در 6000 متری و درست ابتدای شیب تند یخی و طناب ثابتها قرار دارد که بسیار عریض و عمیق میباشد. این محل، پایان فلات برفی است که حدود 3 کیلومتر طول آن بود. هنگام تابش آفتاب دمای هوا در فلات برفی به بیش از  $+35^{\circ}$  میرسد. اکثر کوهنوردان خارجی این مسیر را با اسکی طی میکنند. در روزهای برفی، برفکوبی مسیر بسیار طاقت فرسا است.



در مسیر کمپ 1

زاویه شیب تند یخی حدود  $75^{\circ}$  میباشد. برای جلوگیری از تجمع افراد روی طنابها سه مسیر مجزا ثابت گذاری شده. با اتمام ثابتها و رسیدن همه نفرات به بالا وارد فلات دیگری میشویم که در پای قله کانچونگ تسه یا ماکالو 2 با ارتفاع 7640 متر قرار دارد. روبروی ما دیواره غربی این کوه با بیش از 1000 متر ارتفاع قرار دارد. دور تا دور فلات را نیز قلی با ارتفاع بیش از 6000 متر احاطه کردهاند که جزئی از خطالرأس ماکالو تا لوتسه میباشد. هنوز نمیتوانیم لوتسه و اورست را ببینیم.

در محل کمپ 1 بیش از 20 چادر متعلق به تیمهای مختلف نصب شده. شریپاهای ما نیز بارهایشان را در انتهای محل کمپ و در زیرپوشش یکی از چادرها قرار داده‌اند و آنرا محکم مهار نموده‌اند. علیرغم بارش برف و وزش باد شدید، بچه‌های تیم «ب» اقدام به برپایی یک چادر کردند تا نفرات تیم «الف» راحتتر بتوانند در کمپ اسکان یابند. در بین بچه‌های تیم «الف»، نجاریان بسیار پرتلاش است و به ثبت لحظات صعود تیم با گرفتن فیلم و عکس اقدام میکنند. آنها پس از رسیدن به محل کمپ، به نصب دو چادر دیگر اقدام کردند تا شب سخت و سرد کمپ 1 را بهتر بگذرانند، ارتفاع محل کمپ 6100 متر میباشد. در بین بچه‌ها تنها هادی کمی ناخوش است. وی هنگام شب به شدت تب کرد و در حالیکه صبح روز بعد تیم برای برپایی کمپ 2 و همهوایی بهتر تا 6500 متر بالا رفت، هادی در کمپ 1 به استراحت پرداخت. مسیر کمپ 1 به 2 حدود 2/5 تا 3 ساعت طول میکشد. پس از بالا رفتن از یک شیب تند و گذر از کنار چند شکاف کم عرض به تنورهای عریض به شیب 75° رسیدیم. حدود 60 متر طناب استاتیک بر روی آن نصب شده و تنها راه صعود را ایجاد نموده است. پائین مسیر پوشیده از یخ بلور میباشد و پس از 20 متر صعود برف سفت حرکت را راحتتر میکند. با رسیدن به بالای تنوره، فرم مسیر تا اندازه‌های تغییر کرده یک پرتگاه مرتفع در سمت چپ و شکافی عمیق در سمت راست مسیر قرار دارد. پرچمهای راهنما یگانه راه عبور را مشخص میکنند. به مرور شیب ملایم میشود، برای دوری از شکافها آنها را کاملاً دور میزنیم. محل کمپ در زیر یک برج یخی تقریباً پایدار، قرار دارد. چادر تیمهای شیلی، اسپانیا، کره و اتریش در کمپ 2 نصب شده، شریپاهای نیوزیلند نیز در حال نصب چادرهای تیمشان میباشند. بچه‌ها به کمک شریپاها دو چادر برپا نمودند. در حقیقت چادر زدن در این ارتفاع بسیار دشوار است زیرا باید پس از پارو کردن برف محل آنرا کاملاً پاکوب کرده و پس از برپا کردن چادر آن را با میخ و نبشی و گاه با پیچ یخ مهار نمود. پس از نصب چادر بچه‌ها به کمپ 1 بازگشتند.



مسیر کمپ 1 به 2



## ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

شنبه / 1 اردیبهشت / 80

صبح زود بچه های تیم «الف» برای شبمانی راهی کمپ دوم شدند. آقای افلاکی بهدلیل بدی حال گرمپور وی را به همراه دکتر مساعدیان و علیرضا جلالی به کمپ اصلی فرستاد. بچه های تیم «ب» نیز برای گذراندن شب راهی کمپ 1 شدند. با رسیدن به کمپ Deposit امیر اکبری بهدلیل ناراحتی و گلو درد، به پائین بازگشت. بچه های هر دو تیم پس از رسیدن به کمپها به سفارش آقای آقاجانی به مرتب کردن وضعیت انبار غذاها پرداختند تا آنرا از دست کلاغها حفظ کنند.

یکشنبه / 2 اردیبهشت / 80

دیشب بارش سنگین برف و طوفان همه جا را فرا گرفته بود. در کمپ دوم هوا بسیار سرد بود و بچه ها شبی سخت را پشت سر نهادند. در کمپ 1 نیز باد شدید باعث پاره شدن یکی از چادرها و شکستن دیرکهای آن شد اما با طلوع خورشید از شدت باد نیز کاسته شد به درخواست اوراز سرپرست تیم، بچه ها به مرتب کردن کمپ و درست کردن چادر پاره مشغول شدند. گروهی نیز برف سنگین اطراف چادرها را با بیل به کنار ریختند. سپس تیم در هوای سرد منتظر دستور سرپرست، برای صعود شد. اوراز در گزارش خود مینویسد:

«به دلیل برف زیاد مسیر، صبر کردم تا سایر تیمها قبل از ما حرکت کنند تا فشار حاصل از برفکوبی سنگین روی نفرات ما وارد نشود ولی نفرات سایر تیمها به علت نامساعد بودن هوا در کمپ 1 ماندند و خودمان مجبور به باز کردن راه شدیم.»

در حالیکه هوا بسیار سرد بود و باد به شدت میوزید، طنابهای ثابت و شکافهای اطراف مسیر را پشت سر نهادیم و پس از رسیدن به 6400 متری برای استراحت توقف کردیم. باد، اجازه عکاسی مناسب را نمیداد. به پشت سر نگاه کردیم. دو غول برفی به تماشای ما نشستند. اورست عظیمترین ستون سنگی جهان و لوتسه که چون تکیهگاهی، کنار الهه برفها ایستاده بود. در نهایت پس از تماشای بام دنیا بچه ها به کمپ 2 رسیدند. کمپ 2 آن روز، خالی از سکنه بود و سایر تیمها به علت هوای نامساعد، به پائین رفته بودند.

امسال در میان تیمهای حاضر در ماکالو کوهنوردان خوبی حضور دارند. تیم کره با 5 کوهنورد به ماکالو آمده که یکی از آنها فاتح 10 قله 8000 متری میباشد. وی برادر سرپرست تیم است. آن دو در تمام برنامهها با هم بودهاند، یکی به عنوان سرپرست و دیگری عضو تیم. اسپانیائیهایی



6 نفره را تشکیل میدهند که با دو شریای پرقدرت کار میکنند. تیم شیلی متشکل از 7 عضو، بدون شریا هستند. این سه تیم حدود 25 روز پیش از تیم ما به ماکالو آمده‌اند. آنها کمپ 3 خود را نیز دایر کرده‌اند. البته برای رسیدن به کمپ 3 قرار است دو مسیر باز شود که مسیر دوم متعلق به تیم ایران و نیوزیلند خواهد بود. تیم ایتالیا نیز متشکل از 7 کوهنورد میباشد. آنها قصد صعود بدون اکسیژن و بدون شریا را دارند. تمام نفرات این تیم، اهل منطقه «دولومیت» میباشد. آنها ابتدا قصد داشتند به صورت آپی صعود کنند ولی پس از چند روز از این کار منصرف شده و اقدام به برپایی کمپهایشان نمودند. اتریشیها نیز با دو تیم 11 و 15 نفره به ماکالو آمده‌اند. در نهایت تیم نیوزیلند که 11 عضو دارد، یک نفر آنها ژاپنی، دو نفر از آنها انگلیسی و بقیه نیوزیلندی هستند. گای کاتر سرپرست آنها دوبار به اورست صعود کرده است. وی عضو تیم سال 96 اورست، به سرپرستی راب هال بوده است. تیم ایران نیز با 16 عضو بیشترین تعداد کوهنورد را دربردارد.

معمولاً دوری از خانواده و دوستان روی افراد تأثیر میگذارد و باعث عصبی شدن نفرات میگردد. این مسأله در کوهستان و شرایط سخت آن، نمود بیشتری دارد. شرایط یکنواخت منطقه، سختی صعود، سرما، گرما، بارکشی، بدی غذا و... همه و همه افراد را تحت تأثیر قرار میدهد. به همین دلیل تنش و برخورد نیز بین نفرات ایجاد میشود. به هر حال این مسایل باعث گوشه گیری چند نفر از بچه ها شده و این امر، باعث میشود که از اهداف گروهی تیم، دور بمانند. با بازگشت کلیه نفرات به کمپ اصلی، تیم روزهای سوم و چهارم اردیبهشت را به استراحت پرداخت. این چند روز هوای نامساعدی را پشت سر نهادیم. بعد از ظهرها، بارش برف همه جا را سپیدپوش میکرد. تیمهای حاضر در کمپ بالا تمام چادرهای بزرگ خودشان را با طنابهای کوهنوردی مهار کرده اند تا در مقابل باد شدید کنده نشوند.

#### چهارشنبه / 5 اردیبهشت / 80

علیرغم هوای نامساعد، تیم «الف» برای استقرار در کمپ 1 به بالا رفت. بچه های تیم «ب» نیز برای کمک به آنها تا کمپ میانی کولهبارشان را حمل کردند. ولی بارش برف به قدری شدید بود که پس از رسیدن به 5850 متری، سرپرست تیم آقای آقاجانی دستور بازگشت همه نفرات را داد. با وجود هوای نامساعد، امروز چهار شریا از تیمهای ایران و نیوزیلند موفق شدند طنابهای ثابت بین کمپ 2 و 3 را تا 80 متری ماکالولا نصب کنند. سُنَم پس از بازگشت، از دست گای کاتر سرپرست تیم نیوزیلند بسیار عصبانی بود. او میگفت: گای کاتر برای آوردن هر یک از نفرات تیمش به ماکالو بیست و هشت هزار دلار دریافت کرده ولی برای گشایش مسیر حاضر نبود سهم طنابهای ثابت و پیچ یخهای تیمش را بدهد.



## ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381



اورست و لوتسه از کمپ 1

پنجشنبه / 6 اردیبهشت / 80

هوا همچنان نامساعد است و آقای آقاجانی برای بالا فرستادن افراد مردد میباشد. بچه ها نیز امیدوار بودند هوای نامساعد اجازه استراحت بیشتری به آنها دهد. ولی با باز شدن هوا، و قطع بارش، قرار شد تیم «ب» به طرف بالا برود. لازم به ذکر است که در کمپ اصلی، هوا حدود ساعت 5/30 روشن میشود و ساعت 6/30 آفتاب به قله میرسد. در حالیکه بهدلیل قرار داشتن ABC در غرب ماکالو ساعت 8/30 آفتاب به کمپ میتابد. بهخاطر برخورد بین اوراز و دکتر جوادی آقای آقاجانی دکتر جوادی را به تیم «الف» منتقل کرد و بهجای او دکتر مساعدیان تیم «ب» را همراهی میکند. حدود ساعت 9، تیم «ب» کمپ اصلی را به طرف بالا ترک نمود. به علت گران بودن هزینه تلفن امسال آقای آقاجانی یک تلفن ماهوارهای خریداری کرده ولی پس از چند ارتباط با تهران و آگاه ساختن فدراسیون از وضعیت صعود تیم، به علت دادن کد اشتباه، دستگاه بهطور کلی قطع شد. تلاشهای مهندس مخابرات تیم اتریش نیز در گرفتن کد جدید بینتیجه ماند. به همین دلیل برای تماس با تهران، مجبور هستیم از تلفن ایتالیائیها استفاده کنیم که البته بهرغم لطف آنها و دادن تخفیف، باید برای هر دقیقه تماس حدود 12 دلار بپردازیم.

با رسیدن به ارتفاع 5900 متری بوران همه جا را فراگرفت، بچه ها به سختی خود را به کمپ 1 رساندند. آنها شب سختی را پیشرو خواهند داشت. با رسیدن به کمپ ابتدا شروع به کندن محل چادرها و آماده کردن زیر آن نمودند زیرا در روزهای آفتابی، بهدلیل گرمای داخل چادر، کف آنها گود میشود. بیش از همه بچه ها پرچمی برای آماده کردن محل چادرها اصرار دارد که عموماً با اعتراض زارعی همراه میشود. به هر حال دیشب بارش برف تا هنگام سحر ادامه داشت

و پس از آن وزش باد که شدیدتر از روزهای قبل بود. البته تنها مزیت باد جارو کردن برفها و آسان کردن برفکوبی میباشد. بچه ها برای کمک به شرپاها، مقدار زیادی از بارهای متعلق به کمپهای 3 و 4 را به بالا انتقال دادند.

طبق برنامه تنظیمی، همه نفرات برای آمادگی بیشتر باید تا ارتفاع 7600 متر، یعنی کمپ چهارم صعود نمایند و خود را هم هوا کنند تا برای صعود نهایی آماده شوند، البته با هر بار کم کردن ارتفاع و بهتر هم هوا شدن، اشتهای نفرات نیز بهتر و بیشتر میشود. جالبتر از همه، غذا خوردن پوریا است. وی آنچنان راحت غذا میخورد که حرص سایرین به خصوص دکتر مساعدیان را در آورده، هر چند خود دکتر هم در خوردن دست کمی از پوریا ندارد. البته پرخوری نفرات تیم «ب» و حمل مقداری از مواد غذایی به کمپ 2 از سوی آنها، باعث شده تا تیم «الف» با مشکل کمبود غذا مواجه شود که این امر موجب عصبانیت آقای افلاکی و شکایت وی به سرپرست را فراهم آورده است.

### یکشنبه / 9 اردیبهشت / 80

مسیر کمپ 2 به 3 یکی از سنگین ترین بخشهای جبهه شمالغربی میباشد. با ترک کمپ دوم باید از یک شیب تند یخی عبور کرد، سپس به دو یا سه شکاف کم عرض ولی عمیق میرسیم. در نهایت پیشانی یخی یا تنگه ماکالولا که از ارتفاع 6800 تا 7300 متری امتداد دارد و برای عبور از آن باید حدود 1200 متر طناب ثابت را پشت سر نهاد. به خاطر سقوط بهمن، قسمت عمده مسیر از کنار صخرهها میگذرد. 400 متر صعود مستقیم از کنار برج یخی بسیار خطرناک و سپس 300 متر تراورس بر روی یخی شیشهای که معمولاً برف پودر روی آنرا میپوشاند. حدود 500 متر پایانی هم در یک دهلیز باریک طی میشود تا نفرات به ماکالولا برسند. البته شیب مسیر بسیار تند و حدود 65° یا 70° میباشد.





### ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

مسیر کمپ 2 به 3

اولین تلاش تیم ایران برای رسیدن به کمپ 3 از سوی تیم «ب» در حالی ناکام ماند که بهخاطر کوله بارهای سنگین و حرکت آرام نفرات زمان را بهراحتی از دست دادند. البته شروع دیر هنگام و برفکوبی مسیر هم در نرسیدن افراد به گردنه بیتأثیر نبود. آنها تنها تا ارتفاع 7000 متری صعود کردند. شیب مسیر به قدری تند بود که نفرات کمتر جرأت میکردند. کولهبارشان را از خود جدا کرده و چیزی برای خوردن بیرون آورند. همین امر باعث فرسودگی بیشتر آنها شد. در نهایت بعد از پشت سر نهادن تراورس طولانی مسیر، به درخواست سردار تیم سَنَم (که در حال بازگشت از ماکالولا بود) و پس از کسب تکلیف از کمپ اصلی نفرات مجبور به بازگشت شدند. سَنَم معتقد بود مسیر باقی مانده به پای شریاها حدود 3 ساعت به طول میکشد ضمن آنکه در کمپ 3 تنها یک چادر متعلق به تیم ایران نصب شده بود که در آن شریاها مواد غذایی را ذخیره نموده بودند.

نفرات تیم «ب» نیز پس از حدود هفت ساعت تلاش به طرف کمپ دوم بازگشتند و به خاطر حضور تیم «الف» در آنجا مجبور به استفاده از چادرهای تیمهای کره و نیوزیلند شدند. حال حسین عظیمی چندان مناسب نبود. وی بسیار ضعیف شده بود. پوریا و اکبر هم به شدت خسته بودند و البته اکبر در برفکوبی فشار زیادی متحمل شد به هر حال سایرین هم وضعیت چندان خوبی نداشتند. با رسیدن بچه ها به کمپ 2، آنها با چای و شربت و سوپ گرم مورد استقبال دوستان قرار گرفتند تا قدری از گرسنگی این روز سخت بکاهند.

دوشنبه / 10 اردیبهشت / 80

به دلیل مسافت طولانی بین کمپ 2 و 3 بچه های تیم «الف» با وجود هوای نامساعد، صبح زود کمپ را به سمت بالا ترک کردند و علیرغم بارش برف و باد شدید، خوب حرکت میکردند. با توجه به فاصله زیاد مسیر تا کمپ 1 و قرار داشتن تنگه ماکالولا در نقطه کور، ارتباط بیسیم آنها با کمپ اصلی قطع است و بهخاطر سختی مسیر آقای افلاکی نیز تمایل کمتری به برقراری ارتباط داشت، همین مسأله، باعث نگرانی زیاد سرپرست تیم شد.



مسیر کمپ 4 به قله

بچه های کمپ 2 نیز گاه با باز شدن هوا، تنها قادر به دیدن ستونی متشکل از هفت یا هشت نفر هستند و کمی دورتر از آنها نیز یک نفر در حال صعود است و همین نفر جدا مانده از تیم بر نگرانی سایرین افزوده است. اما تیم در شرایطی بالا میرود که خادم در جلو قرار گرفته و سرعت حرکت تیم را تنظیم میکند. جلال هم به عنوان آخرین نفر تیم را جمعوجور میکند. در نهایت پس از حدود 9 ساعت آنها به گردنه رسیدند. وزش بادی شدید همه را به تکاپو انداخت تا بر پوشش خود بیفزایند. کلنگی تنها، به عنوان آخرین کارگاه، در رأس گردنه آخرین نقطه حمایت را تشکیل میدهد. پایانی موفق بر روزی سخت که همچون صعود قله برای تیم شادیاور شد. آقای افلاکی گذر از مسیر 2 به 3 را به عبور از دیوار چین تشبیه میکند. با برقراری ارتباط خیالمان از طرف آنها آسوده شد. در نهایت جوادی و چشمهقصابانی به همراه «لاکپا» شریپای تیم خود را به گردنه رساندند. هوا صاف شده و میتوان اورست را دید که برای تبریک و خسته نباشید گفتن به آنها سر از ابر بیرون آورده. هوا بسیار سرد است و آنها به طرف کمپ میروند. محلی که یخی بلورین آنرا پوشانده و چادرهای مستقر در آن توسط پیچهای یخ به زمین ثابت شده. باقیمانده چند چادر در کنار کپسولهای خالی اکسیژن و مقداری زباله وضعیت گردنه را کمی به هم زده است. شریپاهایی که زودتر رسیده بودند دو چادر دیگر را هم برپا کرده اند تا بچه ها راحتتر در آنها مستقر شوند. اما در اوج خستگی همه به بالا نظر میافکنند. توده های از یخ، برف و سنگ، ستونی را پدید آورده که هر انسانی را متحیر میکند. هیولای سیاه بیش از آنکه وهمانگیز باشد همچون دوستی چندین ساله در دلها جای میگیرد. قدری پائینتر و در شرق کمپ چومولنزو با ارتفاع 7790 متری قرار گرفته و بالای سرمان کانچونگتسه با 7640 متری نظاره گر ما میباشد.

### ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381



کمپ 3

شب سخت کمپ 3 در حالی سپری شد که خستگی زیاد مانع از خوردن غذا شد. بچه ها حتی آب و مواد غذایی را هم که سَنَم تهیه کرده بود دستنخورده گذاشتند.

سه شنبه / 11 اردیبهشت / 80

در حالیکه بچه های تیم ایران در خواب بودند دو اسپانیایی، یک کرهای و یک شریپای نیپالی سکوت شب را شکسته و قصد داشتند از غفلت هیولا استفاده کنند تا بر فرازش بایستند. آنها خیلی خوب تا 8300 متری صعود کردند اما اشتباهی کوچک باعث شد تا بهترین بخت خود را برای این صعود به راحتی از دست بدهند. این تیم پس از رسیدن به زیر برج سنگی قله به جای رفتن به سمت مسیر سال 1955 فرانسویها به اشتباه به طرف راست رفته و مسیر «کوکوژکا» را هدف قرار میدهند که درجه سختی بالایی دارد. آنها پس از درگیر شدن با مسیر بهدلیل اتلاف وقت و کمبود اکسیژن مجبور به بازگشت شدند. لازم به ذکر است مسیر فوق در سال 1980 به صورت آزاد توسط «جرزی کوکوژکا» در مدت 4 روز، از کمپ اصلی صعود شده بود. وی این صعود را بدون اکسیژن انجام داد. ماکالو سومین قله 8000 متری بود که بزرگمرد لهستانی موفق به فتح آن گردید. وی بعدها به عنوان دومین فاتح همه قله 8000 متری شناخته شد. کوکوژکا در سال 1988 بر روی دیواره جنوبی لوتسه کشته شد.

اما امروز علیرغم خستگی بچه ها به اصرار آقای افلاکی سرپرست تیم «الف»، آنها برای برپایی کمپ 4 تا ارتفاع 7600 متری بالا رفتند. مسیر سه به چهار حدود 4 ساعت به طول انجامید و برای طی آن افراد باید پس از عبور از دشتی سپید از کنار صخره های یال شمالغربی، کمکم ارتفاع گرفته و راه خود را تا کمپ 4 باز کنند. در طول مسیر میتوان چندین چادر متعلق به تیمهایی که سال قبل به ماکالو آمدهاند را مشاهده کرد. ظاهراً آنها برای فرار از باد زیاد گردنه و

همینطور کاستن از راه کمپ آخرشان تا قله، کمپ 3 خود را بالاتر از گردنه ماکالو برپا کرده و پس از صعود چادرها را دست نخورده باقی گذارده‌اند. در کمپ 4 نیز تنها دو، سه چادر برپا شده که یکی از آنها متعلق به تیم ایران می‌باشد. معمولاً به‌دلیل ارتفاع بالای کمپ 4، تیمها تنها در مواقع اضطراری اقدام به زدن چادر در کمپ 4 میکنند.

اما حکایت تیم «ب» جالبتر است. زیرا دومین تلاش این تیم هم به خاطر خستگی زیاد بچه‌ها ناکام ماند. این خستگی بیشتر روحی است و حاصل قرار داشتن طولانی مدت آنها در ارتفاع بالا است. این مسأله عموماً باعث برخوردهای احساسی افراد میشود. کوچکترین ناراحتی باعث پرخاشگری و یا حتی موجب گریه میشود. و حکایت این تیم نیز بدین شکل بود. بچه‌ها هر کدام به بهانه‌های از صعود سرباز زدند. در نهایت به درخواست اوران، آقای آقاجانی تیم را به پائین بازگرداند و تنها اوران و جملران به‌عنوان نفراتی برای پشتیبانی تیم بالا در کمپ ماندند. اوران اسم کمپ 3 را کمپ 2 + 1 گذاشته و آنجا را محلی نحس میداند و به همین خاطر نام آنرا تغییر داده. حدود 2 روز است که ارتباط تیم «الف» با کمپ اصلی قطع می‌باشد ولی با بازگشت آقای افلاکی به کمپ 3 که برای برقراری ارتباط به طرف گردنه آمده بود از وضعیت آنها آگاه شدیم. آقای آقاجانی اصرار زیادی دارد تا آنها به کمپ 2 بیایند، ولی خستگی شدید و گرسنگی، مانع پائین آمدنشان میشود. اما شریپاهای قدرتمند، پس از حمل بار به کمپ چهارم، آنجا را به قصد کمپ اصلی ترک کردند. کاری که توان بدنی بسیار بالایی را می‌طلبد و تنها از عهده شریپاهای پرتوان برمی‌آید.

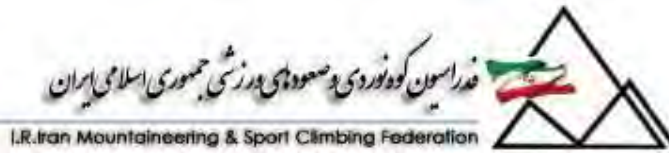
I.R.Iran Mountaineering & Sport Climbing Federation



سُنَم دندو در کمپ اصلی

آنها با رسیدن به کمپ اصلی، خبر کشته شدن «بابو چهیری» شریپای قدرتمند و افسانه‌های نپالیه‌ها را در اورست شنیدند. شریپاها و سایر نپالیه‌های حاضر در کمپ در ماتی عمیق فرو رفتند. سُنَم بیشتر از سایرین متأثر شده بود. بابو سه بار به عنوان شریپا تحت سرپرستی سُنَم به اورست رفته بود، از جمله نخستین صعود بابو که در سال 1990 به همراه هیأت فرانسوی و به





## ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

سرپرستی «مارک باتارد» صورت گرفته بود. بابو با 38 سال سن اهل دهکده «تاکشیندوک» واقع در «سولوخومبو» بود. وی دارای 6 فرزند دختر است. بابو ده بار بر فراز بام دنیا ایستاد. پس از ناپدید شدن او شریپاهای حاضر در اورست دو روز به دنبال وی بودند و در نهایت جسد بیجان او را درون شکافی عمیق نزدیک کمپ 2 پیدا کردند و پس از انتقال به کاتماندو طعمه آتش شد تا خاکسترش رودهای تشنه شهر کاتماندو را سیراب کند. یادش گرمی باد.

چهارشنبه / 12 اردیبهشت / 80

برای تأمین گوشت مورد نیاز تیم، در ایران، (تهران) حدود 30 کیلوگرم گوشت بهصورت قورمه درآمد تا در گرمای شهر و در مدت زمان طولانی صعود فاسد نشود. با رسیدن به کاتماندو گوشتها به کمپ اول منتقل شد، اما در روزهای اول صعود ناپدید گردید و کسی اثری از آن نیافت. به همین خاطر آقای آقاجانی یکی از آشپزها را برای خرید گوسفند به شادوا فرستاد. وی نیز پس از آوردن دو گوسفند به نزدیک کمپ اصلی بهخاطر ممنوعیت ذبح حیوانات در ماکالو آنها را در دادوسا سر بریده سپس گوشتشان را به کمپ منتقل کرد، ولی بهخاطر ذبح غیراسلامی گوسفندها آقای آقاجانی مجبور شد وی را برای خرید گوسفند دیگری به پائین بفرستد. با بازگشت کمک آشپز برای سر بردن حیوان هادی گرمپور به دادوسا رفت. البته هادی قبل از رفتن برای سر بردن حیوان آموزشهای لازم را دید. از جمله آب دادن و رو به قبله کردن و بدین منظور یک قطبنا هم با خود برد. پس از اینکه هادی با گوشتها بازگشت بچه ها به شوخی می گفتند: هادی، بلدی از قطبنا استفاده کنی. به هر حال گوشتها بهصورت قورمه، آماده حمل به بالا گردید. البته در روزهای آخر برنامه فهمیدیم خود هادی گوشتهایی را که از تهران آورده بودیم در زیر برفهای کمپ اول دفن کرده تا از فساد آنها جلوگیری کند اما فراموش کرده تا جای آنها به سایرین بگوید.

اما بهتر است به کمپهای بالا بازگردیم. به رغم داشتن تعدادی کپسول اکسیژن، سرپرست تیم مصمم است بچه ها به بهترین شکل هم هوا شوند و بدون اکسیژن تلاش کنند و رفتن بچه ها تا کمپ 4 نیز به همین علت بود. برای آنکه اوراز هم به هموایی مناسبی برسد آقای آقاجانی قصد فرستادن او به بالا را داشت که به علت خراب شدن حال نفر همراه وی - جملران - آنها از ابتدای طنابهای ثابت بالای کمپ 2 بازگشتند. محمد خیلی ناراحت است. وی در هر سه تلاش خود



بهخاطر خستگی و بیروحیه بودن دیگران، ناکام مانده. در حالیکه مه همه جا را فرا گرفته بود، به کمپ 2 رسیدند. همچنان ارتباط بیسیم آقای افلاکی قطع است و این بر نگرانی سایرین افزوده. کوهنورد اسپانیایی که روز قبل تلاشی نافرجام را انجام داده بود به کمپ میرسد. نفر همراهش در مه گم شده او بسیار نگران است. اوراز قصد ایجاد ارتباط با آقای افلاکی را دارد، شاید او را هنگام فرود دیده باشد. اما آقای افلاکی جواب نمیدهد. دقایقی بعد و پس از تابش آفتاب مه کنار می‌رود و کوهنورد اسپانیایی راهش را پیدا کرده، خود را به کمپ میرساند. او خبر پائین آمدن نفرات ایران را نیز میدهد و تا اندازه‌های همه را از نگرانی در می‌آورد. اوراز نیز پس از تهیه آب و شربت به بالا می‌رود. کمی بالاتر و روی طنابهای ثابت، نفراتی را میبیند که جسمی بیجان را به دنبال خود میکشند. او خبر داد که بچه‌ها را دیده است اما نگرانی در حرفهایش مشهود بود. کمپ اصلی در سکوتی مرگبار فرو رفته. مگر آن بالا چه رخ داده که اوراز از بیان آن خودداری میکند. اصرار آقای آقاجانی تنها منجر به خاموش شدن بیسیم محمد میگردد.

اما محمد در خاطراتش مینویسد: از پائین جسمی بیجان را دیدم که به دنبال عده‌های، روی طنابهای ثابت کشیده میشد و از دور به جسدی بیحرکت شباهت داشت. بر خود لرزیدم و راه طولانی کمپ 2 به زیر ثابتها را در مدت 30 دقیقه طی کردم. با نزدیکتر شدن به بچه‌ها مشخص شد که آن جسم بیجان، کولهپشتی یکی از نفرات است که روی یخها کشیده میشود اما بچه‌ها واقعاً از پا در آمده‌اند، به ویژه دکتر جوادی و علیرضا جلالی، که اولی از ناحیه عضله پا دچار کشیدگی شده و به سختی راه می‌رود و دومی دچار اسپاسم شدید در ناحیه گردن شده است. آنها شب را در کمپ 2 ماندند و روز بعد در میان استقبال سایرین به کمپ پیشرفته بازگشتند.



کمپ 4

با برپایی کمپ 4 و بازگشت کلیه نفرات به ABC همه با نگرانی، به حمله نهایی می‌اندیشند. همه می‌خواهند افتخار حضور در تیم حمله را داشته باشند. در این بین موقعیت نفراتی که تا کمپ 4 رفته‌اند بهتر از سایرین است. متأسفانه در بین بچه‌های تیم جوادی و جلالی بهخاطر ناراحتی پا



## ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

و گردن امکان صعود مجدد را از دست داده‌اند. به درخواست آقای آقاجانی هر کدام از بچه‌ها باید نام شش نفر را برای حضور در تیم حمله می‌نوشتند تا با توجه به نظر همه بچه‌ها، تیم انتخاب شود. در حقیقت انتخاب و یا حذف هر کدام از افراد، کار بسیار دشواری است. به هر حال همه اعضای تیم زحمت کشیده‌اند و لیاقت رساندن پرچم ایران بر فراز قله را دارند. ولی متأسفانه امکان حضور همه در تیم حمله نیست هر چند افتخار فتح قله از آن همه ایرانیان است. اما با بررسی اسامی افرادی که بچه‌ها نوشته بودند و پس از مشورت، همه نسبت به انتخاب آقایان افلاکی، خادم، چشمه‌قصابانی، نجاریان و اوراز متفق بودند. زارعی و مهدیزاده نیز نسبتی مساوی داشتند که در نهایت قرار شد هر هفت نفر به‌عنوان سفیران تیم، حمله نهایی را انجام دهند. قرار شد تا مساعیدیان، پرچمی و جملران هم به عنوان تیم پشتیبانی، آنها را تا کمپ 2 همراهی کنند و تا حصول نتیجه در آنجا بمانند. به‌منظور بالا بردن ضریب اطمینان صعود، قرار شد همه اعضای تیم از کپسول اکسیژن استفاده کنند. البته محمد اوراز تقاضای صعود بدون اکسیژن نمود، ولی سرپرست تیم مقرر کرد که او هم کپسول اکسیژن را با خود حمل کند و در صورت نیاز از آن استفاده نماید تا از صعود باز نماند. البته محمد آنچنان مصمم است که حتماً به مقصود خود میرسد. اما در مدت حضور تیم در کمپ پیشرفته و استراحت بچه‌ها برای حمله نهایی، دکتر مساعیدیان به‌عنوان فعالترین نفر حاضر، دائماً در حال رسیدگی به وضعیت بچه‌ها است. به جز دکتر جوادی و علیرضا جلالی، آقای افلاکی، رضا و سَنَم نیز به‌گلودرد مبتلا شده‌اند و دائماً سرفه می‌کنند و قرص و آمپول نیز تأثیر زیادی در بهبود حالشان ندارد. بیچاره سَنَم آنقدر دکتر به او آمپول زده که از دست دکتر فرار میکند.

در حالیکه ماکالو دوره هوای نامساعد را سپری میکند، همه تیمها به استراحت مشغول هستند تا با بهتر شدن وضع هوا حرکت خود را دوباره آغاز کنند. با توجه به امکانات تیم نیوزیلند که از طریق ارتباط ماهواره‌های در مورد شرایط هوایی منطقه کسب خبر میکند ما برنامه خود را طوری تنظیم کرده‌ایم تا همزمان با آنها به بالا برویم.

دوشنبه / 17 اردیبهشت / 80

طبق معمول اولین کسی که بیدار میشود چاندرا آشپز تیم است. وی پس از حاضر کردن صبحانه، به روشن کردن آتش در کنار سکوی دعا اقدام میکند. دیواره غربی ماکالو در زیر مهی

غلیظ فرورفته و صدای غرشهای بهمن از دامنه آن به گوش میرسد که آغاز روزهای سختی را نوید میدهد.

هفت عضو تیم حمله به همراه سه نفر تیم پشتیبان پس از عبور از زیر قرآن کریم و وداع با سایرین کمپ را ترک کردند. آقای آقاجانی آخرین توصیه ها را به بچه ها کرده است. اکبری، عظیمی و گرمی پور هم برای کمک به بچه ها در حمل بارشان تا کمپ Deposite تیم را همراهی کردند. در هوایی گرفته که گهگاهی بارش برف نیز چاشنی آن میشود، بچه ها کمپ میانی را هم پشت سر نهادند. گرمای هوا در برخی روزها باعث شده تا نمای یخچالها و برجهای یخی تغییر کند. تعدادی از اتریشیها که روز قبل بالا رفتهاند در حال برگشت هستند. در میان بادی شدید تیم به کمپ 1 رسید. تغذیه خوب چند روز اخیر و هم هوایی مناسب همه را سر حال آورده و حرکت بهتر و روانتر صورت میگیرد. پس از مرتب کردن چادرها نفرات شب خوب و راحتی را پشت سر نهادند.

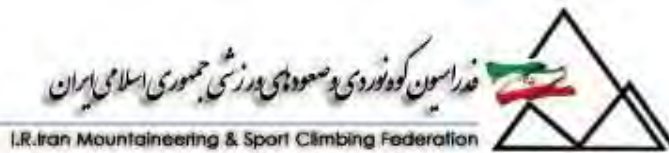


مسیر کمپ 2 به 3

سه شنبه / 18 اردیبهشت / 80

امروز هوا صاف، بدون باد و گرم است. در چنین شرایطی حمل کوله بار سنگین، واقعاً عذابآور است. البته بیشترین مزیت این موقعیت آن است که بهراحتی میتوان عکاسی و فیلمبرداری کرد که نجاریان و اوراز به خوبی از عهده آن برآمدند. شریپاها نیز برای گذاشتن بارها به طرف کمپ 3 رفتند. آنها پیش از تاریکی هوا به پائین بازگشتند. بعد از ظهر مجدداً هوا گرفت و برف شروع به بارش نمود که تا صبح ادامه داشت.

بارش سنگین برف، وضعیت مسیر کمپ 2 به 3 را به کلی خراب کرد، به طوری که برج یخی زیر ثابتها، بر اثر بارش زیاد و سنگین شدن به پائین سقوط کرد و قطعات بزرگ یخ را تا دهها متر به اطراف پخش نمود.



## ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

تحت این شرایط به توصیه سنم، تیم روز چهارشنبه را در کمپ ماند و به استراحت پرداخت. سه نفر اتریشی در حالیکه برای صعود مردد هستند، به طرف بالا حرکت میکنند. صعود سخت آنها که با برفکوبی سنگین همراه بود تا بعد از تاریکی هوا ادامه داشت. امروز همچنین نفرات تیمهای شیلی و نیوزیلند خود را به کمپ 2 رساندند. نفرات اتریش و اسپانیا هم که مدتی در کمپهای 3 و 4 منتظر بهبود وضعیت هوا بودند به خاطر بارش روز قبل و خرابی هوا مجبور به بازگشت شدند. تیم اسپانیا با از دست دادن آخرین موقعیت، عملاً از صعود ناامید گردید و با جمع آوری کمپهای خود به پائین بازگشت.

پنج شنبه / 20 اردیبهشت / 80

بچه ها برای آنکه از روشنایی روز استفاده بهتری ببرند، صبح زود برخاسته و آماده حرکت شدند. مسیر کمپ 2 تا 2 + 1 به قدری طولانی است که بچه ها با تماشای آن از پایین در این فکر هستند که چگونه این مسیر تمام نشدنی را طی خواهند کرد. تیم پشتیبان نیز پس از کمک در حمل بار افراد تا ابتدای طنابهای ثابت، با تیم خداحافظی کرده و به پائین بازگشت. بهمن دو شب گذشته، شکل و فرم برجها را کاملاً تغییر داده و قطعات یخ در تمام طول مسیر پراکنده شده است. شریپاهای تیم اسپانیا پس از جمع آوری چادرهایشان در حال بازگشت هستند. نفرات تیم شیلی نیز به شکلی پراکنده پشت سر تیم ما به بالا میآیند. همینطور اعضای تیم نیوزیلند و کوهنورد ژاپنی همراه آنها. شریپاهای پرتوان تیم نیوزیلند و شریپاهای تیم ایران از سایرین پیشی گرفته و خود را به دهلیز «ماکالولا» و نهایتاً گردنه رساندند. سنم بهخاطر گلودرد شدید بسیار بد حال است و مرتب توقف میکند. تنگه ماکالولا بسیار پرشیب است و راه از میان صخرهها بهصورت پیچ در پیچ به سمت بالا باز شده. حدود دو طول به بالای گردنه مانده شیب کمکم میخوابد. داود به خوبی سرعت تیم را تنظیم کرد و در حالیکه بارش برف و وزش باد شدید آغاز شده، پس از هفت و نیم ساعت تیم به گردنه رسید. مهی غلیظ همه جا را فراگرفته و هیچ چیز مشخص نیست، تنها زوزه باد و صدای خسته نباشید بچه ها به یکدیگر به گوش میرسد. آقای افلاکی از فرصت استفاده کرده با کمپ 2 تماس میگیرد تا از طریق مساعیان خبر رسیدن ما را به کمپ اصلی برساند. برقراری ارتباط با کمپ اصلی از این نقطه میسر نیست. افراد با خستگی زیاد به محل کمپ که تا گردنه حدود ده دقیقه فاصله دارد، میرسند و بلافاصله به مرتب کردن محل چادرها و

تقسیم مواد غذایی مورد نیاز اقدام میکنند. علیرغم وزش باد تند، برف همه جا را سپیدپوش کرده. ارتفاع برف تازه باریده حدود 30 سانتیمتر است. بچه ها بهخاطر خستگی زیاد خیلی زود به خواب رفتند.

جمعه / 21 اردیبهشت / 80

دیشب تا دیر وقت بارش برف ادامه داشت و پس از آن وزش بادی تند کمپ را تحت تأثیر قرار داد. بچه ها از صبح زود آماده شده و منتظر دستور حرکت هستند. نفرات تیم شیلی کمپ را به سمت بالا ترک کرده‌اند. از تیم هفت نفره آنها چهار نفر قصد صعود را داشته و سه نفر دیگر به‌عنوان تیم پشتیبان، آنها را در حمل بار کمک میکنند. حدود ساعت 11 نفرات نیوزیلند هم به طرف کمپ 4 رفتند. آقای افلاکی از سَنَم خواست تا تکلیف تیم را روشن کند زیرا بچه ها از صبح زود آماده در چادرها نشسته بودند. سَنَم میگوید: بهتر است تیمهای دیگر یک روز پیش از ما به قله حمله کنند و پس از آماده شدن مسیر کمپ 4 به قله، تیم ما با اعتماد به نفس بیشتری میتواند قله را فتح کند. به هر حال سَنَم فرد بی تجربه ای نیست. امروز آقای افلاکی برای برقراری ارتباط با پائین چندین بار تا سر گردنه رفت، ولی موفق به صحبت با کمپ اصلی یا کمپ 2 نشد.

کوهنوردی و صعودهای ورزشی جمهوری اسلامی ایران  
I.R.Iran Mountaineering & Sport Climbing



کمپ 3

امروز 21 اردیبهشت، یادآور صعود سال قبل ایران به قله چوآیو با 8201 متر ارتفاع، ششمین کوه دنیا است و پنج نفر از اعضای تیم ما در صعود سال قبل چوآیو هم شرکت داشتند و برای سایرین خاطرات آن صعود سخت را تعریف میکنند. رضا، ساعت خود را درست در زمان رسیدن تیم به قله چوآیو یعنی 17/45 تنظیم کرده و با نواخته شدن زنگ ساعت، به گریه میافتد. یاد همه آن عزیزان و صعود جاودانشان گرامی باد. بچه ها، توقف امروز را به فال نیک گرفت‌هاند تا با کمی استراحت خستگی صعود طولانی روز قبل را از تن بزدایند. هیچکدام از بچه ها اشتهایی



## ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

برای خوردن ندارند. در واقع پس از گذشتن روزهای متمادی و نوشیدن آب برف که عاری از هرگونه املاح است اشتهای نفرات بهخصوص در ارتفاع بالا، کاملاً کور شده است.

شنبه / 22 اردیبهشت / 80

هیجان رفتن به کمپ 4 باعث شد تا پیش از روشن شدن هوا همه از کیسه خوابها خارج شوند و شروع به جمعآوری وسایل خود نمایند. باد تنها آوازی است که همچنان از گردنه ماکالو به گوش میرسد. پس از بستن کرامپون برای فرار از باد گردنه، تیم به حرکت درآمد. مسیر کمپ 3 به 4 در حاشیه یال شمالغربی میباشد و به مرور بر ارتفاع افزوده میشود. شریپاها در فواصل مختلف پرچمهای راهنما را نصب میکنند تا تیم در بازگشت به مشکلی برخورد نکند. با اینکه حرکت بسیار آرام است ولی گاهی افراد برای استراحت میایستند. اورست و لوتسه در غرب، کانچونگتسه (ماکالو 2) در شمال غرب و چومولونزو در شمال، شاهد صعود بچه ها هستند و هر چه تیم بالاتر میرود گرچه کوهها کوچکتر دیده میشوند اما از شکوه و عظمتشان کاسته نمی شود. باد سرد شرقی، همه را کلافه کرده تیم به نزدیک کمپ رسید. دو نفر در حال پائین آمدن هستند. فیلمبردار تیم نیوزیلند و یکی از شریپاهای آن تیم، آنها نیمه شب گذشته به طرف قله حمله کرده بودند. نفر نیوزیلندی دچار سرمازدگی از ناحیه انگشتان دست و پا شده. متأسفانه خرابی هوای دیشب، نفرات زیادی از جمله تعدادی از اعضای تیمهای نیوزیلند و شیلی را مجبور به بازگشت کرده است. با باز شدن هوا، میتوانیم دو نفر را در حال صعود در دهلیز زیر قله، ببینیم که به کندی به طرف بالا میآیند. با رسیدن به کمپ 4 در ارتفاع 7600 متری بچه ها به کمک شریپاها مشغول نصب چادرها میشوند. داود وارد چادر اتریشیها شد. پیش از بالا آمدن اجازه استفاده از آنها گرفته بودیم. رضا خسته است و در گوشهای سائیرین را نظاره میکند. تلاشهای آقای افلاکی برای برقراری ارتباط با کمپ اصلی بینتیجه است. دو روز است که از ما بیخبرند. حتماً بسیار نگران شدهاند. سرانجام پس از نصب سه تخته چادر و استفاده از دو چادر تیم اتریش، بچه ها به استراحت پرداختند تا خود را برای حمله فردا آماده کنند. از دور دو، سه نفر را میبینیم که از دهلیز زیر قله به پائین سرازیر شدهاند. نفرات تیم شیلی، خبر صعود گای کاتر و یک ژاپنی و شریپای همراهشان را دادند. از تیم شیلی نیز سه نفر موفق به فتح شدند که یکی از آنها بدون استفاده از کپسول اکسیژن مصنوعی قله را فتح کرد. آنها پیش از نیوزیلندیها خود را به کمپ 4

رساندند. نفرات تیم نیوزیلند پس از تاریکی هوا به کمپ 4 رسیدند. آنها خسته ولی بسیار خوشحال هستند. گای کاتر برای آنکه سایر نفرات تیمش قصد صعود مجدد را نکنند پس از رفتن به ABC به سرعت دستور تخلیه کمپ و بازگشت تیمش به کاتماندو را داد. با توجه به قطع ارتباط بیسیم، بچه های کمپ 2 از هر کس که از بالا میآمد سراغ نفرات تیم ایران را می گرفتند ولی تنها اخباری مبهم کسب میشد. هوای نامساعد در کمپهای پائین، آنها را بسیار نگران کرده است. امروز همچنین جملران به دلیل ناراحتی از ناحیه عضله پا به توصیه دکتر به ABC بازگشت.

## فصل پنجم

### برفراز هیولای سیاه

ساعت 12 شب، آقای افلاکی بچه ها را صدا زد. نفرات، دیشب تنها دو، سه ساعت خوابیدند ولی گویی همه خستگیشان از بین رفته و به سرعت آماده میشوند. رضا و حسن دیرتر از سایرین از کیسه خواب خارج شدند. سَنَم در حال نصب رگلاتور کپسولهای اکسیژن است. هیچکس اشتباهی خوردن ندارد. باد سردی میوزد. همه با اصرار آقای افلاکی از چادرهایشان خارج شدند و هر کدام یک کپسول اکسیژن به همراه ماسک و رگلاتور، از سَنَم گرفتند. ابتدا قرار بود خود سَنَم به همراه «لاکپا شرپا» تیم را همراهی کنند ولی بهدلیل حال نامساعد سَنَم، وی «لاکپا نورو» را بهجای خودش به بالا فرستاد. بادی سرد از شرق میوزد. آقای افلاکی دستور حرکت داد. ساعت 2/30 است. مهتاب همه جا را روشن کرده. «لاکپا شرپا» در جلو و در مسیر تیمهای روز قبل به سمت بالا به راه افتاد. سرعت حرکت او زیاد است و هر چند دقیقه یک بار برای رسیدن سایرین میایستد. داود، آقای افلاکی، رضا، حسن، اکبر، محمد و جلال و در پی آنها «لاکپا نورو» به عنوان آخرین نفر به سوی بالا میروند و بهدلیل آنکه هر کدام از افراد تنها یک کپسول اکسیژن به همراه دارند، قرار است تیم تا ارتفاع 8000 متری بدون کپسول صعود کند و از آنجا به بعد از اکسیژن مصنوعی بهره گیرد. سرمای شدید از همان ابتدا، همه را غافلگیر کرده. انگشتان دست و پای همه یخزده، باد شدید صورتها را نیز بی نصیب نگذاشته و بچه ها دائماً با پشت دستکش، پلکها و جلوی دهانشان را پاک میکنند تا یخ نزنند. تا طلوع خورشید چیزی نمانده که البته طلوع خورشید با



## ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

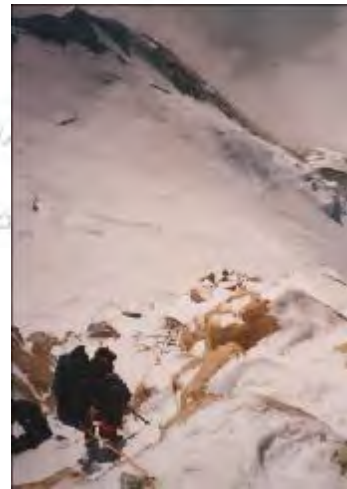
غروب ماه همراه خواهد بود. بچه ها نیز غروب تدریجی ماه را نظاره میکنند. یخزدگی دست داود باعث رنج و اذیت او شده و نشسته است تا کمی دستانش را گرم کند. سپیده میدمد.



مسیر کمپ 4 به قله

شیب تند، بیانتها و یخزده است، در شرق، افقی طلایی، در خطی باریک، رنگ میگیرد و نوید طلوع آفتاب گرمابخش را میدهد و این، تنها امید افراد به ادامه راه میباشد. ساعت، حدود 5 بامداد است و نفرات در زیر قرص ماه برجهایی مخوف را، سر راه خود نظاره میکنند، شیب مسیر بسیار تند است و میباید آنرا تراورس کرد و کمکم ارتفاع گرفت. بچه ها در گوشه‌های به استراحت پرداختند اما سرما اجازه نوشیدن و خوردن را نداد (دماسنج 35 - را نشان میداد) و به ناچار به حرکت خود ادامه دادند. لاکپا اصرار داشت که سریعتر حرکت کنند تا گرم شوند. صورتهای یخزده و بیحس است. دستها نیز در داخل دستکش مشت شده تا تماس انگشتان با هم، جلوی سرمازدگی را بگیرد. ارتفاعسنج، 7950 متر را نشان میدهد. خورشید در حال طلوع است. رضا پیشنهاد استفاده از اکسیژن را میدهد. محمد نیز معتقد است برای بالا بردن سرعت صعود، باید از آن استفاده کنیم، اما خودش میخواهد بدون اکسیژن صعود کند. در نهایت پس از رسیدن به ابتدای برجها، اکسیژنها نصب شد. پس از چند نفس عمیق، که همراه با تابیدن آفتاب گرم به بدنها بود، دست و پاها کمکم گرم شدند که این گرما با درد همراه بود. افراد سرحال وارد برجها میشوند. لاکپا از زدن ماسک طفره میروود و میخواهد بدون اکسیژن صعود کند دو طول طناب ثابت، که توسط اسپانیائیهها نصب شده مسیر را مشخص میکند. شیب بسیار تند و خطرناک است، شکافهای متعدد هم افراد را تهدید میکند. لاکپا بسیار کند حرکت میکند بچه ها از او میخواهند برای بالا بردن سرعت از اکسیژن استفاده کند که ابتدا امتناع نمود ولی پس از چند گام به ناچار پذیرفت. در

انتهای برجهای یخی یک شیب بسیار تند و خطرناک در سر راه قرار گرفته که دو طرف آن دو شکاف عمیق و مخوف قرار دارد و در زیر شیب نیز، درهای بیانتها به چشم میخورد شریاها مجبور به نصب طناب شدند ولی پس از عبور بچه ها آن را جمع کردند زیرا بالا به آن نیاز دارند. با رسیدن به بالای برجها لاکپا ماسک اکسیژن خود را برداشت. مسیر بسیار طولانی است. دیشب سَنَم میگفت مدت صعود حدود 6 تا 8 ساعت خواهد بود به همین دلیل بچه ها آب زیادی با خود نیاوردند. البته این مسأله برای کسانی که از اکسیژن استفاده میکنند چندان مهم نیست. زیرا همواره پس از تنفس، جلوی ماسکشان مرطوب میشود ولی صعودکنندهای بدون اکسیژن مصنوعی از خشکی گلو به شدت رنج میبرند، هر چند محمد به روی خودش نمی آورد و تنها بچه ها را به صعود سریعتر ترغیب میکند. کمک شکل مسیر تغییر میکند شیبی تند و برفی که در انتهای آن فلات وسیعی در زیر قله قرار گرفته. هیچ بادی نمیوزد و به خاطر قرار گرفتن در میان دو یال، افراد از باد و سرما در امان هستند. علیرغم آنکه سَنَم معتقد بود مسیر صعود در سمت چپ کاسه برفی قرار دارد.



در مسیر قله

لاکپا سمت راست را نشان میداد، و این همان مسیری است که اسپانیائیها در نخستین حمله خود در آن شکست خوردند. مسیری پوشیده از سنگ و یخ و دارای شیبی تند که در نهایت به یال جنوب غربی منتهی میشود. برای ورود به کاسه زیر قله، تیم کمی به چپ متمایل شد. ولی پس از ساعتی به شکافی عریض و عمیق رسیدند که مجبور شدند به سمت راست تراورس نمایند. این اشتباه حدود یک ساعت از وقت تیم را تلف کرد، بچه ها بهرغم خستگی، برای از دست ندادن وقت بر سرعت خود افزودند. فراز ماکالو بر روی صخرههایی قرار دارد که دستیابی به آن مبارزهای

## ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوه‌نوردی ایران به قله ما الو 1381

سخت را می‌طلبد. نفرات به گرده شمالی قله نزدیک شدند. شریپاها جلوتر رفتند تا طناب پای صخره‌ها را تعویض کنند. به اصرار آقای افلاکی و برای ایمنی تیم در هنگام بازگشت جلال دو طول طناب را در شیب تند یخی منتهی به صخره‌ها نصب نمود. ساعت 3 بعد از ظهر می‌باشد و تیم حدود 300 متر گرده سنگی را در پیش دارد تا به خطالرأس منتهی به قله برسد. پس از تلاشهای مکرر، سرانجام محمد موفق به برقراری ارتباط با کمپ اصلی گردید، پس از دو روز بیخبری شنیدن خبر نزدیک شدن افراد به قله همه را به وجد آورده، آقای افلاکی به آقای آقاجانی می‌گوید حدود یک ساعت تا قله باقی مانده، تنها توصیه سرپرست تیم رعایت نکات ایمنی در مراحل پایانی صعود است. با رسیدن به ابتدای صخره‌ها برای جلوگیری از تجمع افراد روی طنابها، تیم کمی پراکنده شد. حسن به کمک لاکپا که بسیار خسته است، برای ثابتگذاری رفته. جلال هم به‌عنوان آخرین نفر تیم را جمع می‌کند. لاکپا شریپا نیز بسیار خسته است. در ارتفاع حدود 8350 متری، حسن کپسول اکسیژن خود را که در حال اتمام است تعویض نمود، وی کپسول همراه اوراز را گرفت. خود محمد نیز علیرغم صعود بدون اکسیژن با توانی بالا سایرین را همراهی می‌کرد. اما در کمپ اصلی، همه منتظر برقراری ارتباط مجدد هستند آنها ابر قارچ مانند را روی تاج قله می‌بینند کمپ در سکوتی سخت فرورفته. حتی آشپزخانه نیز چراغ تلمبه‌های خود را خاموش کرده است. به راستی شرایط روحی تیم صعودکننده بهتر از کسانی است که در پایین، بیخبر و منتظر کوچکترین ارتباط هستند. اما آن بالا لاکپا برای استراحت و کمک به حسن برای تعویض کپسول اکسیژن در گوشه‌های نشسته. رضا از آقای افلاکی اجازه گرفت تا جلوتر از شریپاها بالا برود.



به سوی قله

(آقای افلاکی در گزارش خود مینویسد: «ندایی از درون به من میگفت: به او این اجازه را بده زیرا باعث ایجاد رقابت و سرعت در تیم میشود و سایرین هم به دنبال وی راهی بالا میشوند». رضا بعدها گفت: با خراب شدن هوا و ورودمان به مه و باد شدید، به یاد صعود چوآیو افتادم که در چنین شرایطی قرار داشتیم و آقای افلاکی از پشت بیسیم از تیم خواست تا برگردد. البته آن روز بیسیم را خاموش کرده و به سمت قله رفتیم ولی این بار خودش آنجا بود و امکان داشت بهدلیل خرابی هوا و برای جلوگیری از اتفاقات ناگوار دستور بازگشت تیم را بدهد پس باید عجله کرده و پیش از تاریکی هوا، قله را صعود کرده و به پائین باز می گشتیم.)

آقای افلاکی دائماً به رضا تذکر میدهد تا مسیر را اشتباه نرود. وی نیز به دنبال جای پای نیوزیلندیها و نفرات تیم شیلی به خطالرأس نزدیک میشود. باد شدید همه را غافلگیر کرده است. برج قله از دور خوشآمد میگوید و همه را به سوی خویش دعوت میکند و این دعوت، همه را به وجد آورده. در همین اوضاع، اکسیژن آقای افلاکی تمام شده اما دیگر مجالی برای تعویض آن وجود ندارد و او مجبور است گامهای آخر را بدون اکسیژن طی کند.



به سوی قله

محمد، رضا را به حرکت سریعتر ترغیب نمود. پشت سر رضا آقای افلاکی، محمد و حسن قرار دارند. اکبر و داود نیز به همراه جلال پیش از شریپاها خود را به خطالرأس رساندند. در سمت چپ و رو به شرق نقابی عریض منتظر کوچکترین غفلت بچه ها است تا نفری را به پایین کشیده و ببلعد. در سمت راست نیز صخرهها و سنگهای سرخ ماکالو خودنمایی میکنند. در روبرو برجی کوچک در انتظار افراد است. بچه ها به سمت برج میروند درست در جای پای تیم روز قبل، رشته طنابی نازک از نوک برج به پایین آمده، آقای افلاکی کمی نگران است، مبادا در گامهای آخر حادثهای رخ دهد. ظاهراً وی رضا را نمی بیند.

ولی محمد با نشان دادن او آقای افلاکی را آرام میکند. در نهایت کوه سیاه و سخت با بوسهای گرم، نرم میشود. همه در کنار برج حلقه زدهاند و باد، فریاد (زنده باد ایران) را با خود به اطراف

## ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

مخروط قله میبرد. همه به دور یکدیگر حلقه زدهاند در حالیکه دستان یخ زده خود را در دست یکدیگر قرار میدهند. حسن دوربین فیلمبرداری را در میآورد ولی دوربین یخ زده و او با عصبانیت آن را به داخل کولهپشتی خود میاندازد. خوشبختانه دوربین کوچک داود مشغول تصویربرداری است. و لحظاتی بعد از پشت بیسیم آقای افلاکی با صدایی لرزان فریاد میزند: (علی حیدر کرار) ما بر فراز قله ماکالو هستیم.



بر فراز ماکالو

و کمپ اصلی از خوشحالی منفجر میشود، همه از شادی به گریه افتادهاند. ساعت، 17/50 را نشان میدهد. آقای آقاجانی در نخستین جمله خود دستور بازگشت بچه ها را میدهد. گرچه توقف در این هوای خراب، جایز نیست اما نمیتوان بدون گرفتن چند عکس و اسلاید و کمی گریه از قله دل کند. بچه ها با زحمت، پرچم را از کولهپشتی خود خارج کردند و به سرعت شروع به عکسبرداری نمودند. آقای افلاکی همه را به پایین رفتن تشویق میکرد و خودش به دنبال شریپاها راهی شد. محمد در گوشهای مشغول کندن چند قطعه سنگ قله برای یادگاری است. در حالیکه بچه ها به طرف گرده شمالی میآیند به پشت سر نگاه میکنند ماکالو با بوران و برف به بدرقه آمده و برج قله نیز به زیر مهی غلیظ فرو میرود و ما از ماکالو دور میشویم در حالی که بوسهای از سر شکر گزاری نثار آسمان میکنیم. مسیر صخرهها به سرعت، ولی مطمئن به طرف پایین طی شد. در حالیکه به خاطر خستگی زیاد بچه ها، پس از هر چند دقیقه، لحظهای در گوشهای به استراحت می پردازند. شریپاها خیلی سریع، ثابتها را پشت سر نهادند و خود را به انتهای طنابها رساندند. بچه ها نیز خسته و آرام به آنها نزدیک شدند. با رسیدن به یخچال، هوا کاملاً تاریک شد

و بخش جدی مسیر آغاز گردید. شریپاها پس از اطمینان از سلامتی بچه ها به سرعت به طرف کمپ 4 به راه افتاده و تیم را ترک کردند. محمد برای آنکه بچه های کمپهای پایین را از نگرانی خارج کند اقدام به برقراری ارتباط نمود. دیگر خیال همه آسوده شده و پس از چند شب نگرانی، امشب را به راحتی و با آرامش پشت سر مینهند. ولی نفرات تیم صعود، در تاریکی مطلق هوا و در زیر نور چراغهای پیشانی به طرف کمپ 4 میآیند. و باز سرمای کشنده و دستان یخ زده در حالیکه مجبورند کنگهای خود را محکم در دست داشته باشند تا جلوی هر حادثهای را بگیرند. یخچالها و برجهای معلق به آرامی پشت سر گذاشته میشوند. نور چراغی که بیشک متعلق به سَنَم است از دور همه را راهنمایی میکند و افراد در همان مسیر صعود، به پایین باز میگردند. اکسیژن کمپها تمام شده، هر چند دیگر نیازی به آنها نیست. صورتها یخزده ولی کسی اهمیت نمیدهد. هیچکس نای حرف زدن ندارد. چراغ سَنَم، هدف اصلی تیم است و کسی از آن چشم برنمیدارد. گویی هرچه بچه ها به طرف پایین حرکت میکنند کمپ هم پایینتر میرود. ولی سرانجام تیم ساعت 23/30 به کمپ 4 رسید. یعنی پس از 15/20 ساعت صعود و حدود 5/30 ساعت، بازگشت. تلاشی سخت که تنها عشق به ایران آن را معنا میبخشید. سَنَم در حالی که قطرات اشک در چشمان پرمحبتش حلقه زده بچه ها را در آغوش میگیرد. و با آب و چای داغ از آنها پذیرایی میکند. افراد هم بسیار خسته و کوفته شدهاند و تنها به درآوردن کفش و کرامپونهایشان اکتفا میکنند و با خستگی به درون چادر و کیسهخواب خود میروند. خوابی متفاوت با شبهای قبل و به دور از اضطراب صعود. نیمه های شب، چهار اتریشی و چهار کرهای با دو شریپایشان در حالیکه یکی از کوهنوردان ایتالیا آنها را همراهی میکند به کمپ 4 رسیدند. تا پس از کمی استراحت به طرف قله حرکت کنند. یکی از اتریشیها که پیرمردی 62 ساله است وارد چادر آقای افلاکی شد. آقای افلاکی او را که از سرما میلرزید درون کیسه خواب خود جای داد. سایر نفرات اتریش، کره و «پائولو» کوهنورد ایتالیایی و دو شریپای آنها پس از ساعتی استراحت به سمت قله حرکت کردند. آنها روز بعد یعنی دوشنبه 24 اردیبهشت موفق شدند در هوایی نامساعد بر فراز قله بایستند. در این روز، بچه های ما نیز بیحال، خسته و رنجور از گرسنگی و تشنگی پایین آمدند. در کمپ 3 رنزو سرپرست ایتالیائیها نگران حال برادرش بود و به قدری عصبی شده بود که از حال رفت و دوستانش پس از ساعتی، او را به پایین باز گرداندند. بچه ها تنگه زیبای «ماکالولا» را نیز با خستگی پشت سر نهادند تا برای همیشه با کمپ 1+2 وداع کنند. کمپ مغروری که رسیدن به آن، کم از صعود قله نبود. تیم به قدری خسته بود که اگر اصرارهای آقای افلاکی نبود در همان کمپ وحشتناک میماند. اما پس از پشت سر نهادن ثابتهای طولانی، پوریا و حمید به استقبال افراد آمدند و در حالیکه اشک در چشم داشتند بچه ها را در آغوش گرفتند. پذیرایی آنها تیم را کاملاً سرحال آورد.



## ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381



کمپ 4

با کمی استراحت در کمپ 2، و جمعآوری چادرها، برای کمک به شریاها و آوردن بارها به پایین، همگی در کمپ 1 به نفراتی پیوستند که جهت جمعآوری چادرها به کمپ آمده بودند. علیرضا، حسین و هادی و در نزدیک کمپ پیشرفته نیز آقای آقاجانی به استقبال تیم آمد و ما باور کردیم که برنامه تمام شده است. در حالی تیم به ABC رسید که بارش برف پایان سخت و با شکوه صعود را اعلام میکرد و همگی به احترام سپیدی ذرات برف پرچم صلح را بالا آوردیم. با جمعآوری کمپها عملاً تیمها، کمپ پیشرفته خود را نیز ترک کردند. آخرین حمله به ماکالو نیز توسط عدهای از نفرات تیم اتریش صورت گرفت که متأسفانه منجر به کشته شدن دو نفر، از جمله پیرمردی شد که شب پس از صعود تیم ایران، به چادر ما آمده بود. نفر دیگر هم بر اثر سقوط، به اعماق درهای مخوف کشته شد و اینچنین بر آمار تلفات هیولای سیاه افزوده شد. و ما اکنون با ماکالو وداع می کنیم، وداع با دیواره هزار رنگ غربی، وداع با دشت تمام نشدنی کمپ 1، با شکافهای یخی کمپ 2، با پیشانی «ماکالولا»، با کمپ «2+1» و وداع با برج افسانههای قله و سنگهای سرخس که جای بوسه های آن بر پرچم سه رنگمان هنوز باقی است و فریاد یا علی حیدر کرار، همچنان بر فراز هرم سیاهش طنینانداز است و تا ابد، جاودانه خواهد ماند.

رضا زارعی

80/5/8



## صعود ماکالو در یک نگاه

- مهر 79: دعوت از کوهنوردان سراسر کشور جهت شرکت در آزمونهای میدانی و کوهستان برای حضور برترینها در اردوهای تیم ماکالو .
- 21 مهر 79: تست میدانی در ورزشگاه شهید شیرودی
- 22 مهر 79: تست کوهستان صعود قله سرکچال
- 3 تا 6 آبان 79: تست یخنوردی سبلان
- 1 تا 4 آذر 79: اولین مرحله، اردوی خطالرأس کرماکوه تا کالاهو
- 23 تا 25 آذر 79: دومین مرحله، اردوی جبهه جنوبی دماوند
- 7 تا 9 دی 79: سومین مرحله، اردوی گردنه آزادبر و قله کندوان
- 27 تا 30 دی 79: چهارمین مرحله، اردوی کلاغ لانه و الوند همدان
- 19 تا 21 بهمن 79: پنجمین مرحله، اردوی جبهه غربی دماوند
- 9 تا 11 اسفند 79: ششمین مرحله، اردوی یخنوردی فشم
- 15 اسفند 79: ارسال بارهای تیم به کاتماندو
- 20 اسفند 79: انتخاب 16 نفر جهت اعزام به نپال
- 4 فروردین 80: اعزام تیم به کاتماندو
- 10 فروردین 80: پرواز به روستای توملینگتار و آغاز راهپیمایی به سمت کمپ اصلی ماکالو
- 22 فروردین 80: رسیدن تیم به کمپ اصلی در ارتفاع 4795 متری  
واقع در جبهه جنوبی کوه ماکالو
- 24 فروردین 80: حرکت به سمت ABC جهت همهوایی
- 26 فروردین 80: برپایی کمپ پیشرفته در ارتفاع 5220 متری واقع در جبهه غربی ماکالو
- 27 فروردین 80: صعود تا ارتفاع 5800 متری جهت همهوایی
- 30 فروردین 80: برپایی کمپ 1 در ارتفاع 6100 متری
- 31 فروردین 80: برپایی کمپ 2 در ارتفاع 6500 متری
- 9 اردیبهشت 80: صعود تا ارتفاع 7000 متری تنگه ماکالولا
- 10 اردیبهشت 80: برپایی کمپ 3 در ارتفاع 7300 متری
- 11 اردیبهشت 80: برپایی کمپ 4 در ارتفاع 7600 متری
- 23 اردیبهشت 80: بر فراز هیولای سیاه در ساعت 17/50 دقیقه



**ماکالو هیولای سیاه**

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

- 25 اردیبهشت 80: جمعآوری تجهیزات باقیمانده در کمپها و بازگشت به کمپ پیشرفته
- 26 اردیبهشت 80: جمعآوری کمپ پیشرفته و رفتن به کمپ اصلی
- 27 اردیبهشت 80: بازگشت به کاتماندو با بالگرد
- 30 اردیبهشت 80: بازگشت به تهران

## گزارش پزشکی تیم اعزامی به ماکالو، نپال، بهار 1380

همیالیا، این یگانه سپید پوشیده از سنگ و یخ، در مصاف با کوهنوردانی است که تلاش میکنند بر آن غلبه کنند و این تلاش، بر همه دستگاههای فیزیولوژیک بدن تأثیر میگذارد و گاه به مغلوب شدن کوهنورد میانجامد. و در این میان پزشک است که تلاش میکند تعادلی میان جسم و روح کوهنورد در ارتفاع برقرار کند و او را در این صعود سخت یاری دهد.

بررسی مسایل پزشکی یک تیم "expedition" از نظر تخصصی بسیار پیچیده و مفصل است. اثرات مختلفی که ارتفاع، سرما، باد، کمبود اکسیژن و سایر فعالیتهای سنگین روی انسان میگذارد بسیار قابل تأمل است.

تیم اعزامی ایران به ماکالو پس از گذراندن اردوهای متعدد از نظر جسمانی در شرایط بسیار خوبی عازم منطقه گردید با این حال جهت درمان و پیشگیری از بیماریهای رایج ارتفاع تلاشهای زیادی صورت گرفت که در اینجا به برخی از آنها اشاره میشود.

در طی این برنامه نزدیک به 287 مورد معاینه عمومی؛ شامل کنترل فشار خون، ضربان و وضعیت تنفسی صورت گرفت. همچنین حدود 97 مورد معاینه اختصاصی از اعضای تیم به عمل آمد که با تجویز دارو سعی شد بسیاری از مشکلات پزشکی تیم بر طرف گردد. در این مدت 18 مورد کنترل وضعیت پزشکی و سلامتی شریاها و سردار تیم و 32 مورد درمان باربرها و افراد محلی انجام شد.

I.R.Iran Mountaineering & Sport Climbing Federation

در درمان افراد محلی و باربرها مواردی از بیماریهای عفونی مزمن، ضربدیدگیها، صدمات ناشی از کار روزانه، همچنین برفکوری و غیره مشاهده شد که تحت درمان قرار گرفتند. در بین بومیان، فرهنگ بهداشتی ضعیف و همچنین مراکز بهداشت بسیار کم و فقط در مناطق پرجمعیت، درمانگاه وجود دارد و در کل مسیر از توملینگتار تا کمپ اصلی ماکالو فقط یک درمانگاه در بخش خانباری وجود دارد در این درمانگاه یک پزشک عمومی از نپال و یک متخصص زنان و زایمان از آمریکا و همچنین یک دانشجوی رزیدنتی (دوره تخصصی) از کشور استرالیا حضور داشتند. پزشکان آمریکایی به صورت دورههای یک هفتهای به این منطقه اعزام میشوند و دانشجوی مذکور، جهت کسب تجربه و آموزش به این منطقه آمده بود. در این درمانگاه، بخشهای رادیولوژی، آزمایشگاه، داروخانه و سونوگرافی و بخش جراحی به صورت سرپایی و ساده وجود دارد که کل منطقه را تحت پوشش قرار داده است، در این منطقه داروخانهها به صورت فروشگاههای ساده، در کنار فروش لوازم و مایحتاج روزانه، دارو هم میفروشند که به نظر میرسد دولت، هیچ نظارتی بر این داروخانهها ندارد. همچنین طی روزهای راهپیمایی تا کمپ اصلی، بارها مشاهده شد که بیماران را با برانکارد به فرودگاه محلی توملینگتار میآورند تا جهت درمان به شهرهای بزرگتر اعزام



## ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

شوند. و اما در حین صعود، در بین اعضای تیم، یک مورد افزایش فشار خون (High Risk) رخ داد که طی برنامه و به طور روزانه، و با دارو کنترل میشد. همچنین یک مورد ارتفاعزدگی ناشی از فعالیت سنگین در ارتفاع و همچنین سهلانگاری در پوشش مناسب مشاهده شد، که خوشبختانه با سرمدرمانی و درمانهای مناسب بهبود یافت.

در برنامه 50 روزه صعود ماکالو، بیماریهای مختلف کوهستان و ارتفاع و تغییر در رژیم غذایی کوهنوردان، موجب بروز مشکلات فیزیولوژیک شد که مواردی از آنها بیان میشود:

1. در اثر هوای سرد و خشک، تقریباً اکثر کوهنوردان دچار سرفههای خشک و متناوب شده بودند که در برابر داروهای رایج بسیار مقاوم بود و مصرف دارو، تنها باعث تخفیف علائم و سرفهها میشد. این سرفهها که در منطقه هیمالیا به سرفههای «خومبو» معروف است گاه به حدی است که ایجاد تهوع و استفراغ میکند.

2. در اثر هوای سرد و خشک، خشکی مخاط بینی از علائم شایع صعود به ارتفاعات بلند است و اکثر کوهنوردان در ارتفاعات بالا، ترشحات خونآلود بینی دارند که حتماً باید آن را با ترشحاتی که ممکن است از ریه تخلیه شود تمایز داد.

3. مشکلات گوارشی نیز از شایعترین مشکلات برنامههای "expedition" است. به علت تغییر رژیم غذایی و اثرات ارتفاع بر سیستم فیزیولوژی بدن، دستگاه گوارش، دچار مشکلات عدیدهایی همچون اسهال، بیاشتهایی، تهوع، دل درد و... میشود که این موارد بین اعضای تیم، بارها مشاهده گردید.

4. عدم ترمیم بافتی: گاه در ارتفاع، ترمیم یک زخم کوچک بیش از یک ماه طول میکشد به طوری که تا زمانی که ما به کاتماندو مراجعت نکردیم، زخمها التیام نیافت ولی در کاتماندو در عرض 2 تا 3 روز ترمیم شد.

5. سردردهای موقت: در روزهای اول که به کمپهای بالاتر میرسیدیم این سردردها شروع میشد و 2 تا 3 روز ادامه مییافت و پس از همهوایی بهبود پیدا میکرد.

6. تنفس «شین استوک»: در ارتفاعات بالا، هنگام خواب به علت کمبود اکسیژن، بدن احساس خفگی میکند که این کمبود اکسیژن با توقف موقت تنفس، ادامه مییابد که با بیدار شدن فرد همراه است و با نفسهای عمیق به حالت عادی باز میگردد.

... و اما مشکلاتی که در طول برنامه حادث شد عبارت است از: یک مورد ضربدیدگی پا در هنگام حرکت تیم به سمت کمپ اصلی، اسپاسم و گرفتگی عضله پا در مسیر کمپ 3 و 4، اسپاسم عضلات گردن در مسیر بازگشت از کمپ 3 به 2 همچنین در طول برنامه نفرات بین 7% تا 20% وزن بدنشان کاهش یافت و این در شرایطی روی داد که مدت زیادی از کل زمان صعود، نفرات در کمپ پیشرفته به سر می بردند. در پایان امیدوارم بتوانم با انتقال تجربیات پزشکی این برنامه به دیگر کوهنوردان، به خصوص پزشکان کوهنورد، راه را جهت اجرای برنامه‌های ایمنتر و بهتر مهیا سازم.

حمید مساعدیان

پزشک تیم اعزامی ایران به ماکالو



## ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

### گزارش تدارکات تغذیه و انرژی ماکالو

در پاییز سال 79، طی ملاقاتی با ریاست فدراسیون، از صعود تیم ایران به قله ماکالو در سال 80 مطلع گردیدم.

در این جلسه مسئولیت تغذیه این صعود به اینجانب واگذار شد. از این رو باید اقدامات اولیه را انجام میدادم.

به این منظور ابتدا موارد تغذیه برنامه‌های برونمرزی گذشته را تحت بررسی دقیق قرار دادم که نتیجه این بازبینیها و همچنین توجه به نقطه نظرات اعضای تیمهای قبلی، موجب تغییراتی در رژیم غذایی این برنامه گردید. البته با توجه به نظریات کلی در پاسخ نامهها و تضاد و یا اشتراک سلیقه در مورد برخی از مواد و یا نقطه نظرات متضاد یک نفر در یک نوع ماده غذایی، لازم شد که تحقیقات و مطالعات مجددی بر روی چند قلم از مواد صورت پذیرد.

به منظور کسب اطلاع در جهت محاسبه و تنظیم رژیم غذایی برنامه، جلسهای در تاریخ 79/11/6 در محل فدراسیون تشکیل و طرح اجرای این صعود و همچنین امکانات سرویسدهی تغذیه در منطقه توسط شرکت تامسرکو و مدت اجرا، تعداد، ارتفاع کمپها، تعداد نفرات ایرانی و بومی منطقه و سایر اطلاعات لازم توسط سرپرست با تجربه و آگاه برنامه مطرح گردید.

به دنبال اقدامات اولیه، ابتدا کلیه مواد غذایی مورد نظر اعم از تولیدات داخلی و خارجی موجود در بازار تحت بررسی قرار گرفت. نتیجه این کاوشها و بررسیها این بود که با توجه به امکانات و رشد و گوناگونی تولیدات قدیم و جدید ایرانی و خارجی موجود در بازار، باید با انتخاب بعضی از مواد داخلی و خارجی، تغییراتی در این رژیم حاصل شود.

در این رابطه ابتدا نمونه برخی از اقلام غذایی ایرانی و خارجی تهیه و بررسیهای کمی و کیفی و غیره روی یکایک آنها انجام گرفت. نتیجه این آزمایشها به حذف یا جایگزینی و افزایش یا تقلیل برخی اقلام مواد غذایی انجامید. سپس بعد از آخرین آزمایشها و بررسیها و تغییرات، محاسبه رژیم غذایی برنامه آغاز شد و در مدت کوتاهی مواد غذایی مورد نیاز خریداری شد. در نهایت مواد غذایی تهیه شده به سرعت بسته بندی و در تاریخ 79/12/15 به همراه تجهیزات فنی تیم به کاتماندو ارسال گردید که وزن ناخالص مواد غذایی 632 کیلو و وزن خالص آن 492 کیلوگرم بود. لازم به یادآوری است که حدود 45 کیلو از مواد غذایی باقیمانده، شامل تنقلات بین راه

کاتماندو تا کمپ اصلی و مواد فاسد شدنی همراه اعضای تیم به منطقه ارسال شد. همچنین به مقدار 20 کیلوگرم از مواد غذایی محاسبه شده مورد نظر نیز، که شامل چیپس سیبزمینی، کمپوت میوهجات و آبمیوه بود در کاتماندو خریداری شد و به همراه تیم ارسال گردید. علاوه بر ارسال حدود 50 کیلو گوشت که به صورت قورمه درآمد، قرار شد تا در صورت امکان، گوشت تازه در دهکدههای کوهستانی بین راه تهیه و به کمپ اصلی انتقال یابد.

علی طاهری

مسئول تغذیه فدراسیون کوهنوردی





### ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

#### لیست مواد غذایی

ردیف	نوع	مقدار
غلات و انواع نان شیرینی		
1	برنج طارم معطر	1 کیلوگرم
2	جو پوستکنده	3 قوطی
3	کنسرو ذرت شیرین قوطی فلزی، ناخالص	440 گرم 12 قوطی
4	کورن فلکس غنیشده (برشتوک)	14 قوطی
5	آرد برنج	1 کیلوگرم
6	آرد گندم سفید	1 کیلوگرم
7	جوانه گندم آسیابشده	250 گرم
8	نان لواش خشک	17 کیلوگرم
9	بیسکویت ساده متنوع در ابعاد مختلف و با وزنهای	25 تا 1000 گرم 11
کیلوگرم		
10	بیسکویت لایهدار متنوع در ابعاد مختلف و با وزنهای	25 تا 1000 گرم 4
کیلوگرم		
11	نان شیرینی ریز فانتزی	1 کیلوگرم
12	آرد سوخاری	1 کیلوگرم
13	رشته سوپی	5 بسته
14	رشته آش	6 جعبه
حبوبات		
1	عدس خشک، کامل، خام	8 کیلوگرم
2	لپه، خشک، خام	2 کیلوگرم
3	لوبیای معمولی، رسیده، خشک، سفید، خام	1/250 کیلوگرم
4	لوبیای معمولی، رسیده خشک، قرمز، خام	2 کیلوگرم

- 5 لوبیای چیتی، رسیده، خشک، خام 2 کیلوگرم
- 6 نخود خام، خشک 1250
- 7 کنسرو لوبیا (مایع و جامد) قوطی فلزی ناخالص 450 گرم 3 قوطی

#### شیر و فرآورده‌های آن مقدار

- 1 پنیر لیقوان قوطی فلزی ناخالص 1 کیلوگرم 15 قوطی
- 2 پنیر فرانسه قوطی 140 گرم خالص 39 قوطی
- 3 شیرخشک گاو، کامل، سوئیس، قوطی فلزی 900 گرم 2 قوطی
- 4 شیرخشک گاو، کامل، هلند قوطی فلزی 450 گرم 2 قوطی
- 5 کشک پودر شده 3 کیلوگرم
- 6 ماست چکیده گوسفند 8 کیلوگرم
- 7 ماست کیسه‌های گاو 3 کیلوگرم
- 8 قره‌قروت 250 گرم

#### گوشت و انواع آن مقدار

- 1 گوشت قورمه شده گوسفند 10 کیلوگرم
- 2 کنسرو مرغ قوطی فلزی 180 گرم 51 قوطی
- 3 کنسرو ماهی تن قوطی فلزی 200 گرم 29 قوطی
- 4 کنسرو گوشت گاو چرخ شده، پخته، قوطی فلزی 180 گرم 20 قوطی
- 5 کنسرو گوشت گاو معمولی، پخته، قوطی فلزی 180 گرم 23 قوطی
- 6 کنسرو کله پاچه قوطی فلزی ناخالص 10 کیلوگرم 9 قوطی
- 7 کنسرو شیردان گوسفند قوطی فلزی ناخالص 500 گرم 13 قوطی
- 8 کنسرو پاچه گوسفند قوطی فلزی ناخالص 500 گرم 5 قوطی

#### انواع میوه و مرکبات مقدار

- 1 آلبالو خشک 780 گرم
- 2 کمپوت گیلان با شیرینی کم، ناخالص 420 گرم 16 قوطی
- 3 برگه خرمالو 500 گرم
- 4 لواشک آلو زد 30 گرمی 8 بسته
- 5 لواشک زرشک 30 گرمی 18 بسته
- 6 لواشک انار 30 گرمی 16 بسته
- 7 لواشک آلبالو 30 گرمی 12 بسته



### ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

8	آلو سیاه برقانی نمکزده	4/500 کیلو گرم
9	پودر آناناس فوستر آمریکا سفارش مالت قوطی	450 گرمی 2 قوطی
10	انجیر خشک	2 کیلوگرم
11	آبغوره عسگری خالص	2 کیلوگرم
12	تمر هندی، خام بسته	350 گرم ناخالص 7 بسته
13	توت سفید، خشک	3/500 کیلوگرم
14	خرما خشک، قرمز، زاهدی	3/500 کیلوگرم
15	خرما خشک، زرد، زاهدی	2 کیلوگرم
16	خیارشور، ناخالص قوطی فلزی، 1 کیلوگرم	19 قوطی
17	برگه زرد آلو	3/500 کیلوگرم
18	زیتون سبز ناخالص	150 گرم هر پاکت 30 پاکت
19	برگه سیب زرد لبنانی با پوست	1500 گرم
20	پودر طبیعی پرتقال فوستر آمریکا سفارش مالت با قوطی	450 گرمی 4 قوطی
21	خرما سیاه (رطب) بسته	1 کیلوگرمی 1 جعبه
22	برگه پرتقال با پوست	350 گرم
23	آب لیمو ترش بطری	750 گرمی 14 بطری
24	شربت غلیظ شده «کنسانتره»	آلبالو 4 لیتری 4 گالن
25	شربت غلیظ شده «کنسانتره»	پرتقال 4 لیتری 1 گالن
26	شربت غلیظ شده «کنسانتره»	پرتقال 4 لیتری 1 گالن
27	برگه موز، بدون پوست	1 کیلوگرم
28	برگه کیوی، بدون پوست	600 گرم
29	کمپوت چهار میوه (سالاد میوه) ناخالص	1 کیلوگرم (خرید از کاتماندو)
30	آب میوه پاکتی، پرتقال، طالبی، سیب، موز	200 گرمی (خرید از کاتماندو)

قوطی

پاکت

31	لیمو خشک (عمانی) 250 گرم
32	برگه هلو، خالص 2/500 کیلوگرم
33	آلو بخارا، خالص 2 کیلوگرم
<b>سبزی و انواع آن مقدار</b>	
1	اسفناج، خشک 230 گرم
2	بادمجان، خشک 900 گرم
3	پیاز، خشک 10 پاکت
4	تره، خشک 500 گرم
5	جعفری، خشک 550 گرم
6	برگ چغندر خشک 120 گرم
7	شوید (شبت) خشک 140 گرم
8	شنبلیله، خشک 100 گرم
9	نعناع، خشک 90 گرم
10	گشنیز، خشک 450 گرم
11	چیپس سیبزمینی (خرید از کاتماندو) 4/500 کیلوگرم
12	پوره سیبزمینی (آرد) 45 پاکت
13	قارچ، کنسرو مایع و جامد ناخالص 500 گرم 10 قوطی
14	گوچه فرنگی خشک شده در آفتاب 450 گرم
15	رب گوجهفرنگی، به صورت کنسرو 500 گرم 2 قوطی
16	سس گوچه فرنگی، به صورت ناخالص 440 گرم 9 قوطی
17	سس گوچه پاکتی (تک نفره) 150 عدد
18	کنسرو نخود فرنگی، ناریس، جامد و مایع خالص 360 گرم 10 قوطی
19	سیر خشک (تهیه از کاتماندو) 750 گرم
20	پودر سیر 100 گرم
21	پودر لیمو 100 گرم
<b>خشکبار و دانه ها مقدار</b>	
1	مغز بادام خشک، خام 2/250 کیلوگرم
2	مغز بادام خشک، بو داده و نمکزده شده 1 کیلوگرم
3	بادام زمینی، بو داده 2/500 کیلوگرم
4	پسته، با پوست 4/500 کیلوگرم



### ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

5	خلال پسته	100 گرم
6	خلال بادام	150 گرم
7	فندق بدون پوست	3/250 کیلوگرم
8	پودر کاکائو با چربی متوسط قوطی 125 گرم و 250 گرم	375 گرم
9	کشمش شاهانی، سرخ (مویز)	2/500 کیلوگرم
10	کشمش سبز غیرتیزابی آفتاب خشک	2/750 کیلوگرم
11	کشمش سبز تیزابی	2 کیلوگرم
12	مغز گردو	750 گرم
13	تخمه آفتابگردان بو داده	3/250 کیلوگرم
14	تخمه کدو، بو داده	4/250 کیلوگرم
15	تخمه هندوانه، بو داده	2 کیلوگرم

#### نوشیدنیها مقدار

1	چای فوری، خشک، لیپتون انگلستان بسته 50 عددی	16 بسته
2	چای سیاه خشک، سیلان	600 گرم
3	ماءالشعیر قوطی فلزی خارجی 220	34 قوطی
4	قهوه فوری 125 گرمی سوییس	2 عدد
5	نسکافه فوری (کاپوچینو) 12/5 گرمی ایتالیا	32 پاکت

#### چربیها مقدار

1	روغن نباتی، جامد قوطی فلزی خالص 900 گرم	1/800
2	روغن مایع ذرت آمریکا	1 گالن
3	کره حیوانی 25 گرمی	220 عدد
قند و مواد شیرین مقدار		
1	شکر سفید	15 کیلوگرم
2	قند کله، حبه شده	20 کیلوگرم
3	عسل بدون موم	3/5 کیلوگرم

عسل با موم	2 کیلوگرم	4
نبات سفید	1/750 کیلوگرم	5
پولکی، زرد	1 کیلوگرم	6
<b>سایر مواد غذایی مقدار</b>		
زرشک، شیرین، قرمز	250 گرم	1
زعفران 3 گرمی	2 قوطی	2
سس مایونز شیشه	290 گرم 3 شیشه	3
کنسرو خاویار بادمجان	240 گرم هر قوطی 6 قوطی	4
حلوا ارده شکری	1 کیلوگرمی 5 قوطی	5
رشته آشی جعبه	1 کیلوگرمی 6 جعبه	6
کنسرو قارچ قوطی فلزی ناخالص	440 گرم 8 قوطی	7
حلوا ارده شکری تک نفره	24 بسته	8
کنسرو خورشید قیمة قوطی	180 گرم 44 قوطی	9
پودر ژله با طعمهای گوناگون هر پاکت	85 گرم 15 پاکت	10
سماق پودر	100 گرم	11
غذای غنچه (کودک)	1 قوطی	12
غذای مامانا (کودک)	2 قوطی	13
مربا، توت فرنگی، تمشک، آلبالو، گل، خالص	7 کیلوگرم	14
سس مایونز تک نفره	40 پاکت	15
ادویه	200 گرم	16
آبنبات متنوع و با طعمهای گوناگون ایران	6 کیلوگرم	17
سس ماکارونی خالص	440 گرم قوطی فلزی 6 قوطی	18
ترشی با طعم ملایم، لپته	3 کیلوگرم	19
ترشی با طعم ملایم و متنوع درشت	4 کیلوگرم	20
نمک یددار، پاکتی	1 کیلوگرم 4 پاکت	21
زردچوبه	100 گرم	22
فلفل	100 گرم	23
دارچین کوبیده	100 گرم	24
خاکشی (خاکشیر)	150 گرم	25
حلوا خانگی	15 کیلوگرم	26



### ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

27	کاکائو داغ (هات چاکلت) 14 گرم پاکتی	45	پاکت
28	آش جو آماده پاکتی	28	قوطی
29	سوپ سبزی آماده	9	قوطی
30	سوپ جو آماده پاکتی	6	پاکت
31	کنسرو خورشید قورمه سبزی 285 گرمی	41	قوطی
32	کنسرو خورشید کرفس 285 گرمی	6	قوطی
33	کنسرو خوراک مرغ 285 گرمی	14	قوطی
34	معجون تکنیک: قوطی 500 گرم، همدان	5	قوطی
35	گزلقمه اصفهان 1 کیلوگرمی	2	جعبه
36	سوهان تخت، قم 1 کیلوگرمی	1	جعبه
37	سوهان لقمه، قم 500 گرمی	2	قوطی
38	باقلوا 1 کیلوگرم		
39	شکلات کاکائو هوبی، کوچک 10 گرمی ترکیه	200	عدد
40	شکلات جکیوس بلژیک ساده و شیری با لایه فندق - بادام	47	گرمی 34 عدد
41	شکلات لایهدار ریتر اسپورت آلمان 100 گرمی با ساده - شیری	11	عدد
42	شکلات کاکائو مترو جعبه 24 عددی	1	جعبه
43	شکلات کاکائو مارس، 24 عددی و هر عدد 58 گرم	1	جعبه
44	شکلات کاکائو 20 گرمی ایران، 12 تایی شیری ساده	9	جعبه
45	آدامس عسلی اولیپس جعبه 20 عددی	1	جعبه
46	آدامس پیکه در دو نوع جعبه 25 عددی	2	جعبه
47	ترشی سیر	50	گرم
48	سوپ ماجی سوئیس پاکت 85 گرم و 60 گرم و 71 گرم مرغ، قارچ سبزی	65	
49	ماکارونی نودلز و ینوس مالزی و اندونزی پاکت 85 گرم مرغ، قارچ سبزی	37	پاکت

پاکت

پاکت



50	روغن زیتون، بیبو ترکیه 250 گرمی 1 قوطی
51	شکلات ریتر اسپورت آلمان 40 گرمی با لایه فندقی و شیری 40 عدد
52	شکلات ریتر اسپورت آلمان 20 گرمی با لایه فندقی و شیری 80 عدد
53	شکلات ویفر گلد 25 گرمی 24 عدد
54	سرکه 500 گرمی 1 عدد
55	شکلات لایهدار ایران 2 کیلو

### دَم کردنیها و مواد خوراکی با خاصیت دارویی مقدار

1	سنبل الطیب 75 گرم
2	گل گاو زبان 175 گرم
3	شربت فروگلوبین، انگلستان 1 شیشه
4	کپسول ویتامینه سون سیز شیشه 500 عددی 1 شیشه
5	قرص مولتی ویتامین جوشان 20 عددی آلمان 2 قوطی
6	قرص ویتامین C جوشان 20 عددی آلمان 2 قوطی
7	آب نبات ویکس 18 عددی با طعمهای گوناگون آلمان 36 جعبه
8	آدامس استیک 6 تایی بلکبک ژاپن 22 بسته
9	قرص کلسیم جوشان 20 عددی آلمان 2 قوطی
10	آب نبات اولیپس، مولتی ویتامین ترکیه 1 بسته
11	آب نبات اولیپس، ویتامین C ترکیه 1 بسته
12	آب نبات اولیپس، اکالیپتوس ترکیه 16 عدد



### ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

#### تدارکات فنی تیم ماکالو

جهت بهره گیری بهتر نفرات تیم ماکالو از پوشاک مناسب، فدراسیون کوهنوردی از پاییز 1379 اقدام به وارد کردن نوعی پوشاک ارتفاع با مارک شرکت «MILLET» نمود که در این پوشاک، جدیدترین متد به کار رفته بود این پوشاک شامل: کاپشن شلوار گورتکس، کاپشن Wind stopper، کاپشن و شلوار پولار، بلوز و شلوار استرچ و کفش «one sport» همچنین با توجه به موجودی فدراسیون کوهنوردی دو دست لباس یکسره ارتفاع از جنس گورتکس در اختیار تیم قرار گرفت و دو دست نیز در «کاتماندو» خریداری شد. این لباسها در روز حمله تیم به قله مورد استفاده قرار گرفت. به علت فرسوده بودن کیسه خوابهای موجود، مقرر شد تا افراد، خود اقدام به تهیه کیسه خواب نمایند، که دو نفر از اعضای تیم مجبور به استفاده از همان کیسه خوابها شدند.

همچنین تعدادی روکش دستکش و دستکش پشمی بر اساس موجودی انبار فدراسیون در اختیار تیم اعزامی قرار گرفت. در پایان لازم است لیست لوازم و تجهیزاتی که توسط فدراسیون کوهنوردی در اختیار تیم ماکالو قرار گرفت را ارایه دهیم.

توضیح اینکه سایر لوازم بر عهده خود نفرات بود.

لیست تجهیزات، پوشاک و وسایل فنی که فدراسیون کوهنوردی، در اختیار تیم قرار داد:

الف - وسایل فنی

1	کرامپون	9 جفت
2	تبر یخ	6 عدد
3	کلنگ	4 عدد
4	بیلچه	3 عدد
5	لنگر برف	6 عدد
6	نبشی برف	44 عدد
7	پیچ یخ (تیتانیوم)	25 عدد
		خرید در کاتماندو که در مسیر کمپ 2 به
3	مورد استفاده قرار گرفت	
8	میخ سنگ	9 عدد
		در طولهای آخر 2 به 3 و در گرده زیرقله به کاررفت

9	کارابین ساده	36 عدد
10	کارابین پیچدار	16 عدد
11	کاربینچه	16 عدد
12	هشت فرود	16 عدد
13	طناب Dry	120 متر

نصب گردید

14 طناب 7 میل دینامیک 100 متر 50 متر آن در روز صعود به قله به صورت ثابت

صورت ثابت نصب گردید

15 طناب 7 میل استاتیک 1200 متر خرید در کاتماندو

16 طناب 5 میل 1 رول کامل

17 طناب 3 میل 1 رول کامل

18 تسمه 60 متر

19 طنابچه انفرادی 7 حلقه

20 یومار 16 عدد

21 باطوم 16 عدد

ب - پوشاک

1 کفش One sport 18 جفت سه جفت در کاتماندو خریداری شد

2 کیسه خواب 5 عدد

3 لباس یکسره پر North Face 1 عدد

4 لباس یکسره Gore Tex 3 عدد

5 کاپشن Gore Tex 15 عدد

6 شلوار Gore Tex 15 عدد

7 کاپشن Wind stopper 15 عدد

8 پیراهن پولار 15 عدد

9 شلوار پولار 15 عدد

10 شلوار استرچ 8 عدد

11 پیراهن استرچ 15 عدد

12 دستکش پشمی 2 و 5 انگشتی 6 جفت

13 روکش دستکش 2 انگشتی 3 جفت

14 روکش دستکش 5 انگشتی 1 جفت



### ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

#### ج - تجهیزات

- |    |  |          |        |  |
|----|--|----------|--------|--|
| 1  | چادر   | 13 تخته  | 1 تخته | Alpinus 2 نفره   |
|    |  |          | 4 تخته | North face 3 نفره  |
|    |  |          | 2 تخته | North face 2 نفره تونلی  |
|    |  |          | 6 تخته | North face 2 نفره معمولی                                       |
| 2  | کپسول اکسیژن   | 12 عدد   |        | خرید در کاتماندو   |
| 3  | ماسک   | 10 عدد   | 6 عدد  | در کاتماندو خریداری شد   |
| 4  | رگلاتور  | 10 عدد   | 6 عدد  | در کاتماندو خریداری شد   |
| 5  | ظرف غذا  | 4 ستکامل | 1 ست   | در کاتماندو خریداری شد   |
| 6  | کتری   | 8 عدد    |        |  |
| 7  | جعبه ابزار شامل: چسبنواری، چسب مایع، تیغ موکتبری، لنت برق، انبردست، پیچگوشتی، فازمتر و ... |          |        |  |
| 8  | ترازوی دستی  |          |        |  |
| 9  | چراغ پیشانی اضافه  | 3 عدد    |        | در کاتماندو خریداری شد و شب صعود به قله مورد استفاده قرار گرفت |
| 10 | فیلم دوربین عکاسی  | 35 حلقه  |        |  |
| 11 | اسلاید   | 35 حلقه  |        |  |
| 12 | فیلم دوربین فیلمبرداری   | 40 عدد   |        |  |
| 13 | نوار کاست خام  | 10 عدد   |        |  |
| 14 | چراغ خوراکپزی EPI گاز  | 8 عدد    | 4 عدد  | در کاتماندو خریداری شد   |
| 15 | باتری قلمی   | 150 عدد  |        | خرید در کاتماندو   |
| 16 | باتری بزرگ   | 24 عدد   |        | خرید در کاتماندو   |
| 17 | پرچم ایران   | 6 عدد    |        |  |
| 18 | بیسیم  | 8 عدد    |        |  |
| 19 | وسایل بازی و سرگرمی  |          |        |  |

20 سیم برق 15 متر

21 لامپ 4 عدد

22 سهراهی، سرپیچ، دوشاخه

تذکر: برخی از وسایل نظیر کرامپون، کلنگ، صندلی صعود، چراغ پیشانی و... توسط خود اعضاء تهیه گردید.



### ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

#### فاتحان قله ماکالو

معرفی اعضای تیم ملی جمهوری اسلامی ایران اعزامی به قله ماکالو

صادق آقاجانی کلخوران (سرپرست تیم)



متولد: 1338

متاهل، دارای سه فرزند

مدرک تحصیلی: دیپلم

شروع کوهنوردی: 1354

شغل: رئیس فدراسیون کوهنوردی.

سوابق کوهنوردی:

- \* سرپرست تیم فاتح قله گاشر بروم 1376
- \* سرپرست تیم فاتح قله اورست 1377
- \* سرپرست تیم فاتح قله چو آیو 1379
- \* سرپرست تیم فاتح قله شیشا پانگما 1379
- \* صعود به قله المپیک در قرقیزستان 1374

## اقبال افلاکی (معاون سرپرست)



متولد: 1333، شهرستان تکاب

متأهل

مدرک تحصیلی: فوق دیپلم

نساجی

شروع کوهنوردی: 1356

سوابق کوهنوردی:

\* سرپرست تیم گشایش مسیر بر روی دیواره دمیر کازیک ترکیه 1374

\* معاون سرپرست تیم فاتح قله اورست و صعود تا

گردنه جنوبی اورست 1377

\* سرپرست تیم ملی کوهنوردی جوانان اعزامی به قله پوبدا 1378 I.R.Iran Mountaineer

\* معاون سرپرست تیم ملی اعزامی به قله چوآیو و شیشاپانگما 1379

مدارک:

- گذراندن دوره صعودهای ترکیبی و امداد و نجات از مدرسه «پلاسی برنی» اسکاتلند در سال

1378

- گذراندن دوره مربیگری صعودهای زمستانی از مدرسه «بننویس» اسکاتلند در سال 1379

- مدرک مربیگری درجه 2 از فدراسیون کوهنوردی





### ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

#### جلال چشمه قصابانی



متولد: 1338 همدان

متاهل، دارای یک فرزند

شروع کوهنوردی: 1362

مدرک تحصیلی: دیپلم

سوابق کوهنوردی:

\* صعود به قله راکاپوشی 1376

\* صعود به قله اورست 1377

مدارک:

- مدرک مربیگری درجه 2 یخ و برف

- مربیگری درجه 3 سنگنوردی

- گذراندن دوره‌های سنگنوردی داخل سالن زیر نظر مربیان فرانسوی

### داود خادم اصل



متولد: 1334، تهران

شروع کوهنوردی: 1360

مدرک تحصیلی: دیپلم

سوابق کوهنوردی:

\* صعود به قله فوجیاما در ژاپن

\* عضو تیم فاتح قله اورست و صعود تا «گردنه جنوبی» 1377

\* صعود به قله چو آیو، 8201 متر 1379

\* صعود به قله شیشاپانگما، 8046 متر 1379

مدارک:

- مدرک مربیگری درجه 3 از فدراسیون کوهنوردی 1367



### ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

#### محمدحسن نجاریان



متولد: 1344، نهاوند

متاهل، دارای یک فرزند

شروع کوهنوردی: 1359

سوابق کوهنوردی:

\* گشایش مسیر بر روی دیواره دمیرکازیک ترکیه به نام ایران (دو مسیر) 1374

\* صعود به قله گاشر بروم e در پاکستان 1376

\* صعود به قله اورست 1377

\* عضو تیم ملی سنگنوردی ایران اعزامی به مسابقات آسیایی سنگاپور 1373

مدارک:

- مدرک مربیگری درجه 2 از فدراسیون کوهنوردی

### حمید مساعديان



متولد: 1345، تهران

مجرد

مدرک تحصیلی: دکترای پزشکی عمومی

مدارک:

- دارای مدرک مربیگری درجه 3 از فدراسیون کوهنوردی

### ابوالفضل جوادی



متولد: 1340، قزوین

مجرد

مدرک تحصیلی: دکترای پزشکی عمومی

شروع کوهنوردی: 1372

فدراسیون کوهنوردی و صعودهای ورزشی جمهوری اسلامی ایران  
I.R.Iran Mountaineering & Sport Climbing Federation



### ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

#### علیرضا جلالی



متولد: 1347، تبریز

مدرک تحصیلی: لیسانس ادبیات

شغل: دبیر ادبیات

شروع کوهنوردی: 1372

#### حسین جملران



متولد: 1350، تبریز

مجرد

مدرک تحصیلی: دیپلم ریاضی فیزیک

شروع کوهنوردی: 1369

سوابق کوهنوردی:

\* صعود قله پوبدا در پامیر 1378

## رضا زارعی



متولد: 1348، تهران

مجرد

مدرک تحصیلی: دانشجوی رشته تربیت بدنی

شروع کوهنوردی: 1371

سوابق کوهنوردی:

\* صعود به قله راکاپوشی 1376

\* عضو تیم فاتح قله اورست ، صعود تا گردنه جنوبی 1378

\* صعود قله مون بلان 1378

\* صعود قله چوآیو و صعود تا ارتفاع 7300 شیشاپانگما 1379

مدارک: I.R.Iran Mountaineering & Sport Climbing Federation

- مدرک مربیگری درجه 2 از فدراسیون کوهنوردی

- گذراندن دوره‌های رهبری گروه و صعود مسیرهای دشوار در فرانسه



### ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

محمد اوراز



متولد: 1348، نقده

مجرد

مدرک تحصیلی: لیسانس تربیت بدنی

شروع کوهنوردی: 1367

سوابق کوهنوردی:

\* صعود به قله راکا پوشی 1376

\* صعود به قله اورست 1377

\* صعود به قله چو آیو و شیشا پانگما 1379

مدارک:

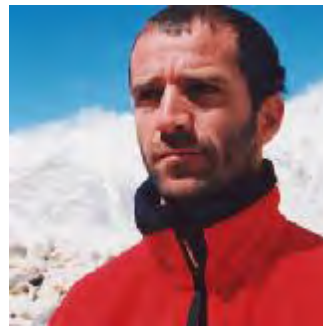
- مدرک مربیگری درجه 1 از فدراسیون کوهنوردی

- گذراندن دوره‌های رهبری گروه و صعود مسیرهای

دشوار در فرانسه 1378



### امیر اکبری



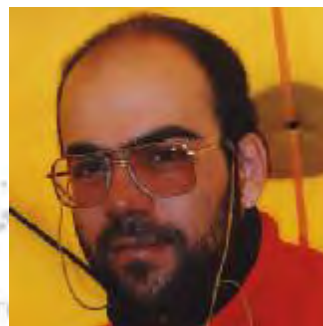
متولد: 1351، همدان

مجرد

مدرک تحصیلی: سوم راهنمایی

شروع کوهنوردی: 1372

پوریا پرچمی عراقی



متولد: 1352، تهران

مجرد

مدرک تحصیلی: لیسانس

ریاضیات کاربردی

شروع کوهنوردی: 1376

مدارک:

- مدرک مربیگری درجه 3 از فدراسیون کوهنوردی

فدراسیون کوهنوردی و صعودهای ورزشی جمهوری اسلامی ایران  
I.R.Iran Mountaineering & Sport Climbing Federation



### ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

#### حسین عظیمی



متولد: 1353، همدان

مجرد

مدرک تحصیلی: دیپلم

شروع کوهنوردی: 1371

مدارک:

- مدرک مربیگری درجه 3 از فدراسیون کوهنوردی

#### هادی گرمی پور



متولد: 1359، نقده

مجرد

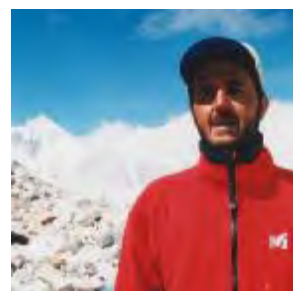
مدرک تحصیلی: دیپلم

شروع کوهنوردی: 1376

سوابق کوهنوردی:

\* عضو تیم فاتح قله پوبدا 1378

اکبر مهدیزاده



متولد: 1354، نقده

مجرد

مدرک تحصیلی: دانشجوی رشته حسابداری و صعود بهای ورزشی جمهوری اسلامی ایران

شروع کوهنوردی: 1372

I.R.Iran Mountaineering & Sport Climbing Federation

سوابق کوهنوردی:

\* صعود به قله پوبدا 1378

\* صعود به قله چوآیو و شیشاپانگما 1379



## ماکالو هیولای سیاه

گزارشی از صعود ارزشمند تیم ملی کوهنوردی ایران به قله ما الو 1381

### Makalu (Himalayas) The Black Mountain

The I.R.Iran Mountaineering National team has successfully climbed Mt. Makalu, the 5 th highest mountain in the world, with the high of 8463 meters in 13 th of May 2001. The members of this team, which comprised 15 climbers, were chosen after 6 stages of preparatory camping and through 53 volunteer climbers. These climbers have left Tehran to Katmandu on 24 th of March under leadership of Mr. Sadegh AGHAJANI and were transferred from Katmandu to "Tumlingtar" village on 30 March and after passing the villages of Khandbari, Mane Bhanjyan, Bhote Bash, Chichila, Num, Sedua, Mumbuk and the sheep places they reached the base camp of Makalu which were placed in the southern side at the high of 4795 meters. Finally on 15 th of April the Iranian team set up advanced basic camp in the western route at the high of 5220 meters and started the climbing to Makalu on 16 th of April .

This team formed the summit bit to the Makalu on 13 th of May, after four camps in the highs of 6100, 6500, 7300 and 7600 maters, which took 27 days.

After a cold night and passing the huge ice pillars of the North-West route and the hard passing rocks, seven members of the team with two sherpas successfully reached the crest of Black Mountain Makalu on 5:50 PM and they set the holy flag of I.R.Iran on the summit.

It is necessary to mention that in the summer of 2001 there were the teams of United states, Spain, Chile , Korea, Austria (2 teams) and New Zealand in the area and among the mentioned teams 20 climbers with 5 sherpas successfully reached the summit which there were 7 Iranian climbers and 2 sherpas among them.

The members of the expedition team of Islamic Republic of Iran consisted of:

- 1 Mr. S. Aghajani)
- 2 Mr. E. Aflaki (second Leadr)
- 3 Dr. H. Mosaedian (physician)
- 4 Dr. A. Javadi (physician(
- 5 Mr. M. H. najariyan (The Cameraman)
- 6 Mr. D. Khadem

- 7 Mr. J. Cheshme Ghasabani
- 8 Mr. M. Oraz
- 9 Mr. A. Mehdizadeh
- 10 Mr. R. Zarei
- 11 Mr. P. Parchami
- 12 Mr. H. Azimi
- 13 Mr. A. Akbari
- 14 Mr. A.R. Jalali
- 15 Mr. H. Jamalran
- 16 Mr. M. Garmipoor





در کانال تلگرام کارنیل هر روز انگیزه خود را شارژ کنید 😊

<https://telegram.me/karnil>

